

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن

راهنمای معلم

پایه هشتم

دوره اول متوسطه



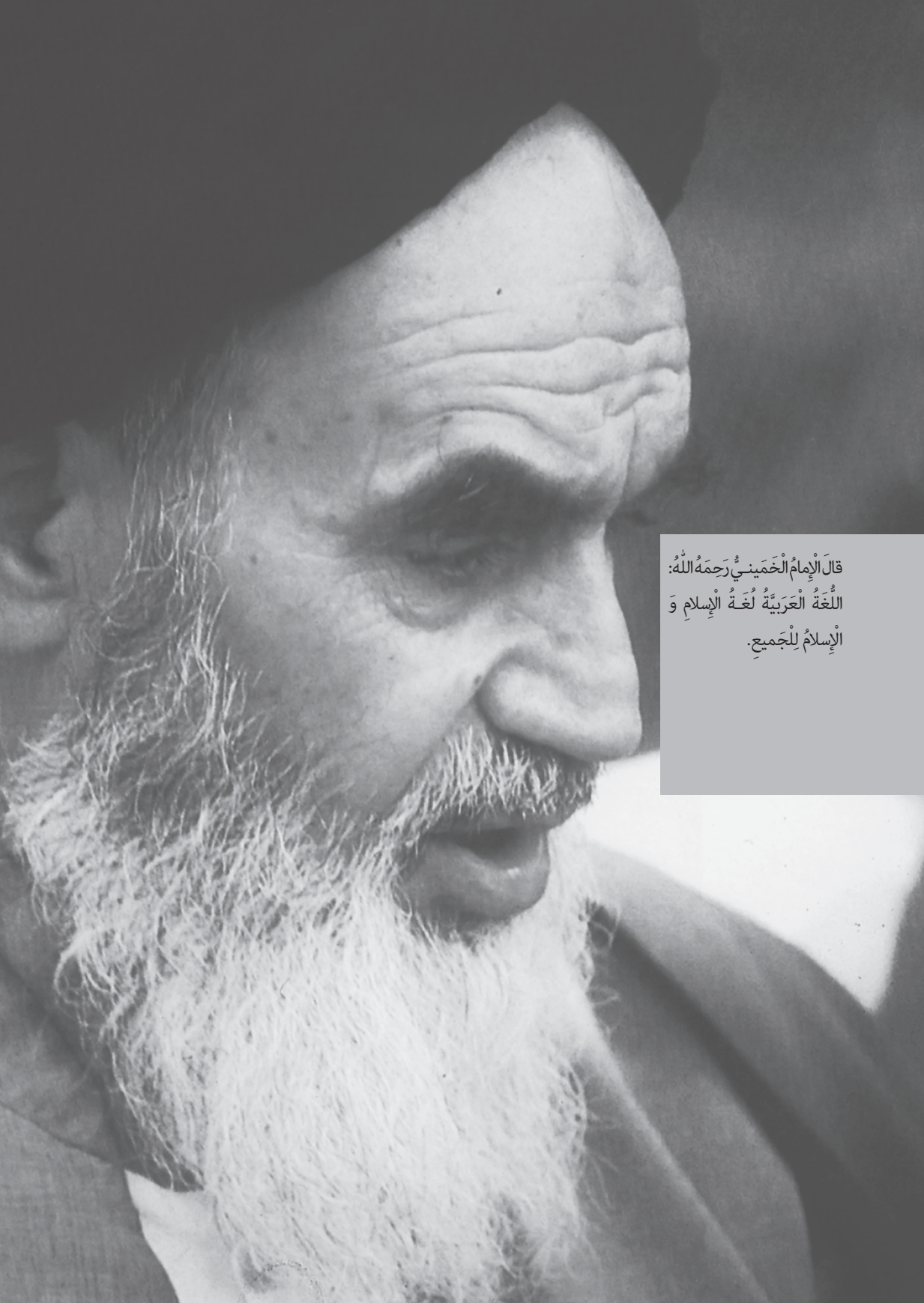


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: راهنمای معلم عربی، زبان قرآن - پایه هشتم دوره اول متوسطه - ۸۷۸۱
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، حمید محمدی، اباذر عباچی، فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی و تألیف)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: عادل اشکیوس (مؤلف)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) - الهام جعفرآبادی، سید کیوان حسینی، زینت بهشتی شیرازی و ناهید خیام‌باشی (امور آماده‌سازی)
- تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)
- سال انتشار و نوبت چاپ: تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵
- وبگاه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپ اول ۱۴۰۱

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۵۰۷-۳

ISBN: 978-964-05-3507-3



قال الإمام الخميني رحمه الله:
اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ وَ
الْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

مقدمه

۱	بخش اول: طرح درس
۷	بخش دوم: امتحانات و بارم‌بندی
۲۳	بخش سوم: توضیحات مشترک در تدریس همه درس‌های کتاب
۳۹	بخش چهارم: محتوای کتاب پایه هشتم و نحوه آموزش درس‌ها
۴۰	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ ۱
۴۹	الدَّرْسُ الثَّانِي ۲
۶۱	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ ۳
۷۲	الدَّرْسُ الرَّابِعُ ۴
۸۳	الدَّرْسُ الْخَامِسُ ۵
۹۲	الدَّرْسُ السَّادِسُ ۶
۱۰۱	الدَّرْسُ السَّابِعُ ۷
۱۱۰	الدَّرْسُ الثَّمَانُ ۸
۱۱۸	الدَّرْسُ التَّاسِعُ ۹
۱۲۷	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ ۱۰

مقدمه

خدای را سپاس که به ما دوباره توفیق داد، تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

اهمیت درس زبان عربی تا جایی است که یک اصل از اصول قانون اساسی به الزام تدریس این زبان اشاره دارد. در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشتهها تدریس شود».

در «برنامه درسی ملی» نیز اختصاصاً در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:

«... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه، به‌میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین علیهم‌السلام و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد».

در «برنامه درسی عربی» نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

۱ رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی به‌منظور فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان، جمله‌سازی و متن‌محوری به جای قاعده‌محوری.

۲ کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند، آسیبی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد؛ در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شایستگی مورد نظر برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان:

برنامه درسی زبان عربی انتظار دارد دانش‌آموزان بتوانند در پایان دوره اول متوسطه به فهم عبارات کوتاه و ساده به کار رفته در متون دینی و ادبی و در پایان دوره دوم به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به سه سال اول متوسطه دست یابند.

تذکر مهم: لطفاً برای آگاهی از مطالب زیر به کتاب راهنمای معلم عربی، زبان قرآن پایه هفتم مراجعه کنید.

اهداف کلی برنامه درسی عربی در حوزه عناصر و عرصه‌ها

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی، زبان قرآن دوره اول متوسطه

بخش اوّل

طرح درس

به نام خدا		طرح درس روزانه پیشنهادی - کتاب عربی، زبان قرآن پایه هشتم	
نام دبیر:		تاریخ:	
نام مدرسه:		نام مدرسه:	
درس: دوم	موضوع درس: اهمیة اللغة العربیة	صفحه: ۲۳ تا ۳۴	مدت: ۷۵ دقیقه
الف) بخش نظری: اهداف			
۱	عنوان مطالب	<p>۱- متن درس ۲- واژگان جدید ۳- معادل عربی فعل مضارع اول شخص مفرد (متکلم وحده) و دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب) ۴- یادآوری معادل عربی فعل ماضی اول و دوم شخص مفرد ۵- یادآوری آموخته‌های کتاب پایه هفتم</p>	
۲	اهداف کلی	<p>در حوزه شناخت</p> <p>۱- دانستن معنای فارسی ۳۲ کلمه جدید و یادآوری برخی کلمات سال گذشته.</p> <p>۲- آشنایی با معادل عربی فعل مضارع اول و دوم شخص مفرد.</p> <p>۳- مقایسه فعل ماضی و مضارع اول و دوم شخص مفرد.</p>	<p>۱- ایجاد علاقه به علم.</p> <p>۲- علاقه به یادگیری آیات و احادیث.</p> <p>۳- تبیین جایگاه زبان عربی در جهان اسلام.</p>
		<p>در حوزه عمل و رفتار</p> <p>۱- روان خوانی و ترجمه متون و عبارات ساده عربی.</p> <p>۲- مکالمه به زبان قرآن در حد نیازهای روزمره به ویژه در سفرهای زیارتی.</p>	
		<p>اهداف جزئی</p> <p>۳</p> <p>دانش آموز در فرایند آموزش باید به اهداف زیر برسد:</p> <p>۱- یادگیری ترجمه فارسی ۳۲ کلمه عربی پرکاربرد.</p> <p>۲- ترجمه دو حدیث از پیامبر اسلام ﷺ و سه حدیث از امام علی <small>علیه السلام</small>.</p> <p>۳- شناخت صیغه‌های مضارع متکلم وحده، مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب.</p> <p>۴- یادآوری صیغه‌های ماضی متکلم وحده، مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب.</p> <p>۵- تشخیص فعل ماضی و مضارع از همدیگر.</p> <p>۶- تقویت مهارت روان خوانی متن و عبارت.</p> <p>۷- ترجمه فعل مضارع در عربی به مضارع اخباری.</p> <p>۸- با توجه به قرائن تشخیص فعل مضارع مناسب در جمله.</p> <p>۹- پاسخ‌دهی به جملات پرسشی ساده در یک یا دو کلمه.</p> <p>۱۰- ترجمه جملات کوتاه دارای فعل ماضی و مضارع از عربی به فارسی.</p> <p>۱۱- با توجه به قرائن، تشخیص فعل ماضی مناسب در جمله.</p>	

<p>نتایج ارزشیابی زیر نقطه شروع آموزش را مشخص می کند.</p> <p>۱- فعل ماضی بر چه زمانی دلالت می کند؟ گذشته <input type="checkbox"/> حال <input type="checkbox"/></p> <p>۲- فعل مضارع بر چه زمانی دلالت می کند؟ گذشته <input type="checkbox"/> حال و آینده <input type="checkbox"/></p> <p>۳- فعل ماضی و مضارع را در فارسی تشخیص دهد.</p> <p>۴- فعل ماضی و مضارع فارسی را صرف کند.</p> <p>۵- فعل ماضی را در زبان عربی بشناسد و ترجمه کند.</p>		ارزشیابی تشخیصی	۴
<p>در صورت پاسخ به این سؤالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.</p>	نتیجه		

شایان ذکر است بیشتر معلمان مجرب عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند. نوشتن طرح درس تنها به منظور ساماندهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات یکدیگر است. نوشتن طرح درس موجب می شود تا علاوه بر اینکه تجربیات خود را به دیگران انتقال می دهیم، از تجربه دیگران نیز بهره مند شویم.

ب) فرایند آموزش: مراحل تدریس			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
۴	۱- سلام و احوال‌پرسی ۲- حضور و غیاب ۳- معلم، قبل از شروع تدریس راهبردها و روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری موردنظر خودش را مشخص می‌کند.	معارفه	۱
۴	پرسش شفاهی سؤالات ارزشیابی ورودی از قبل آماده شده	ارزشیابی رفتار ورودی	۲
۵	نقشه جهان اسلام: الف) با استفاده از نقشه از دانش‌آموزان می‌پرسیم: ۱- رنگ سبز به چه معناست؟ ۲- چه درصدی از مردم کره زمین مسلمان‌اند؟ ۳- چند کشور جهان مسلمان‌اند؟ ۴- جایگاه زبان عربی در کشورهای مسلمان چیست؟ ب) به اختصار دلایل یادگیری عربی را برای دانش‌آموزان شرح می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم بخش «سخنی با دانش آموز» در کتاب را بخوانند.	ایجاد انگیزه	۳
۲	در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم: در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم. جایگاه زبان عربی در ایران و جهان، جایگاه دانش در اسلام، اول و دوم شخص مفرد فعل مضارع	معرفی درس و بیان اهداف	۴
۴۰	۱- از دانش‌آموزی توانمند جهت قرائت کلمات جدید درس کمک می‌گیریم، یا از کتاب گویا استفاده می‌کنیم. ۲- دانش‌آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه ترجمه می‌کنند. ۳- بخش «بدانیم» را دانش‌آموزی می‌خواند و از سایرین درباره آن سؤال می‌کنیم. ۴- آموزش تصویری را چهار دانش‌آموز می‌خوانند و ترجمه می‌کنند و معلم توضیحات لازم را بیان می‌کند؛ سپس دانش‌آموزان تمرین آن را حل می‌کنند.	شروع تدریس و ارائه درس	۵
۵	جدول بخش «بدانیم» را به عنوان چکیده ساختار آموزشی درس به دانش‌آموزان معرفی می‌کنیم و در صورت داشتن وقت از آنان می‌خواهیم فعل‌های ساده‌ای مانند خرج، دخل، صبر، فهم، عبر را مانند نمونه، مثال بزنند.	خلاصه درس و نتیجه‌گیری	۶
۱۰	مشابه این پرسش‌ها را شفاهی از دانش‌آموزان می‌پرسیم: ۱- فرق ترجمه «أَنَا حَرَجْتُ» و «أَنَا أَخْرَجْتُ» چیست؟ ۲- فرق ترجمه «أَنْتَ دَخَلْتَ» و «أَنْتَ تَدْخُلُ» چیست؟ ۳- فرق ترجمه «أَنْتِ عَبَّرْتِ» و «أَنْتِ تَعْبُرِينَ» چیست؟	ارزشیابی بعد از تدریس	۷
-	حل تمرینات درس برای جلسه بعدی در تقریباً ۷۵ دقیقه. دانش‌آموزان می‌توانند در شبکه شاد حل تکالیف خود را ارسال کنند.	تکلیف	۸
۵	۱- تهیه آیات و احادیث دیگر درباره ارزش علم و علما. ۲- یافتن «داستان»، «آیا می‌دانید که» و «لطیفه» به زبان عربی. ۳- یافتن وبلاگ، وبگاه، نرم‌افزار آموزشی، پرده‌نگار (پاورپوینت) و تصاویر آموزشی مناسب.	معرفی فعالیت‌های خلاقانه	۹
۷۵		زمان تقریبی	

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی «عربی، زبان قرآن» پایه هشتم						
ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فَعَالِیْت	
مهر	اول	۱		۱	معارفه و تدریس احتمالی درس اول	نیمسال اول
	دوم	۲		۱	پرسش شفاهی، تدریس درس اول	
	سوم	۳		۱	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس اول	
	چهارم	۴		۲	آزمون کتبی کوتاه، تدریس درس دوم	
آبان	اول	۵		۲	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس دوم	
	دوم	۶		امتحان	امتحان از درس اول و دوم	
	سوم	۷		۳	پرسش شفاهی، تدریس درس سوم	
	چهارم	۸		۳	آزمون کتبی کوتاه، ادامه تدریس درس سوم	
آذر	اول	۹		۴	پرسش شفاهی، تدریس درس چهارم	
	دوم	۱۰		۴	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس چهارم	
	سوم	۱۱		۵	پرسش شفاهی، تدریس درس پنجم	
	چهارم	۱۲		۵	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس پنجم	
دی	اول	۱۳		آزمون شفاهی	امتحان شفاهی	
	دوم	۱۴		امتحانات	برگزاری امتحانات نوبت اول (از جمله امتحان عربی)	
	سوم	۱۵		امتحانات	ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول	
	چهارم	۱۶		۶	پرسش شفاهی، تدریس درس ششم	
بهمن	اول	۱۷		۶	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس ششم	
	دوم	۱۸		۷	پرسش شفاهی، تدریس درس هفتم	
	سوم	۱۹		۷	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس هفتم	
	چهارم	۲۰		۸	آزمون کتبی کوتاه، تدریس درس هشتم	
اسفند	اول	۲۱		۸	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس هشتم	
	دوم	۲۲		امتحان	امتحان درس ششم تا هشتم	
	سوم	۲۳		دوره	دوره درس اول تا هشتم	
	چهارم	۲۴		دوره	تعطیلی احتمالی یا دوره درس اول تا هشتم	
فروردین	اول	۲۵		—	تعطیل عید نوروز	
	دوم	۲۶		—	تعطیل عید نوروز	
	سوم	۲۷		۹	پرسش شفاهی، تدریس درس نهم	
	چهارم	۲۸		۹	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس نهم	
اردیبهشت	اول	۲۹		۱۰	پرسش شفاهی، تدریس درس دهم	
	دوم	۳۰		۱۰	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس دهم	
	سوم	۳۱		شفاهی	آزمون شفاهی (قرائت و مکالمه)	
	چهارم	۳۲		امتحان	حل نمونه سؤال امتحان پایان سال	

نیمسال اول

نیمسال دوم



بخش دوم

امتحانات و بارم بندی

بارم‌بندی عربی، زبان قرآن - پایه هشتم نوبت اول
(از درس اول تا پایان درس پنجم) ۱۵ نمره
دوره اول متوسطه

جمع	نمره	موضوع	شماره	مهارت‌های زبانی
۴/۵ نمره	۴	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۱	مهارت ترجمه
	۰/۵	برگزیدن گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۲	
۱/۵ نمره	۰/۵	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۳	مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	نوشتن معنای دو کلمه در جمله	۴	
	۰/۲۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ میان چهار گزینه	۵	
	۰/۲۵	نوشتن مفرد یا جمع اسم	۶	
۷ نمره	۱/۵	تعیین فعل مضارع مناسب در جای خالی جمله با توجه به ضمیر یا قرینه دیگری مانند اسم اشاره «سؤال چند گزینه‌ای»	۷	مهارت کاربرد قواعد
	۱	تعیین فعل ماضی مناسب در جای خالی جمله با توجه به ضمیر یا قرینه دیگری مانند اسم اشاره «سؤال چند گزینه‌ای» یا ترجمه آن در جمله	۸	
	۱/۵	ترجمه فعل مضارع از عربی به فارسی در جمله	۹	
	۰/۷۵	ترجمه فعل مستقبل، ماضی منفی و مضارع در جمله یا تشخیص آنها با توجه به قرائن	۱۰	
	۰/۵	تشخیص اسم مفرد، مثنی، جمع مکسر، جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم	۱۱	
	۰/۵	شناخت اسم اشاره مناسب در جمله	۱۲	
	۰/۲۵	شناخت عددهای اصلی ۱ تا ۱۲	۱۳	
	۱	قواعد کلمات پرسشی (مکالمه) پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی مصور؛ شامل چند جمله پرسشی با «هَلْ، أ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، مَنْ، لِمَنْ، ما، ماذا، كَمْ»	۱۴	

۲ نمره	۱	پرسش جور کردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جای خالی جمله با گزینه مناسب یا تلفیقی از حالت های بالا	۱۵	مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم یا ارائه متن به همراه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس متن یا تلفیقی از حالت های بالا	۱۶	
۱۵	جمع نمره			

بارمبندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن - پایه هشتم نوبت دوم خرداد و شهریور
دوره اول متوسطه

مهارت‌های زبانی	شماره	موضوع	نمره	جمع
مهارت ترجمه	۱	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۴	۴/۵ نمره
	۲	برگزیدن گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
مهارت واژه‌شناسی	۳	مترادف و متضاد	۰/۵	۱/۵ نمره
	۴	نوشتن معنای دو کلمه در جمله (زیرشان خط کشیده و ترجمه آنها خواسته شود).	۰/۵	
	۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ میان چهار گزینه	۰/۲۵	
	۶	نوشتن مفرد یا جمع اسم	۰/۲۵	
مهارت کاربرد قواعد	۷	تعیین فعل مضارع مناسب در جای خالی جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۱/۲۵	۷ نمره
	۸	تعیین فعل ماضی مناسب در جای خالی جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۰/۵	
	۹	ترجمه فعل مضارع از عربی به فارسی در جمله	۱/۵	
	۱۰	ترجمه فعل ماضی از عربی به فارسی در جمله	۰/۵	
	۱۱	ترجمه فعل مستقبل در جمله و تشخیص فعل مناسب با توجه به قرائن	۰/۵	
	۱۲	تشخیص مفرد آمدن فعل، وقتی که فاعل یک اسم ظاهر مثنی یا جمع است.	۰/۲۵	
	۱۳	شناخت عددهای ترتیبی یکم تا دوازدهم	۰/۵	
	۱۴	تشخیص اسم مفرد، مثنی، جمع مکسر، جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم	۰/۵	
	۱۵	شناخت اسم اشاره مناسب در جمله	۰/۵	
	۱۶	قواعد کلمات پرسشی (مکالمه) پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی مصور؛ شامل چند جمله پرسشی با «لِمَاذَا، مَتَى، كَيْفَ، هَلْ، أ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، مَنْ، لِمَنْ، مَا، مَاذَا، كَمْ» ترجیحاً با «لِمَاذَا، مَتَى یا كَيْفَ» سؤال طراحی شود.	۱	

۲ نمره	۱	پرسش جور کردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب پر شود. یا پر کردن جای خالی جمله با گزینه مناسب یا تلفیقی از حالت‌های بالا	۱۷	مهارت درک و فهم
	۱	(درک مطلب) ارائه متن و طرّاحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم یا ارائه متن به همراه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس متن، یا تلفیقی از حالت‌های بالا	۱۸	
۱۵		جمع نمره		

تذکرات: (برای طرح سؤال در نوبت اول و دوم و میان نوبت)

- ۱ طرّاح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی مصوّب در پایه هشتم تغییراتی انجام دهد.
- ۲ در بسیاری از موارد، پرسش‌های بخش‌های گوناگون با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد. مثلاً در بخش مهارت ترجمه، لازم است دانش‌آموز قواعد را بداند.
- ۳ در طرّاحی سؤال مترادف و متضاد در مدارس عادی نباید از دانش‌آموز خواست که مترادف یا متضاد کلمه‌ای را از حفظ بنویسد؛ بلکه همانند تمرینات موجود در کتاب سؤال داده می‌شود.
- ۴ تعریب «ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی» از اهداف کتاب نیست.
- ۵ در بخش قواعد، از افعال ثلاثی مجرّد صحیح و سالم در امتحان سؤال داده شود؛ اما اگر در بخش ترجمه، جمله‌ای از جملات کتاب طرح شود که غیرثلاثی مجرّد صحیح و سالم در آنها به کار رفته است، اشکالی ندارد.
- ۶ این فونت‌ها برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:

۷ در بخش قواعد، از «ساختن» و هرگونه تبدیل مانند «تبدیل فعل جمله‌ای از غایب به مخاطب یا متکلم و بازنویسی جمله» خودداری شود؛ برای نمونه، طرح چنین سؤالی از اهداف آموزشی کتاب نیست:

جمله «هذا الرجلُ يذهبُ إلى بيته.» را با «النساء» بازنویسی کنید.

در بخش قواعد، شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی و مضارع در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی است؛ مثال: در جای خالی فعل مناسب بنویسید.

هؤلاءِ اللاعبين ... في الملعبِ بعدِ دقيقتين. (لعبتِ □ سيلعبون □)

۸ در بخش قواعد سؤالات تعریفی مانند تعریف اسم اشاره یا فعل ماضی طرح نمی‌شود.

۹ بارمبندی امتحان پایان سال «خرداد، شهریور ...» مانند هم است.

۱۰ تعیین دقیق اینکه در امتحان پایان سال، چند نمره از مطالب نوبت اول بیاید، در درس عربی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مطالب کتاب در هر دو بخش واژگان و قواعد درهم تنیده است؛ با وجود این توصیه می‌شود حتی‌الامکان پنج نمره به محتوای نوبت اول (پنج درس نخست) و ده نمره به محتوای نوبت دوم (پنج درس بعدی) اختصاص داده شود.

۱۱ جمع نمره امتحان از پانزده است و در برگه امتحانی میزان کسب نمره شفاهی (روان‌خوانی و مکالمه) مشخص شود. اگر تعداد سؤالات امتحان شانزده مورد است؛ مورد هفدهم درج نمره روان‌خوانی و مورد هجدهم درج نمره مکالمه است. (در امتحان نهایی استانی یا کشوری مطابق قانون حوزه عمل می‌شود).

۱۲ از طرح سؤال معماگونه، وجه اختلاف، شاذ و خارج از اهداف آموزشی در امتحان خودداری شود، مثال:

مفرد علماء، ملائكة، أحاديث چیست؟ پاسخ: علیم، ملاك یا ملك، أحدوثة

بنات، أخوات، أمهات، سماوات و سبعین چه نوع جمع‌اند؟

مفرد «أمهات» چیست؟ و پاسخ مورد انتظار شما «أمهة» باشد.

طرح سؤال از تطابق عدد و معدود یا سؤال از ساعت به صورت «پنج و چهل و پنج دقیقه».

اشاره به جمع غیر عاقل با هذ و تلك؛ مانند این سؤال: در جای خالی اسم اشاره مناسب بگذارید.

رَأَيْتُ الْأَشْجَارَ فِي الْحَدِيقَةِ. (تَلُكْ / أَوْلُئِكَ / هَاتَانِ)

دانش آموز در پاسخ به سؤال بالا به اشتباه گزینه «أولئك» را برمی‌گزیند؛ زیرا قاعده‌اش را نخوانده است و این طرح سؤال، غلط فاحش است.

رنگ‌های مؤنث بر وزن فعلاء؛ مانند: زرقاء.

سؤال از حرکت عین‌الفعل در افعال مضارع.

بارم‌بندی پنج نمره امتحان شفاهی عربی، زبان قرآن - پایه هشتم
دوره اول متوسطه

نوبت اول و دوم				
جمع	نمره	موضوع	شماره	مهارت‌ها
نمره ۵	۴	روان‌خوانی (خواندن بدون مکث و خطا و تلفظ درست)	۱	مهارت‌های خواندن، شنیدن، سخن گفتن و ترجمه شفاهی + تحقیق
	۱	مکالمه ساده درحد کتاب درسی به صورت پاسخ به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، مَنْ، لِمَنْ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، كَمْ، هَلْ، أَمْ، مَتَى، كَيْفَ، لِمَاذَا)	۲	
۵	جمع نمره			

تذکرات:

تلفظ کاملاً درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) کاری دشوار است و از عهده بیشتر دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ لذا درخواست می‌شود تا از سخت‌گیری در این زمینه خودداری شود. اما از دانش‌آموزان خواسته شود که تلاش کنند حتی‌الامکان حروف خاص زبان عربی را درست بر زبان آورند.

در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً، اگر دانش‌آموز در پاسخ به سؤال «أنت من ایران؟» بگوید: «نعم». درست است و نیاز نیست پاسخ دهد: «نعم؛ أنا من ایران.» در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد.
یکی از موارد امتحان شفاهی می‌تواند این باشد که از دانش‌آموز بخواهیم در دو دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند.

طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان مدرسه آزمون روان‌خوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین، هرچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. مبنای نمره‌دهی، آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی و بلاغی در مکالمه درحد دانش‌آموز پایه هشتم نیست. به ویژه اینکه او باید در پاسخ‌گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از سوی دیگر، آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ با توجه به این موارد و توجه به اینکه عربی فصیح یک زبان فنی است، از دبیر ارجمند درخواست می‌شود این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند، تا دانش‌آموز خاطره خوش از مکالمه داشته باشد و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.













نمونه سؤال امتحان نوبت اول و دوم

به نام خدا، امتحان عربی، زبان قرآن، پایه هشتم، نوبت اول، از پنج درس، وقت: ۷۰ دقیقه، تاریخ: / ۱۰ /
منطقه: نام و نام خانوادگی: نام طراح:

الف) مهارت ترجمه (شش نمره)

ردیف	پرسش	بارم
۱	<p>جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.</p> <p>۱- طوبیٰ لِلشَّعْبِ الْعِرَاقِيِّ لِهَذِهِ الصَّيَافَةِ! ۰/۷۵</p> <p>۲- اَنْصَحُكَ اَنْ تَذَهَبَ عِنْدَ طَبِيبِ الْعُيُونِ. ۰/۷۵</p> <p>۳- «الْعِلْمُ فِي الصَّعْرِ كَالثَّقَشِ فِي الْحَجْرِ». ۰/۵</p> <p>۴- مَوْقِفُ الْحَافِلَاتِ اَمَامَكَ. ۰/۵</p> <p>۵- وَالِدِي فِي مَهْمَةٍ اِدَارِيَّةٍ. ۰/۵</p> <p>۶- هَلْ عِنْدَكَ عُرْفَةٌ فَارِعَةٌ؟ ۰/۵</p> <p>۷- «السُّكُوْتُ ذَهَبٌ». ۰/۲۵</p> <p>۸- سَأَصْنَعُ شَيْئًا. ۰/۲۵</p>	۴
۲	<p>ترجمه درست را انتخاب کنید.</p> <p>۱- تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.</p> <p>الف) یک ساعت تفکر به همراه عبادت، ثواب بسیار دارد. <input type="checkbox"/></p> <p>ب) ساعتی اندیشیدن، بهتر از عبادت هفتاد سال است. <input type="checkbox"/></p> <p>۲- يَخَافُ الْفَرَسُ وَ يَسْأَلُ بَقْرَةً وَاقْفَهُ جَنْبَ النَّهْرِ.</p> <p>الف) اسب ترسید و گاوی آگاه کنار رودخانه از او سؤال کرد. <input type="checkbox"/></p> <p>ب) اسب می‌ترسد و از گاوی ایستاده کنار رودخانه می‌پرسد. <input type="checkbox"/></p>	۰/۵
ب) مهارت واژه‌شناسی (۱/۵ نمره)		
۳	<p>کلمات مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (دو کلمه اضافی است).</p> <p>يَسَارٌ / شَاهِدٌ / بَارِدٌ / عَدَاً / رَأَى / اَمْسَى</p> <p>..... = #</p>	۰/۵
۴	<p>کلمات مشخص شده را به فارسی ترجمه کنید. إِنَّ الْعِلْمَ «حَيَاةٌ» الْقُلُوبِ وَ نُورٌ «الْأَبْصَارِ».</p>	۰/۵

۰/۲۵	کدام کلمه با سایر کلمات از نظر معنا ناهماهنگ است؟ أُسْبوعُ □ خُبْرٌ □ شَهْرٌ □ سَنَةٌ □	۵
۰/۲۵	مفرد «جیران» را بنویسید.	۶
ج) مهارت کاربرد قواعد (۷ مَره)		
۱/۵	در جاهای خالی فعل مضارع مناسب بنویسید. ۱- نَحْنُ الْجَبَلِ الْمُرْتَفِعِ. ۲- أَأَنْتِ وَحَدِكَ يَا أُمِّي؟ ۳- أَنَا إِلَى بَيْتِ جَدَّتِي. ۴- أَنْتِ كُرَّةَ الْقَدَمِ غَدًا. ۵- هُوَ كَلَامِ الْوَالِدَيْنِ. ۶- هِيَ دَرَسَهَا بِدِقَّةٍ. تَصَعَّدُ □ تَصَعَدُ □ يَذْهَبُ □ تَذْهَبِينَ □ تَرْجِعُ □ أَرْجِعُ □ يَلْعَبُ □ تَلْعَبُ □ يَسْمَعُ □ نَسْمَعُ □ يَكْتُبُ □ تَكْتُبُ □	۷
۱	در جاهای خالی فعل ماضی مناسب بنویسید. ۱- يَا بَنَاتُ، أَ جَدَّتِكُنَّ؟ ۲- هُمْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ. ۳- يَا وَلَدُ، أَ النَّافِذَةَ؟ ۴- يَا بِنْتُ، أَ صَوْتًا؟ حَدَمْتُمَا □ حَدَمْتُمْ □ حَدَمْتُنِّي □ ذَهَبُوا □ ذَهَبْنَ □ ذَهَبَا □ تَفْتَحِينَ □ فَتَحْتِ □ فَتَحْتِ □ سَمِعْتَ □ سَمِعْتِ □ نَسْمَعُ □	۸
۱/۵	زیر فعل مضارع هر جمله، خط بکشید و فقط همان فعل را ترجمه کنید. راهنمایی: عَرَفَ: شناخت / سَمَخَ: اجازه داد / عَمِلَ: کار کرد / صَدَقَ: راست گفت / طَلَبَ: خواست / كَذَبَ: دروغ گفت إني أعرف الطالب الجديد. أإنك تعمل في المختبر؟ ماذا تطبلين مني يا زهراء؟	۹
۰/۷۵	فعل‌های مشخص شده را ترجمه کنید. راهنمایی: نَجَحَ: موفق شد / فَحَصَ: معاینه کرد / ظَلَمَ: ستم کرد ۱- زميلي سَوْفَ يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانِ. ۲- الطَّبِيبَةُ تَفْحَصُ الْمَرِيضَاتِ. ۳- ﴿مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾	۱۰
۰/۵	در میان کلمات زیر، یک «جمع مکسر» و یک «جمع مؤنث سالم» بیابید. أَوْقَاتٌ، مُبِينٌ، مَوْطَفَاتٌ، مُهَنْدِسُونَ، كَرْتَبِينَ، حَقِيبَتَانِ	۱۱

٠/٥	<p>در جای خالی اسم اشاره مناسب قرار دهید. (هَذَا، هُنَا، هَذَانِ، هَؤُلَاءِ، هَذَانِ)</p> <table border="1" data-bbox="247 319 1002 401"> <tr> <td data-bbox="247 319 625 401">إِنَّ اللَّاعِبَاتِ مِنْ إِيْرَانِ.</td> <td data-bbox="625 319 1002 401">إِنَّ الْمَرْأَةَ طَبَّاحَةً مَاهِرَةً.</td> </tr> </table>	إِنَّ اللَّاعِبَاتِ مِنْ إِيْرَانِ.	إِنَّ الْمَرْأَةَ طَبَّاحَةً مَاهِرَةً.	١٢		
إِنَّ اللَّاعِبَاتِ مِنْ إِيْرَانِ.	إِنَّ الْمَرْأَةَ طَبَّاحَةً مَاهِرَةً.					
٠/٢٥	<p>در جای خالی، عدد مناسب بنویسید. واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة،، ستة، سبعة، ثمانية</p>	١٣				
١	<p>با توجه به تصویر به پرسش‌ها پاسخ کوتاه دهید.</p> <table border="1" data-bbox="247 621 1002 1303"> <tr> <td data-bbox="247 621 625 965">  <p>كَمْ كُرْسِيًّا هُنَا؟</p> </td> <td data-bbox="625 621 1002 965">  <p>هَلْ هَذَا تَفَاحٌ؟</p> </td> </tr> <tr> <td data-bbox="247 965 625 1303">  <p>مِنْ أَيِّنَ هِيَ؟</p> </td> <td data-bbox="625 965 1002 1303">  <p>مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟</p> </td> </tr> </table>	 <p>كَمْ كُرْسِيًّا هُنَا؟</p>	 <p>هَلْ هَذَا تَفَاحٌ؟</p>	 <p>مِنْ أَيِّنَ هِيَ؟</p>	 <p>مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟</p>	١٤
 <p>كَمْ كُرْسِيًّا هُنَا؟</p>	 <p>هَلْ هَذَا تَفَاحٌ؟</p>					
 <p>مِنْ أَيِّنَ هِيَ؟</p>	 <p>مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟</p>					

د) مهارت درک و فهم (دو نمره)		
۱	<p>(درک مطلب) پس از خواندن متن زیر، به پرسش‌های آن پاسخ کوتاه دهید.</p> <p>«صادق» طالبٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمَتَوَسِّطِ. لَهُ أُخٌ اسْمُهُ «كاظم» وَ أُخْتُ اسْمُهَا «معصومة».</p> <p>كاظمٌ أَكْبَرُ مِنْهُ. هُوَ فِي الصَّفِّ الثَّالِثِ. معصومةٌ صَغِيرَةٌ. هِيَ لَا تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. صادقٌ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مَعَ أَخِيهِ. وَالِدُ هَذِهِ الْأُسْرَةِ مُدْرَسٌ الْكِيمِيَاءِ وَ وَالِدَةُ هَذِهِ الْأُسْرَةِ طَبِيبَةٌ. هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. بَيْتُهُمْ بَعِيدٌ عَنِ الْمَدْرَسَةِ.</p> <p>مَا اسْمُ أُخْتِ صادق؟</p> <p>مَا مِهْنَةُ وَالِدِ صادق؟</p> <p>هَلْ بَيْتُهُمْ قَرِيبٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟</p> <p>مَنْ فِي الصَّفِّ الثَّالِثِ؟ (مَا اسْمُهُ؟)</p>	۱۵
۰/۵	<p>در جاهای خالی یکی از کلمات داده شده را بنویسید. (دو کلمه اضافه است).</p> <p>بِسَهْوَلَةٍ / فِعْلِهِ / كَثِيرُهُ / مَصَابِيحُ</p> <p>«عَضَبَ الْجَاهِلِ فِي قَوْلِهِ وَ عَضَبَ الْعَاقِلِ فِي».</p> <p>«الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ قَاتِلٌ».</p>	۱۶
۰/۵	<p>درستی و نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت معلوم کنید.</p> <p>لِتَصْرِيفِ التَّقْوِدِ نَذَّهَبُ إِلَى سَوْقِ الصَّرَافِينَ.</p> <p>كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٌ وَ الْبِلَادُ بِحَاجَةٍ إِلَى كُلِّ الْمِهْنِ.</p>	۱۷
نمره شفاهی		
۴	روان خوانی	۱۸
۱	مکالمه	۱۹

به نام خدا، امتحان عربی، زبان قرآن پایه هشتم، نوبت دوم، وقت: ۷۰ دقیقه، تاریخ: / ۳ /
منطقه: نام و نام خانوادگی: نام طراح:

الف) مهارت ترجمه (شش نمره)

ردیف	پرسش	بارم
۱	جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید. ۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ﴾ ۰/۵ ۲- أُمُّكُمْ تَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ. ۰/۵ ۳- أَلْمُسْتَشْفَى فِي ذَلِكَ الشَّارِعِ. ۰/۵ ۴- «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ». ۰/۵ ۵- إِلَىٰ أَيْنَ تَذْهَبْنَ بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ؟ ۰/۷۵ ۶- صَارَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ. - لَا؛ لَيْسَتْ رَحْمَةٌ. ۰/۵ ۷- عَلَيْكُنَّ بِالْمُرَاقَبَةِ؛ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. ۰/۷۵	۴
۲	ترجمه درست را انتخاب کنید. ۱- «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ». الف) همانا احتیاجات مردم به یکدیگر، نعمتی از خداوند است. <input type="checkbox"/> ب) قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از سوی خداست. <input type="checkbox"/> ۲- أَيْنَ تَذْهَبُونَ يَا أَوْلَادِي؟ الف) ای پسرها، کجا رفتید؟ <input type="checkbox"/> ب) ای پسرانم، کجا می‌روید؟ <input type="checkbox"/>	۰/۵
ب) مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
۳	کلمات مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (دو کلمه اضافی است). يَكْذِبُ / خَلْفٌ / يَشْعُرُ / يَصْدُقُ / وَرَاءَ / نِهَابَةٌ = ≠	۰/۵
۴	کلمات مشخص شده را به فارسی ترجمه کنید. إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ «الْحَسَنَاتِ» كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ «الْحَطَبَ».	۰/۵
۵	کدام کلمه با بقیه از نظر معنا ناهماهنگ است؟ عَصْفُورٍ <input type="checkbox"/> حَمَامَةٍ <input type="checkbox"/> غُرَابٍ <input type="checkbox"/> حَقِيبَةٍ <input type="checkbox"/>	۰/۲۵
۶	جمع مکسر «سِنِّ دَنَدَانٍ» را بنویسید.	۰/۲۵

ج) مهارت کاربرد قواعد (هفت نمره)																
۱/۵	<p>در جاهای خالی فعل مضارع مناسب بنویسید.</p> <p>أُولَئِكَ الْمُدْرَسَاتُ مِنَ الصُّفُوفِ. أَخْرَجَ <input type="checkbox"/> يَخْرُجْنَ <input type="checkbox"/></p> <p>أَفْلَاحُونَ سَ إِلَى الْمَرْزَعَةِ. يَرْجَعُونَ <input type="checkbox"/> رَجَعُوا <input type="checkbox"/></p> <p>هَاتَانِ الطَّالِبَتَانِ وَاجِبَهُمَا. تَكْتُبُونَ <input type="checkbox"/> تَكْتُبَانِ <input type="checkbox"/></p> <p>أَنْتِ بِالْفَرَحِ الْيَوْمِ. تَشْعُرِينَ <input type="checkbox"/> يَشْعُرَانِ <input type="checkbox"/></p> <p>هَلْ الرُّجَالُ الْحَطَبُ؟ يَجْمَعُ <input type="checkbox"/> يَجْمَعُونَ <input type="checkbox"/></p> <p>نَحْنُ ذَلِكَ الطَّالِبِ. أَعْرِفُ <input type="checkbox"/> نَعْرِفُ <input type="checkbox"/></p>															
۰/۵	<p>در جاهای خالی فعل ماضی مناسب بنویسید.</p> <p>صَدِيقِي إِلَى الْحَدِيقَةِ. ذَهَبَ <input type="checkbox"/> ذَهَبْتُمْ <input type="checkbox"/></p> <p>هُؤُلَاءِ النِّسَاءُ مِنَ السَّفَرَةِ. رَجَعْنَ <input type="checkbox"/> رَجَعْنَا <input type="checkbox"/></p>															
۲/۵	<p>زیر فعل ماضی، مضارع «مثبت و منفی» و مستقبل خط بکشید و آن را ترجمه کنید. راهنمایی: يَسْمَعُ: می‌شنود / يَعْرِفُ: می‌شناسد / حَاضِرٌ شَدَّ: حاضر شد / صَدَقَ: راست گفت / يَفْعَلُ: انجام می‌دهد / يَخْرُجُ: بیرون می‌رود / يَرْجِعُ: برمی‌گردد / يَلْعَبُ: بازی می‌کند / يَنْجَحُ: موفق می‌شود</p> <table border="1"> <tr> <td>.....</td> <td>إِنِّي أَسْمَعُ صَوْتًا مِنْ هُنَاكَ.</td> <td>أَلَا تَعْرِفُ صَدِيقَكَ يَا وَدَّ؟</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>أَأَنْتِ مَا حَضَرْتِ فِي صَفِّكَ؟</td> <td>أَصَدَقْتَ يَا أَخِي؟</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>مَاذَا تَفْعَلْنَ هُنَا، يَا بَنَاتُ؟</td> <td>تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشْوَاهَا.</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>يَا جَارَتَانِ، مَتَى تَرْجَعَانِ؟</td> <td>إِنَّا نَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ.</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>إِنَّكُمَا سَوْفَ تَنْجَحَانِ فِي عَمَلِكُمَا.</td> <td>أَنْتُمْ سَتَذْهَبُونَ إِلَى سَفَرَةٍ.</td> </tr> </table>	إِنِّي أَسْمَعُ صَوْتًا مِنْ هُنَاكَ.	أَلَا تَعْرِفُ صَدِيقَكَ يَا وَدَّ؟	أَأَنْتِ مَا حَضَرْتِ فِي صَفِّكَ؟	أَصَدَقْتَ يَا أَخِي؟	مَاذَا تَفْعَلْنَ هُنَا، يَا بَنَاتُ؟	تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشْوَاهَا.	يَا جَارَتَانِ، مَتَى تَرْجَعَانِ؟	إِنَّا نَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ.	إِنَّكُمَا سَوْفَ تَنْجَحَانِ فِي عَمَلِكُمَا.	أَنْتُمْ سَتَذْهَبُونَ إِلَى سَفَرَةٍ.
.....	إِنِّي أَسْمَعُ صَوْتًا مِنْ هُنَاكَ.	أَلَا تَعْرِفُ صَدِيقَكَ يَا وَدَّ؟														
.....	أَأَنْتِ مَا حَضَرْتِ فِي صَفِّكَ؟	أَصَدَقْتَ يَا أَخِي؟														
.....	مَاذَا تَفْعَلْنَ هُنَا، يَا بَنَاتُ؟	تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشْوَاهَا.														
.....	يَا جَارَتَانِ، مَتَى تَرْجَعَانِ؟	إِنَّا نَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ.														
.....	إِنَّكُمَا سَوْفَ تَنْجَحَانِ فِي عَمَلِكُمَا.	أَنْتُمْ سَتَذْهَبُونَ إِلَى سَفَرَةٍ.														
۰/۵	<p>در جای خالی، عدد ترتیبی و عدد اصلی مناسب بنویسید.</p> <p>الأول، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، ، السابع، الثامن، التاسع، العاشر واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة، ، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة</p>															
۰/۵	<p>در کلمات زیر، اسم‌های جمع مکسر و جمع مؤنث سالم را مشخص کنید. «سه کلمه اضافه است.»</p> <p>مَمْرَضَاتَانِ، أَسْعَارٌ، طَبِيبَيْنِ، فَلَاحُونَ، مَعْلَمَاتٌ</p>															
۰/۵	<p>در جای خالی اسم اشاره مناسب قرار دهید. (هَذَا، هَذِهِ، ذَلِكَ، تِلْكَ، هَذَانِ، هَاتَانِ، هُؤُلَاءِ، أُولَئِكَ) سَأَرْجِعُ فِي آخِرِ الأُسبوعِ. (اشاره به نزدیک) رَأَيْتُ الأولادِ فِي الْحَدِيقَةِ. (اشاره به دور)</p>															

با توجه به تصویر، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



أَيْنَ هَذِهِ الْبَيْتِ؟



كَيْفَ حَالُ هَذَا الْوَلَدِ؟



كَمْ عَدَدُ الْأَقْلَامِ؟



مَتَى يَعْبُدُ الرَّجُلُ رَبَّهُ؟

۱

۱۳

(د) مهارت درک و فهم (دو نمره)

هر جمله را به کلمه مربوط به آن وصل کنید. «دو جمله اضافه است».

طَعَامٌ مَعْرُوفٌ فِي إِيرَانَ:

كُرَّةُ الْقَدَمِ

رِيَاضَةٌ مَعْرُوفَةٌ وَ مَحْبُوبَةٌ:

الْمُسْتَوْصَفُ

كِتَابٌ لِشَرَحِ مَعَانِي الْكَلِمَاتِ:

مَكَانٌ لِمَحْصِ الْمَرْضَى وَ لِعِلَاجِهِمْ:

۰/۵

۱۴

۱	<p>(درک مطلب) پس از خواندن متن زیر به پرسش‌های آن پاسخ کوتاه دهید.</p> <p>أنا طالبُ الصَّفِّ الثَّامِنِ، إِسْمِي «حَيْدَر». بَيْتِي فِي «أَهواز». إِسْمُ مَدْرَسَتِي «الْحَيَاة». الْيَوْمَ يَوْمُ الثَّلَاثِ وَأَنَا مَا ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ لِأَنِّي كُنْتُ مَرِيضاً. زَمِيلِي «حَامِد» جَاءَ إِلَى مَنْزِلِي وَسَأَلَ عَنِّي حَالِي. قُلْتُ لَهُ: «سَأَرْجِعُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ غَدًا وَحَالِي جَيِّدٌ». فَرِحَ حَامِدٌ وَشَكَرَ اللَّهُ لِسَلَامَتِي. أَنَا أَحِبُّ حَامِدًا كَثِيرًا. هُوَ جَارِي وَصَدِيقِي.</p> <p>أَيْنَ بَيْتُ حَيْدَر؟ مَا اسْمُ صَدِيقِ حَيْدَر؟ مَتَى يَرْجِعُ حَيْدَرُ إِلَى مَدْرَسَتِهِ؟ لِمَاذَا مَا ذَهَبَ حَيْدَرُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ لِمُدَّةِ يَوْمَيْنِ؟</p>	۱۵
۰/۵	<p>درستی و نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت، معلوم کنید.</p> <p>لِلْفَائِزِ الْأَوَّلِ فِي الْمُسَابَقَاتِ الْعَالَمِيَّةِ، جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ. «الْدَّمْعُ» اسْمُ الْقَطْرَةِ الْجَارِيَةِ مِنَ الْأَزْهَارِ.</p>	۱۶
نمره شفاهی (پنج نمره)		
۴	روان خوانی	۱۷
۱	مکالمه ساده	۱۸

بخش سوم

توضیحات مشترک در تدریس همهٔ درس‌های کتاب

مطالعه کتاب «راهنمای معلّم» که راهنمای تدریس و ارزشیابی است و دانستنی‌های بسیاری را در اختیار دبیر می‌گذارد بر همه دبیران عربی پایه هشتم الزامی است. بسیاری از ابهامات با مطالعه کتاب برطرف می‌گردد.

با وجود نگاشت کتاب راهنمای معلّم، عده‌ای از دبیران از وجود آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ لذا در مقدمه کتاب درسی، اهمّ توصیه‌ها درج شده است.

بخشی تحت عنوان «دانش‌افزایی برای دبیر» پیش‌بینی شده است، تا افزون بر اینکه به سؤالات احتمالی معلّم پاسخ می‌دهد، جایی باشد تا در صورتی که دانش‌آموزی سؤالی دشوار بپرسد، در کتاب راهنمای معلّم پاسخ آن موجود باشد.

برای تدریس این کتاب در سال گذشته باید عربی پایه هفتم را تدریس کرده باشید. در غیر این صورت، شایسته است دبیر، کتاب پایه هفتم را بررسی کند.

شورای برنامه‌ریزی و تألیف، شامل استادان دانشگاه و معلّمان مجرب بوده است. این کتاب پیش از چاپ، چند بار نقد و بررسی و تدریس آزمایشی شده است، تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت شود. در بررسی کتاب درسی، افراد بسیاری سهیم‌اند: نمایندگان از معلّمان متوسطه اول و دوم (به ویژه متوسطه اول)، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، کارشناسانی از حوزه و دانشگاه و سایر حوزه‌ها.

شیوه کتاب، متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی، متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آن را بفهمد. در این کتاب، ۲۲۴ واژه جدید به کار رفته، اما بخش بسیاری از ۳۵۴ واژه سال گذشته نیز تکرار شده است؛ در حقیقت هدف این کتاب، آموزش ۵۷۸ واژه پربسامد زبان عربی است. این شیوه تا پایان پایه دوازدهم تکرار خواهد شد. دانش‌آموز هر سال که به پایه بالاتر می‌رود، باید معنای کلمات پیشین را بداند.

تألیف کتاب براساس اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» انجام شده است. «برنامه درسی ملی» نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی است. «راهنمای برنامه درسی عربی» نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است و جا دارد از همه نویسندگان کتاب‌های درسی عربی پیشین تشکر شود. با کارشناسان بسیاری در مورد تألیف کتاب مشورت شده است.

برای هر تصویر، تصاویر بسیاری تهیه می‌شد، تا مناسب‌ترین آن در کتاب نهاده شود.^۱ کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف اصلی، تا اندازه‌ای ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند. از آنجا که دانش‌آموز در پایه هفتم ۳۵۴ واژه آموخته و تا حدودی با ساختار زبان آشنا شده است؛ لذا متن‌ها در این کتاب طولانی‌تر شده‌اند.

بنا به درخواست گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش‌آموزان و به استناد برنامه درسی ملی مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و به کتاب جذابیت می‌بخشد و آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد؛ ولی مکالمه، هدف اصلی نیست. این مهارت، کلاس درس را جذاب می‌کند. بسیاری افراد به آموزش عربی در سال‌های گذشته این انتقاد را وارد کرده‌اند که چرا دانش‌آموخته ایرانی قادر به بیان چند جمله ساده نیست و تنها مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب می‌داند؟ کتاب حاضر، این ضعف را از بین برده است.

این کتاب مکمل کتاب پیشین است. کتاب‌های آینده نیز هر یک مکمل کتاب پیش از خود خواهند بود.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب

۱ این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس در دو جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۲ دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلم به مطالب کتاب بسنده نکند و مطلقاً مطالب اضافه‌ای آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد، به تدریج فرا خواهد گرفت. معمولاً معلمان به محض اینکه از سوی مدرسه یک ساعت فوق برنامه می‌گیرند، به دنبال مباحث صرفی و نحوی می‌روند. گویا آموزش عربی، یعنی آموزش تحلیل صرفی و اعراب؛ درحالی که می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا داستان‌های کوتاه ترجمه کنند. سرود و نمایش اجرا کنند. می‌توان در کلاس عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز ترجمه کرد. فضا برای کارهای شاد مناسب است؛ ولی قاعده‌زدگی در تدریس عربی، بسیاری را جذب قواعد کرده است. آموزش قاعده‌محور، کاری ساده است، ولی تدریس «متن‌محور» کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب

۱- جا دارد از مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران و دانش‌آموزان این مدارس که ما را در تهیه تصاویر یاری کردند، سپاسگزاری شود: دبیرستان دخترانه دوره اول سعدی که تدریس آزمایشی کتاب هفتم و هشتم نیز در آن صورت گرفته است، دبیرستان دخترانه دوره اول شایستگان، دبیرستان دخترانه دوره اول هشتم شهریور، دبیرستان دخترانه دوره اول فاطمیون، دبیرستان پسرانه دوره اول آزادی ملت، دبیرستان پسرانه دوره اول ارشاد، دبیرستان پسرانه دوره اول چیتچیان، دبیرستان پسرانه دوره اول رجاء.

صرفی و نحوی آسان است، ولی ارزشیابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است. از ارائه «جزوهٔ مکمل قواعد» به دانش‌آموز اکیداً خودداری شود. هرچه در زمینهٔ آموزش قواعد لازم بوده در همین کتاب آمده است. اگر می‌خواهید کار اضافه‌ای انجام دهید آن را به بخش مکالمه موکول کنید. مهارت سخن گفتن را در دانش‌آموز تقویت نمایید؛ زیرا دانش‌آموزان مکالمه را دوست دارند و از قواعد فراری‌اند. مکالمه در آینده برای آنان مفید است، ولی از قواعد برای آنان سودی حاصل نمی‌شود.

۳ شیوهٔ تألیف در همهٔ بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلّم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلّم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس است؛ لذا شایسته است در امتحانات از طراحی سؤالات معماگونه خودداری کند. آزمون‌های مدارس خاص و مؤسّسات خصوصی، زمینهٔ انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده باشد و پیچیدگی وجود نداشته باشد، برخی سودجویان متضرّر می‌شوند. آشفتگی وضعیّت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی، زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس گریزان می‌سازد.

۴ کار عملی در کتاب عربی تهیّهٔ انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی است؛ یعنی دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن، یا نوشتن به نمایش بگذارد.

۵ در بخش «بدانیم» سعی شده است تا با بیان شاهد مثال، اصول زبان به دانش‌آموز آموخته شود. ذکر تعاریف و اصطلاحات فقط به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و نیازی به حفظ آنها نیست. هدف از بخش‌های «بدانیم» و «فنّ ترجمه» کمک به فهم بهتر متن و عبارت است. آنچه در این بخش آمده، به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز آن را می‌آموزد، تا به کمک آن درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. هدف اصلی درست خواندن، درست شنیدن، فهمیدن و ترجمه است. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز لحاظ شده است.

۶ طرح سؤالات امتحان کتبی عربی در نوبت اول و دوم از پانزده نمره است. پنج نمرهٔ شفاهی (قرائت و مکالمه است).

۷ در زمینهٔ «ترجمهٔ فارسی به عربی» مطلقاً سؤال طرح نشود؛ زیرا از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید بتواند جملهٔ عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از

نادرست را در سؤال چند گزینه‌ای نیز داشته باشد. در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا نهایتاً دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های فنی ادبی لازم نیست.

۸ تبدیل کردن از اهداف کتاب نیست و از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی باید خودداری

شود؛ مثال:

این جمله را به جمع تبدیل کنید:
 هَذِهِ الْمَرْأَةُ ذَهَبَتْ إِلَى بَيْتِهَا.
 در جای خالی کلمات مناسب بنویسید:
 هُمْ رَجَعُوا مِنْ سَفَرَتِهِمْ أَمْسٍ.
 ... مِنْ سَفَرَتِهِمْ غَدًا.

همچنین ذکر صیغه چه به صورت «متکلم وحده» چه «اول شخص مفرد» در ارزشیابی لازم نیست.

۹ در هر شش پایه هفتم تا دوازدهم معنای هیچ واژه‌ای بیرون از جمله سؤال نشود. ترجمه

کلمات، در داخل جمله خواسته شود؛ مثلاً: ترجمه کلمه مشخص شده را بنویسید.
 أَنَا أَقْدِرُ عَلَى قِرَاءَةِ النُّصُوصِ الْبَسِيطَةِ. هُوَ لِأَنَّ الْفُلَّاحُونَ يَزْرَعُونَ فِي الْمَرْزَعَةِ.
 در دو جمله بالا دانش‌آموز به کمک قرائن می‌تواند کلمه مورد نظر را درست ترجمه کند. او با این روش، از یادگیری درس عربی لذت می‌برد. امتحان برایش ترسناک نیست. امتحان دو منظوره می‌شود؛ هم امتحان است و هم یادگیری نیز در آن جای دارد.

۱۰ در پاسخ‌گویی به جمله استفهامی به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدنظر نیست.

برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «بِمَ تَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ؟» پاسخ «بِالسِّيَّارَةِ» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد و لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ بِالسِّيَّارَةِ.»
 در دنیای واقعی نیز همین‌گونه است و افراد در پاسخ به سؤالات معمولاً کوتاه پاسخ می‌دهند. از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است. در برخی از مدارس خاص، می‌توان از دانش‌آموزان خواست که پاسخ کامل دهند.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه آلبوم عکسی در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد؛ نگاه تصویر رودخانه را به دانش‌آموز نشان دهد و بپرسد: هَلْ هَذَا نَهْرٌ؟ طبیعی است که در مدرسی که به فناوری‌هایی مانند پرده نمایش و نمایشگر بزرگ مجهزند، کار راحت‌تر است.

معلم، تصویر سرباز را نشان بدهد و بپرسد: مَنْ هُوَ؟

تصویر پنجره را نشان دهد و بپرسد: مَا هَذِهِ؟

تصویر سه کیف را نشان دهد و بپرسد: کَمَّ عَدَدُ الْحَقَائِبِ؟ همهٔ سؤالاتی را که معلّم می‌خواهد بپرسد؛ می‌تواند در پشت برگهٔ تصویر برای راحتی کار بنویسد. در همهٔ این موارد، پاسخ کوتاه کافی است. حتّی اگر دانش‌آموز نتوانست پاسخ درست دهد، ولی معنای سؤال را بفهمد؛ نیمی از نمره را می‌گیرد. همچنین می‌توان بخشی از نمرهٔ مکالمه را به معرّفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خود را به زبان عربی معرّفی کند.

۱۱ هدف در آزمون شفاهی روخوانی، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی در یک روز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، دانش‌آموز آنچه را در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعهٔ فعالیت‌های شفاهی او، نمرهٔ شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تمرین دارد و به تدریج این مهارت تقویت می‌شود. لذا ملاک نمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیّت اوست.

۱۲ به‌منظور تسهیل آموزش و صرفه‌جویی در وقت، در بسیاری از جاهای کتاب، جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. در گذشته مشاهده شده است که برخی از معلّمان از دانش‌آموزان می‌خواستند نقّاشی‌ها و طرح‌های کتاب را در دفتر پاک‌نویس وارد کنند؛ کاری که بیشتر به آزار شبیه است؛ یا از دانش‌آموزان می‌خواستند تا دو کتاب تهیه کنند و تصاویر کتاب دوم را با قیچی درآورند و با چسب در دفتر پاک‌نویس بچسبانند. وظیفهٔ گروه‌های آموزشی در این زمینه، ارشاد معلّم است.

۱۳ هرچند «کتاب کار» در آموزش هر زبانی مناسب است؛ امّا تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار، زمینهٔ انحراف از مسیر صحیح آموزش را فراهم می‌کنند و با طرح مباحث غیرضروری، خارج از اهداف و سؤالات معمّاگونه، قاعده‌مدارانه و شبیه به کنکور و حجم سنگین و غیرمنطقی، زمینه را برای دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش فراهم می‌کنند. زمان درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حلّ تمرین‌های آن است.

۱۴ ما ایمان داریم که کار اصلی را معلّم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا کتاب‌های پایه‌های نهم تا دوازدهم نیز ادامه و مکمل این کتاب‌اند.

۱۵ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از فارغ‌التحصیلی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است، برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است.

این کتاب از ده درس به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱ درس اول:

دوره‌ای بر آموخته‌های عربی پایه هفتم است. پاره‌ای از جملات حکیمانه عربی پایه هفتم در این درس و نیز در دروس بعد تکرار می‌شود، تا کم کم این جملات ملکه ذهن شود. ساختارهای سال گذشته نیز تکرار می‌شود، تا به مصداق «الَّذِينَ هُمْ وَالَّذِينَ هُمْ» آموخته‌ها تثبیت شود. هر آنچه دانش‌آموز در حروف و اسماء استفهام، رنگ‌ها، روزهای هفته، نام فصول و فعل ماضی خوانده است تکرار می‌شود. کلمات مهم مانند مترادف و متضاد نیز در درس اول طراحی شده است.

۲ درس دوم:

متن درس درباره اهمیت و جایگاه زبان عربی در جهان اسلام است. ساختار درس در مورد فعل مضارع اول شخص مفرد (متکلم وحده) و دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب) و (مفرد مؤنث مخاطب) است که معادل فعل ماضی آن نیز برای یادآوری اشاره شده است.

۳ درس سوم:

متن درس به معرفی مشاغل می‌پردازد. متن، بهانه خوبی برای معرفی مشاغل به دانش‌آموزان است. پایه هشتم نیز زمانی مناسب برای این کار است. در پایان درس، پنج سخن حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عليه السلام درباره علم آمده است. ساختار درس سوم تثبیت آموخته‌های درس دوم است. سخنان حکمت‌آمیز از حضرت علی عليه السلام نیز زینت‌بخش پایان درس سوم است. دو حرف استقبال سَ و سَوْفَ نیز به عنوان دو واژه جدید آمده‌اند و نگاه به آنها نگاه قاعده‌ای نیست. همین که دانش‌آموز بفهمد این دو حرف بر معنای آینده دلالت دارند، کافی است. فعل مستقبل در دروس بعدی به اندازه کافی تکرار می‌شود. بخش «كُنْزُ الْحِكْمَةِ» از این درس، پنج سخن حکیمانه از حضرت علی عليه السلام در مورد عقل است.

۴ درس چهارم:

متن درس داستانی زیباست. موضوع داستان جدید است. پیام اخلاقی درس سخنی ارزشمند از پیامبر اسلام ﷺ است. ساختار درس، فعل مضارع سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب و مفرد مؤنث غایب) و اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) است که معادل ماضی آن نیز یادآوری شده است.

۵ درس پنجم:

متن درس داستانی دربارهٔ دوست‌یابی است. ماجرای که برای بسیاری دانش‌آموزان در طول تحصیل به شکل‌های گوناگون پیش می‌آید. حدیثی دربارهٔ دوست از حضرت علی علیه السلام حُسن ختام و پیام اخلاقی متن درس است.

ساختار جدیدی در این درس آموزش داده نمی‌شود؛ بلکه همان ساختار فعل مضارع سوم شخص مفرد و اول شخص جمع در درس چهارم در این درس تکرار، تقویت و تثبیت می‌شود. در بخش «كُنْ الْحَكَمَةَ» پنج سخن حکیمانه دربارهٔ علم زینت‌بخش این درس شده است.

۶ درس ششم:

متن درس دربارهٔ سفری به عتبات مقدسه است. هر سال ایرانیان بسیاری به عراق سفر می‌کنند. در جریان سفر اتفاقات بسیاری رخ می‌دهد. در انتهای درس متن کوتاهی برای گفت‌وگو در درمانگاهی در عتبات نیز تنظیم شده است.

ساختار درس فعل مضارع دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنیٰ مذکر مخاطب و مثنیٰ مؤنث مخاطب) به همراه یادآوری آموخته‌های عربی هفتم در همین صیغه‌ها از فعل ماضی است. در انتهای این درس، چند آیهٔ قرآن مطابق با ساختارهای خواننده شده آمده است.

۷ درس هفتم:

متن درس داستانی از زبان حیوانات است که یادآور پیام این آیه است:
 ﴿...فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...﴾ (نساء: ۹۷)
 ...در چه [حال] بودید پاسخ می‌دهند ما در زمین از ناتوان نگاه‌داشتگان بودیم. می‌گویند مگر زمین خدا پهناور نبود تا در آن کوچ کنید...!؟

ساختار آموزشی این درس، تقویت و تثبیت آموخته‌های درس ششم است. در بخش «بدانیم» کلمهٔ پرسشی «مَتَى» توضیح داده شده است.

سخنان حکیمانهٔ پایان درس نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام است.

۸ درس هشتم:

متن درس داستانی با محتوای اخلاقی زیبایی است که روحیهٔ اعتماد به نفس را تقویت می‌کند. داستان از زبان حیوانات یکی از شیوه‌های تأثیرگذار در نوجوانان است.

ساختار آموزشی فعل مضارع سوم شخص جمع (جمع مذکر غایب، جمع مؤنث غایب، مثنیٰ مذکر غایب و مثنیٰ مؤنث غایب) است که در آن، به فعل ماضی از همین صیغه‌ها نیز اشاره شده است.

چند آیه قرآن و بخش القُرْآنِیَّات در انتهای درس، تداعی‌کننده این مفهوم است که یکی از دلایل اصلی آموزش عربی فهم قرآن کریم است.

۹ درس نهم:

موضوع متن درس «سفر علمی دانش‌آموزان» است. دانش‌آموزان از سفرها و بازدیدها همیشه خاطرات شیرین دارند.

ساختار درس نهم در این درس، به روال دروس پیشین تکرار و تقویت می‌شود. در بخش «بدانیم» کلمه پرسشی «کیف» توضیح داده شده است. همچنین از آنجا که دو کلمه «عند» و «ل» در متون عربی بسیار کاربرد دارند؛ در بخش «فَنَّ ترجمه» درباره معنای مالکیت توضیحاتی آمده است.

همانند درس هشتم پایان درس نهم نیز چند آیه کلام الله مجید زینت بخش پایان درس است. پس از درس نهم، چند صفحه باعنوان «نگاهی به فعل مضارع» آمده است که آموخته‌های دانش‌آموز را در ضمیر و فعل با دو شیوه بومی‌سازی و شیوه مرسوم در علم صرف یادآوری می‌کند.

۱۰ درس دهم:

متن درس درباره مراقده شریفه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است. اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم در دل متن درس آموزش داده می‌شود. اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم نه به‌عنوان ساختار جدید، بلکه به‌عنوان کلمات جدید در این درس آموزش داده شده است.

واژه‌نامه:

کتاب‌های عربی، زبان قرآن متن‌محور و واژه‌محورند؛ بنابراین، بسیاری از واژگان کتاب پایه هفتم در پایه هشتم تکرار می‌شود.

ویژگی‌های کتاب

۱ قاعده‌محور نبودن کتاب به معنای نفی اهمیّت قواعد نیست؛ لذا دو بخش «بدانیم» و «فَنَّ ترجمه» در کتاب تنظیم شده است، تا دانش‌آموز بتواند به کمک آنها عبارات و متون ساده را بهتر بفهمد و ترجمه کند. قواعدی که در بخش «بدانیم» آمده به منظور فهم معنای جملات است. فراگیر، قاعده را می‌خواند تا به کمک آن بتواند درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز در نظر گرفته شده است.

۲ عبارات نیمه اول پایه هفتم ساده و کوتاه بودند و این طبیعی است؛ زیرا فراگیر در ابتدای کار است؛ اما در نیمه دوم، افزون بر عبارات ساده، متون کوتاه مکالمه و داستان نیز آمده بود. در عربی هشتم وضعیت فرق دارد؛ زیرا دانش آموز هشتم قبلاً در پایه هفتم ۳۵۴ واژه را آموخته و با چند ساختار زبان (اسم اشاره، اسم مفرد، مثنی و جمع، کلمات پرسشی، ضمیر و فعل ماضی) آشنا شده است.

۳ در این کتاب، مکالمه نیز اهمیّت دارد؛ در «برنامه درسی ملی» نیز به آموزش مهارت‌های زبانی از جمله سخن گفتن اشاره شده است. از سوی دیگر، مکالمه به درس عربی جدّایت می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد و موجب تقویت آموزش نیز می‌شود؛ زیرا مکالمه بستر راستین یادگیری هر زبانی است. زبان عربی، زبان نخست جهان اسلام و یکی از زبان‌های بین‌المللی است؛ لذا در این کتاب به این امر مهم نیز پرداخته شده است. در دروس دوم تا نهم، بخش‌هایی در زمینه مکالمه طراحی شده است. بیشتر معلمان و دانش‌آموزان از بخش مکالمه رضایت داشته و خواستار تقویت آن هستند. فضای مکالمات در محیط زیارتی است.

۴ روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیّتی ویژه دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند، تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت شود. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجّبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. برخی جملات حزن‌آلود و برخی شادند و شیوه خواندن هر یک متفاوت با دیگری است. پس روان‌خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۵ آغاز هر درس، مانند کتاب پایه هفتم با واژگان جدید آن است. هدف از این کار، ساده‌سازی آموزش است.

۶ آنچه باید سرلوحه تدریس و ارزشیابی معلم قرار بگیرد؛ این است که «ترجمه از فارسی به عربی و ساختن جمله از اهداف عربی پایه هفتم و هشتم نیست». در ارزشیابی کتبی و شفاهی تنها ترجمه از عربی به فارسی مد نظر است.

۷ مبنای گزینش سخنان حکیمانه و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است: سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربردی بر اساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز.

دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به‌هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً درباره «مدارا کردن» به این حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام استشهاد کند: «ثمرة العقل مداراة الناس».

این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است. اما نمی‌توان با اکره دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود. شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلمي آنان را علاقه‌مند نمود، تا این عبارات را حفظ کنند و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به‌گونه‌ای هستند که شخص مایل است آنها را بیاموزد و به هنگام نیاز به آنها استشهاد کند.

۸ در گزینش تصاویر، این اصول رعایت شده است:

مسائل فرهنگی و تربیتی، تعادل در جنسیت و ذکر شخصیت‌ها، پرهیز از تنش‌آفرینی در جامعه، توجه به امور مهمی مانند: ارزش‌های دینی، دفاع مقدس، احترام به محیط زیست، میهن‌دوستی، به روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، هیجان‌آور بودن تصاویر با توجه به سن پرچوش و خروش نوجوانی ...

۹ آموخته‌های اساسی هر درس در درس‌های بعدی تکرار می‌شوند و با تکرار و تمرین آموخته‌ها ملکه ذهن می‌شود.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس

کتاب حاضر ده درس دارد و هر درس، از چند قسمت تشکیل شده که برای هر یک روشی مناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده است، تا معلم بهتر بتواند به اهداف آموزشی تعیین شده برسد. قطعاً معلمان محترم نیز برای خود روش‌هایی دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه نیز برخوردار باشند؛ البته به گونه‌ای که استقلال معلم و خلاقیت‌های او نیز محفوظ بماند. هدف کتاب معلم - که پل ارتباط بین مؤلف و معلم است - تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی محوریت داشته باشد و هم معلم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد. در حقیقت یکی از اهداف مهم برگزاری جشنواره الگوهای برتر تدریس نیز کشف روش‌هایی است که در آن، خلاقیت و نوآوری معلم در معرض دید همکارانش قرار می‌گیرد.

ساختار درس‌ها در کتاب پایه هشتم

بخش‌های هر درس:

۱ واژگان

۲ متن درس

۳ «بدانیم» و «فن ترجمه»

۴ آموزش تصویری قواعد

۵ تمرین

۶ ساختار آموزشی درس

۷ «کنز الحکمة» و «نور السماء»

۸ پژوهش

۹ اربعینات و قرآنیات

تحلیل بخش‌های هر درس

هدف از تحلیل بخش‌های مذکور بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلم به یاری آن بتواند با تسلط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. در اینجا معلم با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های موردنظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌شود و الگویی برای تدریس همه بخش‌ها در اختیارش قرار داده می‌شود، تا کار آموزش برایش ساده شود.

۱ واژگان

دلیل تقدیم واژگان به همراه معنا، در آغاز هر درس این است که دانش‌آموز با راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ بدین‌گونه که معلم دانش‌آموز را گام به گام در ترجمه مشارکت دهد و توانایی ترجمه را در او بپروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری است.

مراحل آموزش واژگان:

۱ معلم در آغاز کلمات را می‌خواند یا از کتاب گویا استفاده می‌کند و اگر توضیحاتی کوتاه، نکاتی جالب یا هم خانواده‌هایی برای آنها سراغ دارد؛ جهت تقریب به ذهن برای دانش‌آموزان ذکر می‌کند. تذکر مهم این است که وقت زیادی نباید صرف این کار شود؛ زیرا یادگیری واژگان باید در دل عبارت و متن انجام شود.

۲ دانش‌آموزان کلمات را تکرار می‌کنند و این تکرار می‌تواند به تشخیص معلم به همراه او و گروهی باشد یا به صورت انفرادی.

۳ از آنجا که قرائت واژگان امکان دارد وقت کلاس را بگیرد، می‌توان از دانش‌آموز خواست قرائت خود را در قالب فایل صوتی در گروه مجازی کلاس بگذارد و در ابتدای قرائت نام و نام خانوادگی و نام کلاس را بگوید تا معلوم باشد این قرائت از کیست. از این شیوه می‌توان به ویژه در شرایط اضطرار (مانند تعطیلی مدارس به دلیل بیماری فراگیر، آلودگی هوا، زمین‌لرزه، سیل و مانند اینها) استفاده کرد.

۲ متون

در این بخش نیز باید سهم مشارکت معلّم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هریک چه وظیفه‌ای دارند.

۱ **مرحله اول (شنیدن):** اولین وظیفه برعهده معلّم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموز را تقویت کند.

در این بخش استفاده از کتاب گویا تأکید می‌شود.

۲ **مرحله دوم (خواندن):** دانش‌آموزان براساس روشی که معلّم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند، تا مهارت گفتاری آنان تقویت شود. ارسال فایل صوتی قرائت دانش‌آموز در گروه مجازی توصیه می‌شود.

۳ **مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):** دانش‌آموزان با بهره‌گیری از ترجمه واژگان، متن را ترجمه می‌کنند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند، تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

۴ **مرحله چهارم (ترجمه نهایی):** معلّم به‌عنوان راهنما، خطاها را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد.

۵ **مرحله پنجم (پیام درس):** در این مرحله، معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند یا برای پیوند میان قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند.

۳ آموزش تصویری قواعد

آموزش قواعد به‌صورت تصویری ارائه شده است. در کنار هر تصویر جمله‌ای وجود دارد که قاعده درس را آموزش می‌دهد. این عبارات وظیفه آموزش ساختار زبان را برعهده دارند. در آموزش مضارع از فعل‌های صحیح و سالم استفاده شده و اگر گاهی از فعلی مانند یقرأ استفاده شده است به‌علت پرکاربرد بودن است. در چنین مواردی از صیغه‌هایی مثل یقرؤون خودداری شده است تا مشکل رسم‌الخط همزه پیش نیاید.

تذکر بسیار مهم: برای آموزش فعل‌های ماضی و مضارع بومی‌سازی انجام شده است. دانش‌آموز ایرانی با شش صیغه فارسی آشناست. او می‌داند اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد و ... یعنی چه. حتی در درس انگلیسی نیز همین‌طور می‌خواند. در برخی کشورها مانند مغرب (مراکش) و لبنان نیز در

آموزش فعل‌ها تغییراتی را انجام داده‌اند. در آموزش فعل نیز در ایران بومی‌سازی صورت گرفته است. تاکنون این شیوه در مدارس موفق بوده است و بسیاری از دبیران از آن استقبال کرده‌اند و یادگیری عربی را برای دانش‌آموزان تسهیل کرده است. دانش‌آموز می‌خواند که:

معادل «من می‌روم»، «أنا أذهب» است؛

معادل «تو می‌روی»، «أنت تذهب و أنت تذهبن» است؛

معادل «او می‌رود»، «هو يذهب و هي تذهب» است؛

معادل «ما می‌رویم»، «نحن نذهب» است؛

معادل «شما می‌روید»، «أنتم تذهبون، أنتن تذهبن و أنتما تذهبان» است؛

و معادل «آنها می‌روند»، «هم يذهبون، هن يذهبن، هما يذهبان و هما تذهبان» است.

با این شیوه بسیار منطقی‌تر و بهتر درس را می‌آموزد. در کنار این شیوه، روش مرسوم در علم صرف نیز نهاده شده است، تا هرچه بیشتر با قواعد آشنا شود.

روش بومی‌سازی آموزش ضمیر و فعل در یادگیری آسان‌تر است؛ در مرحله دوم پس از یادگیری روش بومی‌سازی روش سنتی نیز بیان می‌شود.

مطلقاً نباید برعکس عمل کرد چون با سبک کتاب متفاوت است و او را آشفته می‌کند.

۴ «بدانیم» و «فَنَ ترجمه»

در این قسمت ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این دو بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌بردار؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نمی‌باشد.

حفظ بخش «بدانیم» و «فَنَ ترجمه» الزامی نیست و به گسترش مطالب و ارائه جزوه مکمل نیاز نیست.

اجرا: معلّم در این قسمت، دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد.

معلّم باید قواعد را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم در نظر بگیرد نه هدف اصلی.

عَلت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پیرنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلّم نیز شایسته است در بیان قواعد به کتاب بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و ارائه جزوه، خودداری کند. در این بخش، برای تفهیم بهتر قواعد و ایجاد جذّابیت از تصاویری متناسب^۱ با مفاهیم استفاده شده که شایسته است معلّم گرامی به آن توجه کند و ساده از کنار آن نگذرد.

ترجمه از فارسی به عربی چه در کلمه و چه در جمله ممنوع است و جزء اهداف آموزشی کتاب عربی نیست و تخلّف از این امر مستلزم دخالت گروه‌های آموزشی و ارشاد معلّم است. در این قسمت، دانش‌آموزان مشارکت بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سوالات آن پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحّح را داشته باشد.

۵ تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی، سعی شده است:

نخست: تمارین درس ساده باشد، تا دانش‌آموز از حلّ آن لذّت ببرد.

دوم: تعداد آنها کم باشد، تا معلّم فرصتی برای تقویت و ارتقای دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد و دانش‌آموز نیز از حلّ تمرینات خسته نشود.

اجرا: حلّ تمرین برعهده دانش‌آموز است. در کتاب فضای کافی برای حلّ تمرین پیش‌بینی شده است، تا نوشتن مجدّد آن، وقت کلاس را نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و ممکن است اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا حلّ تمرینات در کتاب صورت می‌گیرد، تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب درست در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید؛ کمتر دانش‌آموزی می‌تواند متن عربی را بدون خطا بنویسد.

۱- رسالت مهمّ تصاویر:

۱- پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی - ایرانی می‌شود.

۲- به روز بودن و واقعی بودن تصاویر کتاب درسی را جذّاب‌تر می‌کند.

۳- جذّابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسهیل و تسهیل می‌کند. شاعر گرانمایه ایرانی مولوی می‌فرماید:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

۶ ساختار درس

ساختار آموزشی کتاب هشتم، فعل مضارع (مستقبل و منفی) است. ساختار زبان در جدول طراحي شده است. در درس دهم عددهای ترتیبی اول تا دوازدهم، آموزش داده شده است که نگاه قاعده‌محور به آن نیست، بلکه نگاه واژگانی است.

۷ کنز الحکمة و نور السماء

شامل آیات مبارک قرآن مجید و احادیث شریف می‌باشد. ملاک‌گزینش، مطابقت با ساختار خوانده شده است.

در هر درس آياتی انتخاب شده که افزون بر مفهوم کاربردی و مناسب آن با ساختار آموزشی تدریس شده سازگار است. این نکته در هر ده درس کتاب، رعایت شده است.

۸ پژوهش

پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز انتخاب شده است. دانش‌آموز در درس عربی، دومین سالی است که عربی می‌خواند و در پایه هفتم حدّا کثر ۲۴ جلسه در کلاس بوده است. پس اطلاعات او در درس عربی مانند دروس دیگر نیست.

۹ اربعینات و قرآنیات

«اربعینات»^۱ به معنای گفت‌وگوهای رایج در مراسم اربعین است. در این بخش، با الهام از مراسم دینی اربعین در عتبات، گفت‌وگوهایی تنظیم شده که می‌تواند در هر سفری استفاده شود. نظر به معنویت راهپیمایی اربعین فضای عبارات به‌کار رفته در همان محیط است. بخش «قرآنیات» نیز اشاره به نام کتاب (عربی، زبان قرآن) دارد و در آن پرسش و پاسخ‌های قرآنی نهاده شده است.

۱- اربعینات جمع اربعینة به معنای گفت‌وگوهایی در اربعین است. تخفیف به این صورت است:

جوارات فی مسیره الأربعین ← جوارات فی الأربعین ← جوارات اربعینة ← اربعینات

«اربعین» ملحق به جمع است؛ چون اسم خاص بر یک روز معین شده است؛ لذا جایز است منسوب شود.

بخش چهارم

محتوای کتاب پایه هشتم و نحوه آموزش درس‌ها

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف درس

- ۱ یادگیری معنای فارسی به عربی هفده واژه جدید
- ۲ تشخیص اسم‌های مفرد، مثنی و جمع در جمله
- ۳ تشخیص ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک
- ۴ پرسش و پاسخ با کلمات پرسشی «هل، أ، أین، مَنْ، ما (ماذا)، کَمْ»
- ۵ تشخیص و ترجمه فعل ماضی (ثلاثی مجرد صحیح و سالم) در جمله
- ۶ دانستن نام رنگ‌های اصلی در حالت عمومی (مذکر)
- ۷ حفظ نام روزهای هفته و فصل‌ها
- ۸ تشخیص کلمات مترادف و متضاد

فرایند آموزش

- ۱ **واژگان:** این درس هفده واژه جدید دارد. ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب درسی نیست. ترجمه از عربی به فارسی نیز در جمله انجام می‌شود.
- ۲ **قواعد:** اهمّ آموخته‌های دانش‌آموز در کتاب هفتم در تمریناتی متنوع در این درس طرّاحی شده است. هدف از قواعد فقط کمک به ترجمه است. همانند کتاب پایه هفتم در این کتاب نیز هدف این است که دانش‌آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلّم بر زبان می‌آورد درست بشنود و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است، باید بتواند به املاى او نیز کمک کند.

تمرین‌ها

هدف اصلی تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش سعی شده است تا:

تمرین درس ساده و جذاب باشد؛ تا دانش‌آموز از حلّ آن لذّت ببرد.

تعداد آنها کم باشد، تا معلّم فرصت برای تقویت و پیشبرد دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد.

شایسته است دبیر ارجمند، برگه‌ای ویژه قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار کسی عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند، تا عدالت آموزشی اجرا شود و اینگونه نشود که دانش‌آموزی چند بار بخواند و دانش‌آموزی دیگر یک بار نیز نخواند. برای حل تمرینات، نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی، جای جواب پیش‌بینی شده است.^۱

این کار موجب می‌شود تا دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حل تمرین بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است. به منظور صرفه‌جویی در وقت کلاس، تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلم بتواند در دو جلسه درس اول را به پایان برساند. شایسته است دبیر در زمان‌بندی تدریس، نظارت دقیق داشته باشد.

تمرین اول: هدف، یادآوری آموخته‌ها در اسم اشاره به مفرد، مثنی و جمع است.
تمرین دوم: هدف، یادآوری آموخته‌ها در کلمات پرسشی است. در این تمرین، پاسخ کوتاه مدّ نظر است.

پاسخ‌های مورد انتظار عبارت‌اند از:

نافذة، قميص، في الحديقة (أمام التفاحات، جنب الفواكه...)، لبروين إعتصامي (لشاعرة الإيرانية)، ثلاثة، سعدي

تمرین سوم: هدف، یادآوری آموخته‌ها در مبحث عدد است. پاسخ تمرین‌ها عبارت است از: ثمانية جنود، خمسة شهداء، أحد عشر لاعباً، تسعة ألوان، اثناعشر شهراً و سبعة كتب؛ قاعدة معدود در این تمرین هدف نیست.

هدف، یادآوریِ عددهای یک تا دوازده است. مبحث تطابق عدد و معدود از اهداف عربی پایه‌های هفتم و هشتم نیست و نباید وارد این بحث شد. طرح سؤال در این زمینه در آزمون‌های مدارس نمونه‌مردمی و غیردولتی خلاف است و مستلزم دخالت گروه‌های آموزشی و ارشاد طراحان است؛ زیرا در صورت طراحی سؤال زمینه انحراف تدریس فراهم می‌شود. برخی از دبیران برای اینکه دانش‌آموزان‌شان در مدارس نمونه قبول شوند در کلاس درس و برای همه دانش‌آموز این مطالب را تدریس می‌کنند.

۱- در امتحان شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست‌نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد، روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

تمرین چهارم: هدف، یادآوری آموخته‌ها در ضمیر و فعل ماضی است. هدف یادآوری مبحث فعل ماضی است. از آنجا که ساخت فعل ماضی و تبدیل صیغه و بازنویسی جمله از اهداف کتاب عربی هفتم نیست؛ لذا در این دو تمرین، فقط ترجمه مدنظر است.

درجه دشواری تمرین بالاست؛ لذا این تمرین از دانش‌آموزان تواناتر سؤال شود. در حقیقت سخت‌ترین تمرین درس اول، همین تمرین است.

انتظار نمی‌رود با حل این دو تمرین مبحث فعل ماضی به خوبی و با موفقیت یادآوری شود. فعل ماضی در کنار فعل مضارع و در جای جای کتاب درسی عربی هشتم تکرار می‌شود. این تکرار در عربی پایه‌های بعدی نیز صورت می‌گیرد، تا به تدریج ملکه ذهن دانش‌آموز شود.

تمرین پنجم: هدف یادآوری آموخته‌ها در مکالمه هنگام احوالپرسی و خداحافظی است. **تمرین ششم:** هدف، یادآوری آموخته‌ها در رنگ‌هاست. آموزش وزن «فَعْلَاء» از اهداف کتاب نیست. **تمرین هفتم:** هدف، یادآوری آموخته‌ها در نام روزهای هفته است. حفظ نام روزهای هفته اشکالی ندارد؛ اما دانستن نام درس‌ها به عربی لازم نیست.

تمرین هشتم: هدف، یادآوری آموخته‌ها در نام فصل‌هاست. خوب است که از دانش‌آموز بخواهیم نام چهار فصل سال را به ترتیب از حفظ بگوید. نام عربی فصول در متون فارسی بسیار به کار می‌رود. می‌توان به عنوان کار پژوهشی از دانش‌آموزان خواست اشعاری در این مورد بیابند. مثال:

عمر گرانبایه در این صرف شد تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

شبه این پژوهش را در بسیاری از جاها می‌شود انجام داد و این پیوند خوبی برای ایجاد ارتباط میان ادبیات فارسی و عربی است.

تمرین نهم: هدف، یادآوری آموخته‌ها در کلمات مترادف و متضاد پایه هفتم است. یکی از راه‌های یادگیری هر زبانی مبحث مترادف و متضاد است. در آموزش هر زبانی تمرین متضاد و مترادف طراحی می‌شود؛ زیرا روش مناسبی برای تسلط بر واژگان است.

از طراحی چنین سؤالاتی در امتحان خودداری گردد:

مترادف کلمات داده شده را بنویسید: والده، بیت، بستان

متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قلیل، بعید، یمین

طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

کلمات مترادف را دو به دو کنار هم بنویسید.

بین کلمات مترادف و متضاد علامت مناسب بگذارید: قریب ... بعید والدة ... أمُّ
تمرین دهم: هدف، تقویت مهارت شناخت واژگان نزدیک به هم است. از دانش آموز بخواهیم
هر چهار کلمه را معنا کند، سپس کلمه‌ای را که از نظر معنایی و دستوری با سه کلمه دیگر
ناهماهنگ است معلوم کند و دلیل ناهماهنگی را توضیح دهد.
مثلاً سؤال اول باید این گونه حل شود. مصنع یعنی کارخانه، مکتبه یعنی کتابخانه و مدرسه نیز
همان مدرسه است و هر سه معنای مکانی دارند و بر جایی دلالت می‌کنند؛ اما مَلَكٌ یعنی فرمانروا
شد و فعل است.

توجه داشته باشیم که در طُرَاحی این سؤال چنین اشتباهی را مرتکب نشویم.
کدام کلمه از نظر معنایی و دستوری با بقیه کلمات ناهماهنگ است؟ مصنع، مکتبه، بستان، مَلَكٌ
امکان دارد در این سؤال، دانش آموز تصور کند مکتبه ناهماهنگ است؛ زیرا مؤنث است.
در طُرَاحی سؤال از این بخش دقت لازم را داشته باشیم.
تمرین یازدهم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.
تمرین دوازدهم: هدف، یادآوری آموخته‌ها در انواع اسم مفرد، مثنی و جمع است. یادگیری این
مبحث در ادبیات فارسی نیز سودمند است.

تمرین سیزدهم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.
در پایان درس اول، جدول شناخت صیغه به دو صورت اول شخص مفرد و متکلم وحده ... و
یادآوری آموخته‌ها در مبحث ضمیر و فعل ماضی است. بدیهی است که اگر فرضاً دانش‌آموزی در
فهم این صفحه مشکل داشته باشد، نمی‌توان در بخشی از یک جلسه (یک زنگ) آن را آموزش داد.
این صفحه فقط نگاهی گذرا برای یادآوری آموخته‌های سال گذشته در ساختار زبان عربی است. از
آنجا که بیشتر فعل‌های ماضی بر وزن «فَعَلَّ» و «فَعِلَّ» هستند؛ لذا دو مثال از همین دو وزن آمده
است؛ اما وزن «فَعَّلَ» صرف نظر شده است تا هم صفحه شلوغ نشود و هم فعل‌هایی صرف شوند
که پرکاربردترند. به دانش‌آموز یا دانش‌آموزانی که در این صفحه مشکل دارند باید تمرین اضافه
داد. می‌توان تمرینات آنان را در گروه مجازی مشاهده کرد.

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ: دَوْرَةُ دَرَسِ هَايِ كَلَّاسِ هَفْتَمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الطُّلَابُ؛ كَيْفَ حَالُكُمْ؟ السَّنَةُ الدِّرَاسِيَّةُ الْجَدِيدَةُ مُبَارَكَةٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ لَأَنَّكُمْ قَادِرُونَ عَلَى فَهْمِ النُّصُوصِ وَ الْعِبَارَاتِ البَّسِيطَةِ.

درود بر شما (سلام بر شما) ای دانش‌آموزان؛ حالتان چطور است؟ سال تحصیلی نو (جدید) مبارک باشد. خدا را سپاس؛ زیرا شما قادر به فهمیدن متن‌ها و عبارات‌های ساده هستید.

تمرین اول:

- ۱ هَذَا الشَّرْطِيُّ، إِيرَانِيٌّ. اَيْنَ پَلِيسِ، اِيْرَانِيٌّ اسْت.
- ۲ هَذِهِ الْحُلُوَانِيَّةُ، مَاهِرَةٌ. اَيْنَ بَانُوِي شِيْرِيْنِي فِرُوْشِ، چِيْرِه دَسْت (مَاهِر) اسْت.
- ۳ ذَلِكَ الطَّبَّاحُ، نَظِيْفٌ. اَنْ اَشْپِزِ، پَاكِيْزِه (تَمِيْز) اسْت.
- ۴ تَلْكَ الْحَافِلَةُ، كَبِيْرَةٌ. اَنْ اَتُوْبُوْسِ، بَزْرِكْ اسْت.
- ۵ هَذَانِ الْمُؤَوِّظَانِ، صَادِقَانِ. اَيْنَ دُو كَارْمَنْدِ، رَاسْتِگُوِيْنْدِ.
- ۶ هَاتَانِ الْمُمَرِّضَتَانِ، صَابِرَتَانِ. اَيْنَ دُو بَانُوِي پَرَسْتَارِ، بُرْدْبَارَنْدِ.
- ۷ هُوَلاءِ الرِّمْلَاءِ، وَاقْفُوْنِ. اَيْنَ هَمَكَلَّاسِيْ هَا، اِيْسْتَاْدِهْ اَنْدِ.
- ۸ اَوْلِيْكِ الْاُمَهَاتِ، جَالِسَاتٌ. اَنْ مَادَرَانِ، نَشِسْتِهْ اَنْدِ.

تمرین دوم:

- ۱ مَا هَذِهِ؟ نَافِذَةٌ. هَذِهِ نَافِذَةٌ. يَا هَذِهِ نَافِذَةُ الْبَيْتِ.
- ۲ أ هَذَا قَمِيصٌ أَمْ سِرْوَالٌ؟ أَيَا اَيْنَ پِيْرَاهَنْ اسْت يَا شِلْوَارٌ؟ پَاسَخِ: هَذَا قَمِيصٌ.
- ۳ أَيْنَ جَلَسَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟ فِي الْحَدِيْقَةِ. يَا جَلَسَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ فِي الْحَدِيْقَةِ. يَا فِي الْبُسْتَانِ.
- ۴ لِمَنْ هَذَا الْبَيْتِ؟ لِبَرُوِيْنِ اِعْتِصَامِي. يَا هَذَا الْبَيْتِ لِبَرُوِيْنِ اِعْتِصَامِي.
- ۵ كَمْ عَدَدُ الْأَحْجَارِ؟ ثَلَاثَةٌ. يَا عَدَدُ الْأَحْجَارِ ثَلَاثَةٌ.
- ۶ مَنْ هَذَا الشَّاعِرُ؟ سَعْدِيٌّ. يَا هُوَ سَعْدِيٌّ. يَا هَذَا الشَّاعِرُ سَعْدِيٌّ.

تمرین سوم:

ثَمَانِيَّةٌ جُنُوْدٌ. خَمْسَةٌ شُهَدَاءٌ. اَحَدَعَشَرَ لَاعِبًا. تِسْعَةٌ الْوَانِ. اِثْنَاعَشَرَ شَهْرًا. سَبْعَةٌ كُتُبٌ.

تمرین چهارم:

- ۱ أَنْتُمَا ذَكَرْتُمَا صَدِيقَكُمَا. شما (دو تن) دوستان را یاد کردید.
- ۲ هُمْ لَعِبُوا كُرَّةَ الْقَدَمِ. آنها (ایشان) فوتبال بازی کردند.
- ۳ أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ رِسَائِلَ. شما نامه‌هایی نوشتید.
- ۴ هُمَا نَجَحَا فِي امْتِحَانِهِمَا. آن دو (ایشان، آنها) در آزمونشان (امتحانشان) موفق شدند.
- ۵ هُنَّ وَصَلْنَ إِلَى الْمَوْقِفِ. آنها (ایشان) به ایستگاه رسیدند.
- ۶ هُمَا وَجَدَتَا مِفْتَاحَهُمَا. آن دو (ایشان، آنها) کلیدشان را یافتند.
- ۷ أَنَا طَبَخْتُ رُزًّا لَذِيذًا. من برنجی خوشمزه پختم.

تمرین پنجم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ / وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.
 صَبَاحَ التَّوْرِ. / صَبَاحَ الْخَيْرِ.
 كَيْفَ حَالِكِ؟ / أَنَا بِخَيْرٍ.
 مَا اسْمُكَ؟ / إِسْمِي سَمِيرَةٌ.
 هَلْ أَنْتِ مِنَ الْعِرَاقِ؟ / لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ.
 أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟ / هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.
 فِي أَمَانِ اللَّهِ. / مَعَ السَّلَامَةِ، إِلَى اللَّقَاءِ.

تمرین ششم:

التَّفَاحُ الْأَخْضَرُ: سیب سبز/ الرُّمَانُ الْأَحْمَرُ: انار سرخ/ الْعِنَبُ الْأَسْوَدُ: انگور سیاه/ الْوَرْدُ الْأَصْفَرُ: گل
 زرد/ السَّحَابُ الْأَبْيَضُ: ابر سفید/ الْبَحْرُ الْأَزْرَقُ: دریای آبی

تمرین هفتم:

روزهای هفته: يَوْمُ السَّبْتِ / يَوْمُ الْأَحَدِ / يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ / يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ / يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ / يَوْمُ الْخَمِيسِ / يَوْمُ
 الْجُمُعَةِ

تمرین هشتم:

نام فصل‌ها: الرَّبِيعُ / الصَّيْفُ / الخَرِيفُ / الشِّتَاءُ

تمرین نهم:

حَزَنٌ ≠ فَرِحَ	بَيْتٌ = مَنَزَلٌ	أُمٌّ = وَالِدَةٌ
خَلْفٌ = وَرَاءَ	أَبٌ = وَالِدٌ	دَهَبٌ ≠ رَجَعٌ
قَرِيبٌ ≠ بَعِيدٌ	كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ	عُدْوَانٌ = عَدَاوَةٌ
أُمْسٌ ≠ عَدٌ	بُسْتَانٌ = حَدِيقَةٌ	جَمِيلٌ ≠ قَبِيحٌ

(غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ)	(تَحْتٌ ≠ فَوْقٌ)	(بِدَايَةٌ ≠ نِهَائِيَةٌ)	(قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ)
(حَارٌّ ≠ بَارِدٌ)	(يَمِينٌ ≠ يَسَارٌ)	(سَوْءٌ ≠ حُسْنٌ)	(آخِرٌ ≠ أَوَّلٌ)
(أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ)	(صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ)	(أَرَادِلٌ ≠ أَفَاضِلٌ)	(جَالِسٌ ≠ وَاقِفٌ)

تمرین دهم:

مَلَكٌ = □ مَلَكَ فَعَلَ اسْتَ.	مَدْرَسَةٌ □	مَكْتَبَةٌ □	مَصْنَعٌ □ ۱
مُدْرَسَاتٌ □ = شَعْرُنَ فَعَلَ اسْتَ.	فَاعِلِينَ □	لَاعِبُونَ □	شَعْرُنَ □ ۲
نَصْرٌ □ = وَرَاءَ جِهَتِ اسْتَ. بَقِيَهُ	وَرَاءَ □	خَافَ □	رَجِمَ □ ۳
			فَعَلَ اسْتَد.
فَوَاكِهُ □ = رَجُلَانِ مِثْنِي بَقِيَهُ جَمْعٌ	أَشْجَارٌ □	حَدَائِقُ □	رَجُلَانِ □ ۴
			و مَرْبُوطٌ بِهِ طَبِيعَتِ اسْتَد.
هُدَاهُ □ = هَرَبَ فَعَلَ اسْتَ وَ بَقِيَهُ	ذَلِكَ □	هَذَا □	هَرَبَ □ ۵
			اسْمِ اشَارَهْ اسْتَد.
هُمٌ □ = وَرْدَةٌ اسْمِ چِيزِي اسْتَ	أَنْتَ □	وَرْدَةٌ □	أَنَا □ ۶
			و بَقِيَهُ ضَمِيرِنْد.
مَنْ □ = صُورَةٌ اسْمِ چِيزِي اسْتَ	كَيْفَ □	لِمَاذَا □	صُورَةٌ □ ۷
			و بَقِيَهُ كَلِمَاتِ پَرَسَشِي اسْتَد.
رُبٌّ □ = رُبٌّ يَعْنِي چِه بَسَا وَ بَا	رُبٌّ □	قَذَفَ □	وَقَعَ □ ۸

بَقِيَهُ كِه فَعَلَ مَاضِي اسْتَد فَرْقِ دَارِد.

تمرین یازدهم:

- ۱ مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ وَ الْبَنَاتِ: اللُّوْحَةُ □ □ الفُسْتَانِ □ پاسخ: الفستان، یعنی پیراهن زنانه
 ۲ قِيمَتُهُ غَالِيَةٌ جِدًّا: الذَّهَبُ □ □ القَمِيصِ □ پاسخ: الذَّهَبُ، یعنی طلا
 ۳ عَدَدُ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ: سَبْعَةٌ □ □ تِسْعَةٌ □ پاسخ: سَبْعَةٌ
 ۴ مَكَانُ الْأَشْجَارِ: الْفَلَّاحُ □ □ الْحَدِيقَةِ □ پاسخ: الْحَدِيقَةُ
 ۵ أُمُّ الْأَبِ: الْجَدُّ □ □ الْجَدَّةُ □ پاسخ: الْجَدَّةُ

تمرین دوازدهم:

- أشجار: جمع مکسر/ یومان: مثنی مذکر/ واقفین: جمع مذکر سالم/ کُتُب: جمع مکسر/ غُرَابِین: مثنی مذکر/ شَجَرَات: جمع مؤنث سالم/ فائِزُونَ: جمع مذکر سالم/ جالِسَات: جمع مؤنث سالم

تمرین سیزدهم:

- ۱ ثَمَانِيَةٌ: هشت ۲ شَهْر: ماه ۳ وَصَلَ: رسید ۴ أُسْبُوع: هفته ۵ أُسْرَار: رازها ۶ لَيْتَ: کاش ۷ ما دَهَبْنَا: نرفتم ۸ طَرِيق: راه ۹ وَحْدَةٌ: تنهایی ۱۰ شَبْكَة: تور ۱۱ نار: آتش ۱۲ كَلٌّ: همه ۱۳ مَدِينَةٌ: شهر ۱۴ ما أَكَلْنَا: نخوردیم ۱۵ نَجْم: ستاره ۱۶ صَفٌّ: کلاس ۱۷ سَفِينَةٌ: کشتی ۱۸ سَمَكَةٌ: ماهی ۱۹ أَحْمَر: سرخ ۲۰ مُسَاعَدَةٌ: کمک ۲۱ كَانَ: بود ۲۲ عِنْدَ: نزد ۲۳ بَاب: در ۲۴ صَيْف: تابستان ۲۵ وَجَع: درد ۲۶ رَأَيْتُ: دیدم

ارزشیابی

در ارزشیابی از درس اول باید توجه داشت که همان‌گونه که از نام درس پیداست، همه این درس ارزشیابی است و نیازی به ارزشیابی مجدد از آن نیست. پس می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در کلاس در گروه‌های چند نفره آن را حل کنند؛ سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود؛ یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال شود.

انتظار نمی‌رود در عرض دو جلسه آموزشی در آغاز مهر ماه کل مطالب عربی پایه هفتم به اندازه کافی تکرار و تمرین شود. در این درس فقط مهم‌ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس‌های دوم تا دهم این تکرار در دل متون، عبارات و تمرینات انجام خواهد شد.

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:
 کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پرده نگار (پاورپوینت)، کلیپ آموزشی، اسلاید،
 پوستر، فلش کارت

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به عنوان موهبتی یافته‌اند که در رساندن سریع‌تر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنان را یاری می‌کند. (یک انقلاب بصری) امروزه باید بصری صحبت کنیم. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟

واژه اینفوگراف (Info graphic) کوتاه شده (Information Graphic) است. امروزه اینفوگراف‌ها را زیاد در اطراف خود می‌بینیم، کتاب‌های کودکان، اخبار، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اینفوگراف به عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. ابزاری که دو هدف عمده را پوشش می‌دهد:

کمک به نمایش سریع، واضح و زیبای ایده‌های پیچیده و نشر اطلاعات و داده‌ها به صورت بصری و سهل‌الوصول اینفوگرافیک‌ها یا گرافیک‌های اطلاع‌رسان، نمایشگران تصویری اطلاعات و داده‌ها هستند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مردم توجه کمتری به نوشته‌ها و متون دارند و این توجه کمتر و کمتر می‌شود و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه‌های بصری وجود دارد. استفاده از گرافیک‌های اطلاع‌رسان باعث می‌شود بیننده با نگاهی کوتاه حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالایی را تشکیل دهد، به سادگی از طریق بصری دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد. شاید به همین دلیل باشد که امروزه گرافیک‌های اطلاع‌رسان همه جا مشاهده می‌شوند.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (یَ، تَ، نَ، أ) و ضمایر متصل فاعلی و اعراب اصلی و فرعی رفع اشاره شده است، زبان عربی را زبانی شگفت و نیاموختنی جلوه‌گر می‌سازد. دانش‌آموز با دیدن جزوه‌ای که قواعد فعل مضارع را مفضلاً آموزش می‌دهد از آموختن زبان عربی پشیمان می‌شود. اما یک اینفوگراف او را کنجکاو و علاقه‌مند می‌سازد.

در یک اینفوگراف جملاتی مانند «الْأَعْبُ الْفَائِزُ بِرَفْعِ الْكَأْسِ». دیده می‌شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است. دانش‌آموز با دیدن جمله‌ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می‌شود.

الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۳۲ واژهٔ جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمهٔ متن درس
- ۳ درک پیام متن^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های خواننده شده
- ۵ شناخت و ترجمهٔ درست فعل مضارع اوّل شخص مفرد (متکلم و حده)
- ۶ شناخت و ترجمهٔ فعل مضارع دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب) و (مفرد مؤنث مخاطب)

فرایند آموزش

متن درس دوم دربارهٔ اهمّیت زبان عربی است که معلّم می‌تواند به همین بهانه از دانش‌آموزان بپرسد: چرا عربی می‌خوانیم؟ پشت جلد کتاب پایهٔ هفتم نیز دلایل این امر نوشته شده بود. ارجاع دانش‌آموز به نقشهٔ جهان اسلام و اینکه در همهٔ این کشورها زبان عربی قابل فهم است سودمند می‌باشد.

در یکی از سطرهای متن درس چنین آمده است: «أكثر أسماء الأولاد و البنات في العالم الإسلاميّ عربيّ.» می‌توان همین سخن را در کلاس به آزمایش نهاد و نام کوچک دانش‌آموزان را بررسی کرد تا به آنها صحت این مدعا ثابت شود و فراگیران متوجهٔ نقش و جایگاه زبان عربی شوند.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس دوم

أَهَمِّيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ: اهمّیت زبان عربی
 ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ لِأَنَّنا نَجْحَنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ قَادِرُونَ عَلَى قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ
 النُّصُوصِ البَّسِيطَةِ.
 سپاس خدا را پروردگارِ جهانیان؛ زیرا ما در سالِ گذشته موفق شدیم و قادر به خواندنِ عبارتها
 و متونِ ساده هستیم.

۱- پیام درس اشاره به وسعت جهان اسلام است و اینکه ایرانیان خدمات بسیاری به زبان عربی به عنوان زبان قرآن انجام داده‌اند.

نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ دِينِنَا وَ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ مَمْرُوجَةٌ بِهَا كَثِيرًا.
 ما به یادگیری زبان عربی نیازمندیم؛ زیرا زبان دینمان است و زبان فارسی با آن بسیار آمیخته است.
 إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنَ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.

بی‌گمان زبان عربی از زبان‌های بین‌المللی است.

الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ ﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾.

قرآن و احادیث به زبان عربی آشکار هستند.

الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنْتَظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

عربی از زبان‌های رسمی در سازمان ملل متحد است.

الْإِيرَانِيُونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا. «الْفِرُوزَابَادِيُّ» كَتَبَ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ» وَ «سِيَّوِيَه» كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْكِتَابُ».

ایرانیان به زبان عربی، بسیار خدمت کردند. «فیروزآبادی» لغت‌نامه‌ای در زبان عربی نوشت که نامش «قاموس محیط» است و «سیبویه» نخستین کتاب کامل را در قواعد زبان عربی نوشت که نامش «الکتاب» می‌باشد.

أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

بیشتر نام‌های پسران و دختران در جهان اسلام، عربی هستند.

الْكَلِمَاتُ الْعَرَبِيَّةُ، كَثِيرَةٌ فِي الْفَارْسِيَّةِ وَ هَذَا بِسَبَبِ احْتِرَامِ الْإِيرَانِيِّينَ لِلُّغَةِ الْقُرْآنِ.

واژه‌های عربی در فارسی بسیارند و این به دلیل احترام نهادن ایرانیان به زبان قرآن است.

أَنَا أَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتٍ كَثِيرَةٍ وَ أَذْكَرُ كُلَّ كَلِمَاتِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ أَقْدِرُ عَلَى قِرَاءَةِ النُّصُوصِ الْبَسِيطَةِ.

من معنای واژه‌های بسیاری را می‌دانم و همه واژه‌های سال گذشته را به یاد می‌آورم و می‌توانم متون ساده را بخوانم. (قادر به خواندن متن‌های ساده‌ایم).

جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ».

در مثل‌ها آمده است: «دانش در خردسالی، مانند نقش در سنگ است.»

يَا أُخِي، أَتَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتِ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ أَيْضًا؟

ای برادرم، آیا معنای واژه‌های کتاب اول را نیز می‌دانی؟

يَا أُخْتِي، أَتَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟

ای خواهرم، آیا معنای آیه‌ها و حدیث‌های آسان را می‌فهمی؟

معادل عربی دو صیغۀ فعل مضارع اوّل شخص مفرد و دوم شخص مفرد در این درس تدریس و در کنار آن آموخته‌های سال گذشته تکرار شده است. این تکرار در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت تا شعار «الدرس حرف و التکرار ألف» جامه عمل بپوشد. توجه داشته باشیم که همچنان هدف مانند کتاب پایه هفتم این است که دانش‌آموز فعل را در جمله و به کمک قرائن ترجمه کند. تبدیل فعلی از متکلم به مخاطب از اهداف کتاب نیست. در سایه روان‌خوانی و ترجمه، توانایی تبدیل کردن خود به خود حاصل می‌شود.

هدف این نیست که دانش‌آموز فعل مضارع بسازد، بلکه او باید درست ترجمه کند؛ مثلاً در ترجمه «أنا كُتِبْتُ درسی امس». بتواند «كُتِبْتُ» را «نوشتم» معنا کند و در جمله «أَنْتَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ كُلَّ يَوْمٍ». بتواند «تَذْهَبُ» را «می‌روی» ترجمه کند.

چنین چیزی در امتحان مورد تأیید نیست: این جمله را با توجه به کلمه داده شده بازنویسی کنید.
أنا أَلْعَبُ مَعَ أصدِقَائِي.

أَنْتِ ... مَعَ ...

أما این سؤال‌ها مورد تأیید است.

در جای خالی فعل مناسب بنویسید.

أَنْتِ ... مَعَ صَدِيقَاتِكَ. (أَلْعَبُ □ تَلْعَبِينَ □)

پس تشخیص فعل درست از اهداف کتاب است.

آموزش ساختار

در بخش آموزش ساختار سعی شده است، تا دانش‌آموز با توجه به تصویر جمله را درست ترجمه کند. دبیر می‌تواند در این قسمت، توضیحات لازم را بیان کند.

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اوّل کوتاه و ساده‌اند، تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. تمرینات در حقیقت ادامه قرائت و ترجمه‌اند؛ اما به شکلی جدید و تحت پوشش تمرین. سعی شده است، تا در تمرینات کلمه جدیدی حتی الامکان به کار نرود.

تمرین اول: هدف، تقویت مهارت خواندن و درک مطلب است. پاسخ‌ها: غ غ ص غ
تمرین دوم: هدف اصلی تقویت مهارت ترجمه است؛ اما افزون بر آن هدف ثانوی، آشنایی با نحوه پرسش و پاسخ به هنگام مکالمه است.

تمرین سوم: هدف، تقویت شناخت کاربرد واژگان است.

تمرین چهارم: هدف، علاوه بر تقویت مهارت ترجمه، افزودن مهارت تشخیص فعل است.

تمرین پنجم: هدف تقویت شناخت فعل است. لازم است در حل تمرین ترجمه عبارت‌ها در کلاس گفته شود.

می‌توان در امتحان مانند این تمرین، سؤال دوگزینه‌ای طرح کرد؛ زیرا امتحان مسابقه نیست. هرچند بیش از دو گزینه نیز اشکالی ندارد. دبیر با توجه به وضعیت مدرسه می‌تواند بهتر تصمیم بگیرد.

تمرین ششم: هدف، شناخت فعل مضارع اول و دوم شخص مفرد است. بهتر است در امتحان مانند این سؤال طرح نشود و ترجمه فعل در جمله خواسته شود.

تمرین هفتم: هدف، تقویت مهارت سخن گفتن است. در بخش مکالمه، رعایت ظرافت‌های نحوی مد نظر نیست؛ زیرا دانش‌آموز در آغاز راه است. او باید در ساحل زبان عربی بازی کند و نمی‌تواند به عمق دریای زبان فرو برود؛ زیرا هنوز مهارت کافی ندارد. دلیل مؤلفین در به کار بردن این قسمت، برنامه درسی ملی است که به مهارت سخن گفتن اشاره کرده است. از سوی دیگر؛ این تمرین کلاس درس را بسیار شاداب و فعال می‌سازد و هر دانش‌آموزی دوست دارد در درس عربی و انگلیسی بتواند به مهارت سخن گفتن دست یابد.

ساختار درس

ساختار دو درس دوم و سوم یکی است و آنچه را دانش‌آموز در درس دوم خوانده است، دوباره در درس سوم می‌خواند، تا یادگیری تثبیت شود. هدف درس دوم، آموزش ساختار فعل مضارع اول و دوم شخص مفرد از ثلاثی مجرد صحیح و سالم است، بنابراین، از فعل معتدل و مهموز و مضاعف دارای تغییرات پیچیده نباید استفاده کرد.

کنز الحکمة: هدف، پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. در اینجا دانش‌آموز سخنانی حکیمانه درباره «علم» از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام می‌خواند.

ارزشیابی

تبدیل صیغه‌های ماضی به مضارع یا برعکس در ارزشیابی مد نظر نیست.

کافی است دانش آموز بتواند جمله‌های دارای صیغه‌های معادل اول و دوم شخص مفرد را درست به فارسی ترجمه کند.

لطفاً چنین سؤالاتی در امتحان طرّاحی نشود:

نوع و صیغه «تلعب» را بنویسید.

از حروف اصلی «ق ذ ف» فعل ماضی منفی متکلم وحده بنویسید.

کدام گزینه صحیح است؟

أنا أغسل يد ... □ ي □ هُ □

در این سؤال، هر دو گزینه می‌تواند درست باشد. هرچند هدف طرّاحی گزینه اول است؛ اما هر دو گزینه به یک اندازه درست‌اند. أنا أغسل یده؛ یعنی من دستش را می‌شویم. هیچ ایرادی در این جمله نیست. فرض کنید مادری درباره فرزندش می‌گوید: من دستش را می‌شویم.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش کارت

افزون بر وسایل کمک آموزشی یاد شده، از شیوه نمایشی می‌توان بهره گرفت.

از دانش‌آموزی با هماهنگی قبلی می‌خواهیم کارهایی را در کلاس انجام دهد و به زبان عربی بگوید چه کاری را انجام می‌دهد.

به طرف تخته می‌رود و بگوید: **أَنَا أَذْهَبُ إِلَى اللُّوْحِ.**

روی تخته بنویسد و بگوید: **أَنَا أَكْتُبُ عَلَى اللُّوْحِ.**

پنجره را باز کند و بگوید: **أَنَا أَفْتَحُ النَّافِذَةَ.**

و کارهای دیگری که فعل‌های آن را خوانده است انجام دهد و به عربی بگوید: چه کاری دارد انجام می‌دهد.

دانش‌آموز دیگری خطاب به او بگوید: **أَنْتَ تَذْهَبُ إِلَى اللُّوْحِ.** یا **(أَنْتِ تَذْهَبِينَ إِلَى اللُّوْحِ).**

و مثال‌های دیگر ...

در این درس، از دانش‌آموز خواسته شده است تا سایت یا وبلاگ مناسبی را در کلاس معرفی کند. حتی می‌توان کانال‌های مجاز شبکه‌های رسمی آموزش و پرورش را نیز در اینجا معرفی کرد.

برخی از دانش‌آموزان توانایی وبلاگ‌نویسی دارند و صاحب وبلاگ‌اند. می‌توان از آنان خواست، تا

به چند تن از هم‌کلاسی‌هایشان این مهارت را آموزش دهند و یک وبلاگ ویژه درس عربی کلاس خود راه‌اندازی کنند. این کار، دانش‌آموزان را با فناوری‌های جدید تا اندازه‌ای آشنا می‌سازد.

جملات بخش قواعد

أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَسْوَدِ. من با خودکارِ مشکی می‌نویسم.
 أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَحْمَرِ. من با خودکارِ قرمز می‌نویسم.
 أَنْتَ تَحْفَظُ الْقُرْآنَ جَيِّدًا. تو قرآن را به خوبی از بر می‌کنی. (مذکر)
 أَنْتِ تَحْفَظِينَ الْقُرْآنَ بِدِقَّةٍ. تو قرآن را به خوبی از بر می‌کنی. (مؤنث)

تمرین‌ها

تمرین اول:

- ۱ قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ. غلط
- ۲ كَتَبَ سَيِّوِيَهْ أَوْلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. غلط
- ۳ كَتَبَ الْفَيْرُوزَابَادِيُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. صحيح
- ۴ الْإِيرَانِيُّونَ حَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيلًا. غلط

تمرین دوم:

- ماذا تَفْعَلُ يَا وَكْدُ؟ أَكْتُبُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.
 ای پسر، چه می‌کنی؟ نامه‌ای برای دوستم می‌نویسم.
 ماذا تَفْعَلِينَ يَا سَيِّدَةُ؟ أَقْرَأُ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ.
 ای خانم چه می‌کنی؟ آیه‌هایی از قرآن را می‌خوانم.
 هَلْ تَصْنَعُ كُرْسِيًّا؟ لَا؛ أَصْنَعُ مِنْصَدَةً.
 آیا صندلی می‌سازی؟ نه؛ میز می‌سازم.
 أَ تَذْهَبِينَ مَعَ أُخْتِكِ؟ لَا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.
 آیا همراه خواهرت می‌روی؟ نه؛ همراه دوستم می‌روم.

تمرین سوم:

بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِيهِ: اللُّسَانُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ: الْجَهْلُ نِصْفُ الدِّينِ: حُسْنُ الْخُلُقِ
الْوَقْتُ مِنْهُ: الدَّهَبُ الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِهِنَّ: الْأَمَّاتُ

تمرین چهارم:

۱ ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء: ۳۰)

و از آب هر چیز زنده‌ای را قرار دادیم.

۲ أَنْتِ قَبِلْتِ كَلَامَ وَالِدِكَ وَالآنَ تَعْمَلُ بِهِ.

تو سخن پدرت را پذیرفتی و اکنون به آن عمل می‌کنی.

۳ أَنْتِ حَفِظْتِ سُورَةَ النَّصْرِ وَالآنَ تَحْفَظِينَ سُورَةَ الْقَدْرِ.

تو سوره نصر را از بر کردی (حفظ کردی) و اکنون سوره قدر را از بر می‌کنی.

۴ أَنَا دَخَلْتُ الصَّفَّ الثَّامِنَ وَأَنْتِ تَدْخُلِ الصَّفَّ الْخَامِسَ.

من وارد کلاس هشتم شدم و تو وارد کلاس پنجم می‌شوی.

تمرین پنجم:

۱ أ أَنْتِ «تَطْرُقُ» الْبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟

۲ أَنَا «أَبْحَثُ» عَنْ طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي.

۳ يَا حَدَادُ، أ أَنْتِ «عَمِلْتِ» فِي الْمَصْنَعِ أَمْسَ؟

۴ يَا أُخْتِي، هَلْ «أَكَلْتِ» الطَّعَامَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟

۵ أ أَنْتِ «تَبْدَأِينَ» بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟

۶ أَيُّهَا الْخَبَّازُ الْمَحْتَرَّمُ، هَلْ «تَعْمَلُ» بَعْدَ دَقَائِقَ؟

تمرین ششم:

نَظَرَ: نگاه کرد أَنْظَرُ: نگاه می‌کنم تَنْظُرُ: نگاه می‌کنی تَنْظُرِينَ: نگاه می‌کنی

سَأَلَ: پرسید أَسْأَلُ: می‌پرسم تَسْأَلُ: می‌پرسی تَسْأَلِينَ: می‌پرسی

سَمَحَ: اجازه داد أَسْمَحُ: اجازه می‌دهم تَسْمَحُ: اجازه می‌دهی تَسْمَحِينَ: اجازه می‌دهی

ذَكَرَ: یاد کرد أَدْكُرُ: یاد می‌کنی تَذْكُرُ: یاد می‌کنی تَذْكُرِينَ: یاد می‌کنی

تمرین هفتم:

۱. كَيْفَ حَالِكَ؟ كَيْفَ حَالِكَ؟ پاسخ: أَنَا بِخَيْرٍ.
۲. مَا اسْمُكَ؟ مَا اسْمُكَ؟ پاسخ: اسْمِي
۳. مَنْ أَنْتَ؟ مَنْ أَنْتَ؟ پاسخ: أَنَا طَالِبٌ. یا أَنَا مُصْطَفَى. (مذکر) أَنَا طَالِبَةٌ. یا أَنَا مَرْيَمُ. (مؤنث)
۴. أَيْنَ أَنْتَ؟ أَيْنَ أَنْتَ؟ پاسخ: أَنَا فِي الْمَدْرَسَةِ. یا أَنَا فِي الْبَيْتِ. یا ...
۵. هَلْ أَنْتَ مِنْ كَرَج؟ هَلْ أَنْتَ مِنْ كَرَج؟ پاسخ: لا؛ أَنَا مِنْ كَرْمَانشَاه. یا نَعَمْ؛ أَنَا مِنْ كَرَج.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ.^۱

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت، دانش است.

الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ.^۲

دانش، از عبادت بهتر است.

زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ.^۳

زکات دانش، پخش آن است.

مَنْ سَأَلَ؛ عَلِمَ.

هرکس بپرسد، یاد می‌گیرد. هرکس بپرسد، می‌داند. هرکس پرسید، دانست.

مَنْ كَتَمَ عِلْمًا؛ فَكَانَهُ جَاهِلًا.^۴

هرکس دانشی را پنهان کند؛ گویی که او نادان است.

هرکس علمی را پنهان کرد؛ گویی که او نادان است.

حدیث اول و دوم از پیامبر اسلام ﷺ و حدیث سوم تا پنجم از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

۱- کنز العمال : ۲۸۸۰۳

۲- کنز العمال : ۲۸۶۵۷

۳- غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۵۲

۴- بحار الأنوار: ۱۲/۶۷/۲

إيجارُ العُرْفَةِ في كَرْبَلَاءَ

- سَاعَدَكَ اللهُ!

- حَيَّاكَ اللهُ!

- خسته نباشی!

- زنده باشی!

- هَلْ عِنْدَكُمْ عُرْفَةٌ فَارِعَةٌ ذَاتُ ثَلَاثَةِ أَسْرَةٍ؟

- نَعَمْ؛ عِنْدَنَا فِي الطَّابِقِ

الرَّابِعِ.

- آیا اتاق خالی سه تخته دارید؟ آیا اتاق خالی دارای سه تخت دارید؟

- بله؛ در طبقه چهارم داریم.

- أَمَا عِنْدَكُمْ فِي الطَّابِقِ الْأَوَّلِ؟

- لا؛ مَا عِنْدَنَا، لَكِنْ، الْمِصْعَدُ

مَوْجُودٌ.

- آیا در طبقه اول ندارید؟

- نه؛ نداریم، ولی آسانسور

هست.

- حَسَنًا، نُرِيدُ رُؤْيَةَ الْعُرْفَةِ.

- لَا بَأْسَ، هَذَا مِفْتَاحُ الْعُرْفَةِ.

- بسیار خوب (حُب)، می خواهیم اتاق را ببینیم.

- عیبی ندارد. (اشکالی ندارد)

این کلید اتاق است.

توضیح: در برخی هتل‌ها به جای کلید که سبکی قدیمی است کارت (أَلْبِطَاقَةُ) می دهند.

معادل «لا بَأْسَ» در گویش عراقی «مِیْخَالِفُ» (لا يُخَالِفُ) و در عربستان «ما فی مُشْکِلَةٍ» است.

- كَمْ إِيْجَارُهَا؟

- أَمَامَكَ لَوْحَةٌ الْإِيْجَارَاتِ.

- کرایه اش (اجاره اش) چقدر است؟

- تابلوی اجاره‌ها روبه روی تو

است. (روبه روی شماست).

«لوح» به معنای تابلو و تخته است. «لوح» تاء وحدة دارد.

- هَلْ يُمَكِّنُ التَّخْفِيزُ؟

- لا، لِأَنَّ الْأَسْعَارَ مُحَدَّدَةً مِنْ

قِبَلِ الْحُكُومَةِ.

- آیا تخفیف ممکن است؟

- نه؛ زیرا قیمت‌ها از طرف

دولت مشخص است.

سِعْر، قِيَمَةٌ وَ تَمَنُّ هِرْ سَهْ مِتْرَادِفْ اَنْد. تَخْفِيزُ وَ حَصَمٌ نِيْزْ بَا هِمْ مِتْرَادِفْ اَنْد.

- كَمْ لَيْلَةً أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟

- ثَلَاثَةٌ لَيَالٍ.

- چند شب در کربلا هستید؟

- سه شب.

- أَيْنَ بَطَاقَاتُ هُويَاتِكُمْ؟

- هَذِهِ بَطَاقَاتُنَا.

- کارت‌های شناسایی شما کجا هستند؟

- این‌ها کارت‌های ما هستند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «عَرَفَ»: دو معنا دارد: دانست، شناخت. جالب است که در زبان انگلیسی نیز همین‌گونه است و (know) مانند زبان عربی دو معنا دارد.
- ۲ «أَيضاً» به معنای همچنین مصدر از فعل «أَض، يَئِيضُ» و مفعول مطلق (یا حال) است. **أَض: صَارَ** (از افعال ناقصه) مثال: **أَضَ سَوَادُ شَعْرِهِ بَيَاضاً**؛ یعنی سیاهی مویش سفید شد. در گویش حجازی «گمان» مخفّف «گما أَنْ» و در گویش عراقی «هَم» به جای آن به کار می‌رود که کاملاً پیداست از زبان فارسی به گویش عراقی رفته است.
- ۳ «جَعَلَ» به معنای «گذاشت، قرار داد» است. شاید انتقاد شود که بهتر بود دانش‌آموز با فعل «وَضَعَ» آشنا می‌شد، نه فعل «جَعَلَ»؛ امّا فعل «وَضَعَ» معتلّ مثال است و در مضارع آن حرف «واو» حذف می‌شود. از سوی دیگر، این فعل در قرآن، روایات و احادیث کاربرد بسیار دارد. مثال از قرآن که فعل «جَعَلَ» به معنای «وَضَعَ» به کار رفته است:
- ﴿فَلَمَّا دَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ...﴾ یوسف: ۱۵
- پس وقتی او را بردند و هم داستان شدند تا او را در نهانخانه چاه بگذارند.
- در گویش عامیانه به جای آن «خَلَّى» یا «حَطَّ» به کار می‌رود؛ مثال:
- ترجمه «اینجا قرار بده» به عربی فصیح می‌شود «صَغَ هُنَا» یا «إِجْعَلْ هُنَا»؛ امّا به عربی حجازی «حَطَّ هِينَا»، به عربی عراقی «خَلَّى إِهْنَا» و به عربی شامی «خَلَّى هُون» می‌شود.
- ۴ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الحمد: مبتدا؛ لله: خبر شبه جمله یا جار و مجرور و رَبِّ بدل است.
- ۵ «قَدَرَ، يَقْدِرُ» با «اسْتَطَاعَ، يَسْتَطِيعُ» تقریباً هم‌معناست. فعل قَدَرَ به صورت قَدَرَ نیز به کار رفته است.
- ۶ «لِسَان» به معنای «عضو گوشتی داخل دهان»، یا همان «زبان» است. در عربی قدیم «اللِّسَانُ الْعَرَبِيُّ» گفته می‌شد؛ امّا امروزه «اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ» گفته می‌شود. کلمه «لُغَةٌ» واژه جدیدی است که در قرآن و متون قدیم به کار نرفته و از واژه یونانی logo گرفته شده است.
- ۷ «قُرْآن» مصدر از «قَرَأَ، يَقْرَأُ» است. «قُرْآن»، «قِرَاءَةٌ» و «قَرَأَ» هر سه مصدرهای «قَرَأَ» هستند. «قُرْآن» به معنای «خواندن» است که به تدریج اسم خاصّ برای کتاب دینی مسلمانان شده است. با وجود این در قواعد عربی، اغلب آن را معرفه به ال می‌دانند نه عَلم؛ امّا حقیقت این نیست و «القرآن» عَلم بِالْعَلْبَةِ است که پس از گردآوری، عَلم یعنی اسم خاصّ آن شد.

- ۸ «قاموس» که نام کتاب «فیروزآبادی» است در اصل به معنای «دریای ژرف و بزرگ» است؛ اما امروزه به معنای «الْمُعْجَم» و مترادف با آن می‌آید.
- ۹ جمع «اسم» در عربی «أَسْمَاء» است، ولی در فارسی «اسامی» به کار می‌رود.
- ۱۰ «بَنَات» مُلْحَق به جمع مؤنث سالم است. ^۱ (مبادئ العربیة، جلد ۴، صفحه ۸۸، فائده ۱۵۱)
- ۱۱ «ماء» به معنای «آب» و اصل آن «مَوْه»؛ جمع آن «مياه» و «أَمْوَاه»؛ اسم منسوب آن «مائی»، ماوی، ماهی و مصغّر آن «مُویه» است. در گویش عراقی «مای» و در گویش حجازی «مویه» گفته می‌شود.
- ۱۲ «كُرسِي» یعنی «صندلی» و تقریباً با «مَقْعَد» مترادف است. كُرسِي صندلی متحرک و مقعد ثابت است؛ مانند صندلی هواپیما؛ اما این نکته بسیاری اوقات رعایت نمی‌شود. جمع كُرسِي، كُراسِي بر وزن مَفَاعِل و غیرمنصرف است؛ لذا تنوین نمی‌گیرد.
- ۱۳ طَرَقَ الْبَابَ، دَقَّ الْبَابَ و قَرَعَ الْبَابَ هر سه به معنای «در زد» است.
- ۱۴ «تُفَاح» به معنای «سیب» است و «تُفَاحَة» واحد آن به معنای «یک سیب» است. مثنای آن «تُفَاحَاتِن» و جمع «تُفَاحَات» است؛ هر چند طبق قاعده باید «تُفَاحِج» به کار رود؛ اما آنچه به کار می‌رود «تُفَاحَات» است.
- ۱۵ «جَنَّة» به معنای «باغ، باغ بهشت» است که با «جَنین» و «جَن» هم‌خانواده است. سه حرف اصلی «ج، ن، ن» بر پوشیدگی دلالت دارد. وجه تسمیه «جَن» در فرهنگ عرب این است که موجودی ناپیدا و نادیدنی و پوشیده از چشمان است. جمع «جَنَّة»، «جِنان» و «جَنَات» است. «جَنَّة» باغی است که از سایه درختان بسیار، زمین را پوشانده شده است.
- ۱۶ «نَجَح» به معنای «موفق شد، پیروز شد، قبول شد» است. «النَّاجِحُ فِي الامْتِحَانِ»؛ یعنی «قبول در امتحان» و در مقابل آن «الرَّاسِبُ فِي الامْتِحَانِ»؛ یعنی «مردود در امتحان». اما «فَائِز» که از «فاز» گرفته شده است، به معنای «بَرَنده» یا «رستگار» است. گاهی برخی دانش‌آموزان معنای «نَجَح» را با «قَبِل» اشتباه می‌گیرند. «قَبِلَ» یعنی قبول کرد، پذیرفت.
- ۱۷ «كَتَمَ» دو مفعولی است. «كَتَمَ صَدِيقَهُ الْكَلَامَ»؛ یعنی «آن سخن را از دوستش پنهان کرد». كَتَمَ - كِتْمَانًا. كَتَمَ و أَحْفَى مترادف‌اند.
- كَتَمَ با حرف جَرِّ مِنْ نیز می‌تواند بیاید؛ مثال:
- كَتَمَ مِنْ صَدِيقِهِ الْكَلَامَ.

۱- دیده شده که متأسفانه برخی از همکاران به تقلید از کتاب‌های غیر استاندارد نوع جمع کلماتی مانند: أخوات، بنات، سماوات، بنین، ظلمات و ... را از دانش‌آموز می‌خواهند که مطلقاً کار درستی نیست.

۱۸ دو جمله «سَاعَدَكَ اللهُ» و «حَيَّاكَ اللهُ» دو فعل دعایی دارند که در آنها فعل ماضی برای دعا به کار رفته است.

۱۹ «عِنْدَكُمْ، لَدَيْكُمْ و لَكُمْ» هر سه می‌تواند به معنای «دارید» باشند.

۲۰ واژه «فَارِغ» به معنای «خالی» در عربستان «فاضي» گفته می‌شود.

۲۱ واژه «طَابِق» در عربستان و برخی کشورهای دیگر «دَوْر» گفته می‌شود که جمع آن «أَدْوَار» است.

۲۲ «حَسَنًا» همان است که در گفتار فارسی در پاسخ به کسی می‌گوییم «حُب».

۲۳ «نُرَيْدُ» در عربستان «نَبِغِي» یا «نَبِغِي» و در کشورهای حوزه خلیج فارس «نَبِي» یا «نِبا» با حذف «غ» و در سوریه «بِدنا» گفته می‌شود.

۲۴ «لَا بَأْسَ»؛ یعنی «اشکالی ندارد، عیبی ندارد» و در گویش عراق «مِيخَالِفُ» می‌گویند که همان «ما يُخَالِفُ» است. در عربستان «مافي مُشْكِلَة» می‌گویند.

۲۵ «تَخْفِيزُ» آن است که در فارسی «تخفیف» می‌گوییم. «خَصَم» نیز به همین معناست.

۲۶ در گویش‌های محلی حوزه خلیج فارس ضمیر «أَنْتُمْ» را «إِنْتُو» می‌گویند؛ برای مثال، در گویش عراق جمله «كَمْ لَيْلَةً أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟» را «چَم لَیْل إِنْتو بَگربله؟» تلفظ می‌کنند.

۲۷ «بِطَاقَة» به صورت «تَذْكِرَة» نیز گفته شده و به بلیت، کارت شناسایی، کارت ویزیت نیز اطلاق شده است.

۲۸ «عُرْفَة» به صورت «حُجْرَة» نیز به کار رفته است. در مصر «أَوْصَة» نیز می‌گویند که از واژه تُرکی «اود» برگرفته شده است.

۲۹ «هَذِهِ» در گویش عربستان، «هاذي» و در عراق «هاي» و در سوریه، «هیده» گفته می‌شود.

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۲۷ کلمهٔ جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمهٔ متن درس
- ۳ درک پیام متن^۱
- ۴ به هنگام ضرورت، استشهاد به حکمت‌های خوانده شده
- ۵ شناخت و ترجمهٔ فعل مضارع اوّل شخص مفرد (متکلم وحده) با توجه به قرائن در جمله
- ۶ شناخت و ترجمهٔ فعل مضارع دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب) با توجه به قرائن

فرایند آموزش درس

متن درس دربارهٔ شغل آینده است. شخصیت‌های متن درس، مذکر است؛ برای جبران در تمرینات به شغل‌های مؤنث توجه شده است، تا تعادل جنسیتی رعایت شود. از نخستین شغل، مهندس کشاورزی معرفی شده است؛ دلیل این کار نیز آشکار است. نقش کشاورزی در پیشرفت هر جامعه بدهی است. در صورتی که دبیر گرامی فرصت و توانمندی لازم داشته باشد، می‌تواند در این باره دقایقی دانش‌آموزان را راهنمایی کند.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس سوم

مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ: شغلت در آینده
 دَخَلَ الْمُدْرَسَ فِي الصَّفِّ وَقَالَ: «دَرَسَ الْيَوْمَ حَوْلَ مِهْنَةِ الْمُسْتَقْبَلِ». فَسَأَلَ أَيَّ مِهْنَةٍ تُحِبُّ؟
 معلّم وارد کلاس شد و گفت: درس امروز دربارهٔ (پیرامون) شغل آینده است سپس پرسید چه درسی (کدام درس) را دوست داری؟

۱- پیام درس توجه به شغل آیندهٔ دانش‌آموز است. توضیحاتی هرچند در حدّ چند دقیقه دربارهٔ آیندهٔ شغلی برای دانش‌آموز سودمند است. حدیث «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ». توجه دانش‌آموز را به این جلب می‌کند که همهٔ شغل‌ها برای جامعه محترم است.

صادق: أَنَا أَحِبُّ الزَّرَاعَةَ. لِأَنَّهَا عَمَلٌ مُهِمٌّ لِيَتَقَدَّمَ الْبِلَادِ. سَوْفَ أَصِيرُ مُهَنْدِسًا زِرَاعِيًّا.
صادق: من کشاورزی را دوست دارم؛ زیرا برای پیشرفت کشور کاری مهم است. من مهندس کشاورزی خواهم شد.

ناصر: أَنَا أَحِبُّ بَيْعَ الْكُتُبِ؛ لِأَنَّ الْكُتُبَ كُنُوزٌ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهَا: «الْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ.»

ناصر: من کتابفروشی (فروختن کتاب) را دوست دارم؛ زیرا کتاب‌ها گنج هستند. فرستاده خدا درباره‌اش گفته است: کتاب‌ها باغ‌های دانشمندان هستند.

قاسم: سَأَصِيرُ مُخْتَرِعًا وَ سَوْفَ أَصْنَعُ جَوَالًا جَدِيدًا.

قاسم: مخترعی خواهم شد و تلفن همراه جدیدی خواهم ساخت.

منصور: أَنَا أَحِبُّ الرِّيَاضَةَ. أَنَا لَاعِبٌ مُمْتَازٌ فِي كُرَّةِ الْقَدَمِ.

منصور: من ورزش را دوست دارم. من در فوتبال بازیکنی ممتاز هستم.

امین: أَنَا أَحِبُّ طِبَّ الْعَيُونِ. سَوْفَ أَصِيرُ طَبِيبًا لِيُخَدِمَةَ النَّاسِ.

امین: من چشم‌پزشکی را دوست دارم. برای خدمت به مردم، پزشک خواهم شد.

الطَّلَابُ ذَكَرُوا أَصْحَابَ الْمِهْنِ كَالْمُدْرَسِ وَالْخَبَّازِ وَالشُّرْطِيَّ وَالْحَلْوَانِيَّ وَالْبَائِعِ وَالْمُمْرِضِ وَالْحَدَّادِ وَغَيْرِهِمْ.

دانش‌آموزان صاحبان شغل‌ها را ذکر کردند؛ مانند: معلم، نانوا، پلیس، شیرینی‌فروش، فروشنده، پرستار، آهنگر و غیر این‌ها.

الْمُدْرَسُ: مَا هُوَ هَدَفُكُمْ مِنْ اِتِّخَابِ الشُّغْلِ؟

معلم: هدفتان از انتخاب شغل چیست؟

عارف: خِدْمَةُ النَّاسِ؛ لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَّا بِحَاجَةٍ إِلَى الْآخَرِينَ.

عارف: خدمت به مردم؛ زیرا هر یک از ما به دیگران نیازمند است.

الْمُدْرَسُ: أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ؟

معلم: کدام شغل مهم است؟

حامد: كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٌ وَالْبِلَادُ بِحَاجَةٍ إِلَى كُلِّ الْمِهْنِ.

حامد: هر شغلی مهم است و کشور به همه شغل‌ها نیازمند است.

الْمُدْرَسُ: عَلَيْنَا بِاحْتِرَامِ كُلِّ الْمِهْنِ.

معلم: باید به همه شغل‌ها احترام بگذاریم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.»

فرستاده (پیامبر) خدا فرموده است: «بهترین مردم کسی است که به دیگران سود برساند.»

ترجمه چند شغل:

خِیَاط: خیاط	آتشنشان: اِطْفَائِي
داروخانه دار: صَيْدَلِي	آرایشگر زنان: مَشَاطَة صَالَة التَّجْمِيل
دانشجو: طَالِب جَامِعِي	آشپز: طَبَّاح
دربان: بَوَّاب	آهنگر: حَدَّاد
دفتردار: كَاتِب	اتوشوی: كَوَّاء
راننده: سَائِق (در سعودی: سَوَّاق)	افسر: ضابط
راهنمای سفر: دَلِيل السَّفَرِ	بازرگان: تاجِر
رفتگر: كَنَّاس	بازنشسته: مُتَقَاعِد
روزنامه نگار: صَحْفِي	باغبان: بُسْتَانِي
سبزی فروش: بَائِع الخُضْرَوَات	برقکش: كَهْرَبَائِي
سپاهی (پاسدار): حَارِس الثُّورَة	بقال: بَقَّال
شغل آزاد: مِهْنَة حُرَّة	پارچه فروش: بَرَّاز
شیرینی فروش: حَلْوَانِي	پاسدار انقلاب اسلامی: حَارِس الثُّورَة الإسلاميَّة
طلافروش: بَائِع الذَّهَب، ذَهَبِيَّاتِي	پرستار: مُمَرِّض
فرش فروش: بَائِع السَّجَاد	پزشک پوست: طَبِيبُ الأَمْرَاضِ الجِلْدِيَّة
فروشنده: بَائِع	پزشک زنان: طَبِيب نِسَائِي، طَبِيبَة نِسَائِيَّة
قصاب: جَزَّار، لَحَام، قَصَّاب	پزشک کودکان: طَبِيبُ الأَطْفَال
کارمند: مُوَطَّف	پزشک گوش و حلق و بینی: طَبِيبُ الأَنْفِ و الأذُنِ
کفّاش: حَدَّاء	و الحَنَجَرَة
لوله کش: سَبَّاک	پزشک: طَبِيب
مجسمه ساز: نَحَّات	پستچی: سَاعِي البَرِيد
مهندس: مِهْنَدِس	پیرایشگر (سلمان): حَلَّاق
میوه فروش: فَاكِهَانِي، بَائِع الفَوَاكِه	تعمیرکار: مُصَلِّح
نانوا: حَبَّاز، قَرَّان	چشم پزشک: طَبِيبُ العُيُون
نَجَّار: نَجَّار	حسابدار: مُحَاسِب
نظافتچی: عَامِلُ التَّنْظِيف	خبرنگار: مُرَاسِل
نظامی: عَسْكَرِي	خلبان: طَيَّار

نقاش (هنرمند): رَسَام

نقاش (رنگ‌کار): صَبَاغ

نگهبان: حَارِس (جمع آن: حُرَّاس)

نوشت‌افزار فروش: قِرطَاسِيّ، بَائِعُ الأَقْلَامِ وَ أَدَوَاتِ الكِتَابَةِ

ورزشکار: رِيَاضِيّ

هنرپیشه: مُمَثِّلٌ، قَتَّان

آموزش تصویری قواعد درس

دانش‌آموز جمله‌های زیر هر تصویر را می‌خواند و با توجه به آن و زیر نظر معلم ترجمه می‌کند. معلم قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های أَفْعَل، تَفْعَل و تَفْعَلِين ارجاع می‌دهد. روش اکتشافی به فهم ساختار، کمک بسیاری می‌کند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد آنچه را از آموزش تصویری قواعد دریافته‌اند توضیح دهند؛ سپس خودش آن را کامل می‌کند.

بدانیم

معادل عربی دو صیغه فعل مضارع اوّل شخص مفرد و دوم شخص مفرد در این درس و درس قبلی تدریس شده و در کنار آن، آموخته‌های دانش‌آموز از سال گذشته تکرار شده است. تبدیل فعل از متکلم به مخاطب از اهداف کتاب نیست. در سایه روان‌خوانی و ترجمه، توانایی تبدیل کردن خود به خود حاصل می‌شود. نه تنها در این درس، بلکه در همه درس‌های کتاب در بخش «بدانیم» ارجاع به تصاویر برای فهم بهتر جملات، شایسته و بایسته است؛ زیرا تصویر به فهم ساختار جملات کمک می‌کند. یکی از شیوه‌های مناسب آموزش زبان، استفاده مناسب از تصویر است.

تمرین‌ها

تمرین اوّل: هدف، تقویت درک مطلب است. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی سخن گفتن است؛ این تمرین در این زمینه به دانش‌آموز کمک می‌کند. ولی در این بخش نباید سخت‌گیری کرد؛ زیرا ساختن جمله از اهداف اصلی کتاب نیست. پاسخ کوتاه در اینجا کافی است.

تمرین دوم: هدف، ترجمه جمله‌های عربی دارای معادل دو صیغه اول شخص مفرد و دوم شخص مفرد از فعل مضارع است. با بهره‌گیری از تصویر، این مطلب را می‌توان به خوبی آموزش داد. دانش‌آموزان را عادت بدهیم که در چنین مواردی به تصویر توجه کنند.

تمرین سوم: همان هدف تمرین دوم در اینجا تکرار شده است با این تفاوت که توانایی تشخیص فعل مضارع در جمله نیز مدنظر است.

تمرین چهارم: هدف، تقویت ذخیره واژگانی دانش‌آموز است. تمرین تصویری، به کتاب درسی جذابیت می‌دهد. هدف ثانویه این تمرین، شاداب‌سازی تمرینات کتاب درسی است.

تمرین پنجم: هدف، تقویت مهارت سخن گفتن به زبان قرآن، یعنی عربی فصیح است. از آنجاکه پاسخگویی نیاز به سرعت عمل دارد؛ لذا شایسته است از دانش‌آموز توقع نداشته باشیم که ظرافت‌های صرفی و نحوی را که نخوانده است رعایت کند. در این بخش تا آخر کتاب، با فراگیر مدارا می‌کنیم. دانش‌آموز معمولی نمی‌تواند بدون اشکال از عهده این مهارت برآید و این کاملاً طبیعی است.

ساختار درس

ساختار درس دوم و سوم، یکی است و آنچه را دانش‌آموز در درس دوم خوانده است دوباره می‌خواند تا یادگیری تثبیت شود.

کَنْزُ الْحِكْمَةِ

هدف، پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. در اینجا دانش‌آموز سخنانی حکیمانه از حضرت علی علیه السلام می‌خواند که همگی درباره عقل است.

تمرینات درس سوم

تمرین اول:

- ۱ قَالَ: أَلَكْتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ.
- ۲ أَلْهَدْفُ خِدْمَةُ النَّاسِ. يَا خِدْمَةُ النَّاسِ.
- ۳ مِهْنَتَكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ. يَا حَوْلَ مِهْنَتِنَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ. يَا مِهْنَةُ الْمُسْتَقْبَلِ.
- ۴ أَصْبِرْ زَارِعًا. يَا زَارِع. يَا هَرِ شُغْلٍ دِيْغَرِي.
- ۵ لَا فَرْقَ. كُلُّ شُغْلٍ مِهْمٌ.

تمرین دوم:

من آشپزم. غذایی خوشمزه می‌پزم. من نجّارم. صندلی‌ای (یک صندلی) چوبی می‌سازم. تو پزشکی کوشا هستی. تو بیماران را به دقّت معاینه می‌کنی. تو کشاورزی کوشایی. تو برنج درو می‌کنی.

تمرین سوم:

- ۱ تو آهنگری. در و پنجره می‌سازی. (درها و پنجره‌ها می‌سازی).
- ۲ من سربازم. پرچم میهنم (وطنم) ایران را بالا می‌برم.
- ۳ من پرستارم. به همه بیماران خدمت می‌کنم.
- ۴ من تو را پند می‌دهم (به تو نصیحت می‌کنم، به تو اندرز می‌دهم) که نزد (پیش) چشم‌پزشک (دکتر چشم) بروی.
- ۵ تو در آزمون‌های (امتحانات) پایان سال موفق خواهی شد. (قبول خواهی شد).

تمرین چهارم:

کاتب، فَلَاحَة، مُمَرِّضَة، مُدَرِّسَة، حَبَّاز، سَائِق، حَيَّاطَة، طَبِيبَة، حَدَّاد، حَلْوَانِي، نَجَّار، طَبَّاحَة

تمرین پنجم:

- ۱ في أَيِّ صَفِّ أَنْتَ (أَنْتِ)؟ پاسخ: في الصَّفِّ الثَّامِنِ يا؛ أنا في الصَّفِّ الثَّامِنِ.
- ۲ من أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟ پاسخ: من طهران. يا؛ أنا من طهران.
- ۳ أَتَعْرِفُ (تَعْرِيفِنَ) اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ؟ پاسخ: نَعَمْ. يا؛ نَعَمْ؛ أَعْرِفُ. يا؛ نَعَمْ؛ أَعْرِفُ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ. يا؛ لا ...
- ۴ كَمْ كِتَاباً في حَقِيبَتِكَ (حَقِيبَتِكَ)؟ پاسخ: ثَلَاثَة. يا؛ ثَلَاثَة كُتُب.
- ۵ أَيْنَ الخَلِيجُ الفَارِسِيّ؟ پاسخ: في جَنُوبِ إِيْران. يا؛ الخَلِيجُ الفَارِسِيّ في جَنُوبِ إِيْران.

كَنْزُ الحِكْمَةِ**۱ الإنسانُ بِعَقْلِهِ.**

انسان به خردش است. انسان به عقلش است. ارزشی آدمی به عقل اوست.

۲ العَقْلُ حَسَامٌ قَاطِعٌ.

خرد، شمشیری بُرنده است. عقل، شمشیری قطع‌کننده است.

۳ اَلْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ.

خرد، نگاه داشتن (نگهداری) تجربه‌هاست. عقل، حفظ تجربه‌هاست.

۴ تَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ.

میوه خرد، کنار آمدن با مردم است. میوه عقل، مدارا کردن با مردم است.

۵ غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.

نهایت خرد، اعتراف به نادانی است.

نقطه پایان خرد، اعتراف به ندانستن است.

نهایت عقل، اعتراف به جهل است.

پژوهش

دانش آموز دومین سالی است که درس عربی دارد. پژوهش خواسته شده، در حد توانایی اوست.

الأربعينيات

الذَّهَابُ إِلَى النَّجْفِ الْأَشْرَفِ (رفتن به نجف اشرف)

- أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى النَّجْفِ. - أَتَذْهَبُ بِالْحَافِلَةِ أَمْ بِسَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ؟

- می‌خواهم به نجف بروم. - آیا با اتوبوس می‌روی، یا با تاکسی؟ آیا به وسیله اتوبوس

می‌روی، یا به وسیله تاکسی؟

- مَوْقِفُ الْحَافِلَاتِ أَمَامَكَ.

- أَذْهَبُ بِالْحَافِلَةِ. - با اتوبوس (به وسیله اتوبوس) می‌روم.

- ایستگاه (توقفگاه) اتوبوس (اتوبوس‌ها) روبه‌رویت

(مقابلت) است.

- مَعَ مَنْ جِئْتَ؟

- جِئْتُ مَعَ أُسْرَتِي وَ أُسْرَةِ عَمِّي وَ خَالِي.

- همراه چه کسی آمدی؟

- همراه خانواده‌ام و خانواده‌

عمو (عمویم) و دایی‌ام آمدم.

- نَصِلْ فِي التَّاسِعَةِ وَالنَّصْفِ.

- در ساعت نه و نیم می‌رسیم.

- مَتَى نَصِلُ إِلَى الْحَرَمِ؟

- کی به حرم می‌رسیم؟

- حَضَرْتُ لِأَوَّلِ مَرَّةٍ.

- چندبار (چند دفعه) در راهپیمایی اربعین حضور یافته‌ای؟ (حاضر شدی) - برای نخستین بار حضور یافته‌ام. (حاضر شده‌ام)

- لَا أَدْرِي مَا وَادِي السَّلَامِ؟

- به تو اندرز می‌دهم (تو را نصیحت می‌کنم) که به وادی السلام بروی. - نمی‌دانم وادی السلام چیست؟

- مِنْ أَكْبَرِ مَقَابِرِ الْعَالَمِ فِيهَا مَرَاقِدُ بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ.

- از بزرگ‌ترین گورستان‌های (مقبره‌های) جهان است در آن آرامگاه‌های (مرقد‌های) برخی از پیامبران هست. (وجود دارد)

- هُوَ دَوْصَالِحٌ (عَلَيْهِمَا السَّلَام).

- أَيُّ نَبِيٍّ مَدْفُونٍ هُنَاكَ؟

کدام پیامبر در آنجا دفن شده است؟ (مدفون است، به خاک سپرده شده است).

ارزشیابی

هرچه در درس‌های پیشین درباره شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد، در این درس نیز مصداق دارد. افزون بر آن، از آنجا که متن درس، گفت‌وگو میان معلم و چند تن از دانش‌آموزان است؛ لذا چند نفر می‌توانند درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند. این فعالیت می‌تواند بخشی از نمره مستمر دانش‌آموزان را تشکیل دهد. انجام این فعالیت، افزون بر زیباسازی، شادابی و تحرک در کلاس، موجب تقویت رفتار بهینه اجتماعی در فراگیر می‌شود.

وسایل کمک آموزشی

در این درس نیز استفاده از کتاب گویا، نرم‌افزار، پرده‌نگار (پاورپوینت)، اینفوگراف، کلیپ آموزشی، پوستر، پادکست و اسلاید توصیه می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

- ۱ «آخِر» بر وزن «أَفْعَل» در اصل «أَخْر» بوده و مؤنث آن «أُخْرِي» به معنای «دیگر» است.
- ۲ «أَحَبُّ» بر وزن «أَفْعَل» از باب «إِفعال» و در اصل «أَحَبَّب» بوده که دو حرف «ب» با هم ادغام شده‌اند. مصدر آن «إِحباب» است که به جای آن «حُبُّ» به کار می‌رود.
- ۳ چهار کلمه «مِهْنَةٌ»، «عَمَلٌ»، «حِرْقَةٌ» و «شُغْلٌ» تقریباً هم‌معنا هستند؛ مثال:
ما هُوَ عَمَلُكَ؟، ما هِيَ مِهْنَتُكَ؟، ما هِيَ حِرْفَتُكَ؟، ما هُوَ شُغْلُكَ؟
- ۴ «بَيْع» مصدر از «بَاعَ - يَبِيعُ» است.
- ۵ «بَلَدٌ» به معنای «شهر» و جمع آن «بُلدان» و «بِلاد» است.
- ۶ «حَلْوَانِي» به معنای «شیرینی‌فروش» است که در فارسی «قناد» می‌گوییم.^۱
- ۷ «حُبْزٌ» نان و واحد آن «حُبْزَةٌ» است. «رَغِيفٌ» نیز نان است.^۲
- ۸ «سَبٌّ» و «سَوْفٌ» دو حرف استقبال هستند که بر سر فعل مضارع می‌آیند. مشهور است که «سَبٌّ» برای آینده نزدیک و «سَوْفٌ» برای آینده دور است؛ اما این نکته قطعی و دقیق نیست.
ترجمه آیه ﴿كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ این است:
نه چنین است، به زودی آگاه می‌شوید.^۳ سپس نه چنین است. به زودی آگاه می‌شوید.
در قرآن ﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ نیز آمده است. سوف تعلمون را می‌توان به دو صورت معنا کرد:
به زودی می‌دانید، خواهید دانست.

۱- هر چند قناد بر وزن فَعَال است؛ اما عربی نیست. در زبان عربی واژه «قند» نیز وجود ندارد. عرب‌ها اغلب چای را با قند نمی‌نوشند. اصولاً حتی واژه «قند» نیز بی‌جهت معرب شده است. اصل کلمه «قند»، «گند» است. مانند: کندو در کندوی عسل. احتمال دارد نام شهر «گندوله» در نزدیکی «میان‌راهان» در استان کرمانشاه و نیز واژه candy در انگلیسی به معنای «آب نبات» از «کند» گرفته شده باشد. شاید واژه Candida در انگلیسی نیز از همین ریشه باشد. بدین جهت که نامزدهای انتخابات در گذشته در غرب، جامه‌ای به سفیدی قند می‌پوشیدند.

«حَلْوَاءٌ» یا «حَلْوَى» هر خوردنی‌ای است که با شکر، یا عسل ساخته شود. «حَلْوَانِي» از این ریشه است.
۲- در عامیانه «حُبْزٌ» و گاهی «حَبِزٌ» و در گویش مصری «عَيْشٌ» گفته می‌شود. گونه‌ای نان که شبیه نان ساندویچی است در عراق و سوریه «صَمُونٌ» و در عربستان «صامولی» گفته می‌شود.

۳- ترجمه فولادوند

باز هم نه چنین است، زودا که بدانید.

ترجمه مجتبیوی

باز چنین نیست [که می‌پندارید]، به‌زودی خواهید دانست.

ترجمه مشکینی

آری چنین نیست، به‌زودی (در روز جزا) خواهید دانست.

ترجمه بهرام پور

باز چنین نیست، [که می‌پندارید] به زودی خواهید دانست.

۹ ریشه نامگذاری (وجه تسمیه) «شُرطَة» چیست؟ نخستین کسی که نام شُرطَة را بر دستگاه امنیتی نهاد خلیفه اموی «عبدالملک بن مروان» بود. در روزگار وی برای نخستین بار در نظام حکومتی دستگاه امنیتی «شُرطَة» بنیان نهاده شد و مأموران امنیتی را با گذاشتن نواری پارچه‌ای که در عربی به آن «شَرِیط» می‌گویند از عامه مردم متمایز می‌کردند و به دلیل همین نوار پارچه‌ای به آنها شُرطَة گفتند. ضمناً «شُرطِی» به معنای «یک پلیس» و «شُرطَة» به معنای «مرکز پلیس» است.^۱

۱۰ واژه «عَین» معانی بسیار دارد؛ مانند:

چشم، چشمه، خورشید، پرتو خورشید، ساکنان شهر، اهل خانه، ارزنده، نفیس، عزت، پرچم، دیده‌بان، جاسوس، رئیس لشکر، پیشرو سپاه، بزرگ قوم، سرور، آقا، برگزیده چیزی، گروه، ثروت، چشم زخم، انسان، مانند، ذات هر چیزی، نگهبان و ... اما امروزه دو معنای چشم و چشمه غلبه دارد.

۱۱ فرهنگستان زبان عربی برای ورزش‌های گوناگون معادل‌های عربی برگزیده است؛ مثال: كِرَّةُ الْقَدَمِ: فوتبال / كِرَّةُ السَّلَّةِ: بسکتبال / الكِرَّةُ الطَّائِرَةُ (كرة الطائرة): والیبال / كِرَّةُ الْمَاءِ: واترپلو / كِرَّةُ الْيَدِ: هندبال و ...

۱۲ واژه «مُمرِّض» اسم فاعل از فعل «مَرَّضَ» است. «مَرَّضَ» دو معنای متضاد با هم دارد.

«مَرَّضَهُ»؛ یعنی «او را بیمار کرد.»، «از او پرستاری کرد.»

گاهی فعل باب تفعلیل معنای عکس دارد؛ مانند دو کلمه افراط و تفریط که تفریط عکس معنای افراط است.

۱۳ واژه «مَوْطَف» از ریشه «وَضِيفَة» است. وَضِيفَة؛ یعنی استخدام. مَوْطَف؛ یعنی استخدام شده (مستخدَم) ما در زبان فارسی به غلط، کلمه مستخدَم را مستخدِم به کسر دال تلفظ می‌کنیم.

۱۴ «مُهَنْدِس» از ریشه «هَنْدَسَة» است.

هَنْدَسَة از واژه فارسی «آندازه» گرفته و معرَّب شده است. (منبع: المنجد ذیل کلمه هندسة)

۱۵ واژه «عَقْل» در لغت به معنای «بستن» و هم‌خانواده با «عقال» است. عَقْلَ الْبَعِیرِ؛ یعنی زانوی شتر را بست. عَقْلٌ عَقْلًا. گویی که عقل آدمی را مقید می‌کند که برخی کارها را انجام ندهد.^۲

۱۶ واژه «حَافِلَة» در عامیانه «باص» گفته می‌شود و جمع آن «باصات» است.

۱۷ مَحَطَّة و مَوْقِف هر دو به معنای ایستگاه هستند.

۱- إِنْ أَوْلَ مَنْ أَطْلَقَ اسْمَ الشُّرْطَةِ عَلَى الْجِهَازِ الْأَمْنِيِّ هُوَ الْخَلِيفَةُ الْأُمَوِيُّ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ حَيْثُ تَمَّ فِي عَهْدِهِ إِتْشَاءُ الْجِهَازِ الْأَمْنِيِّ (الشُّرْطَةُ) لِأَوَّلِ مَرَّةٍ فِي نِظَامِ الدَّوْلَةِ وَفَد تَقَرَّرَ تَمْيِيزُ رِجَالِ الْأَمْنِ عَنِ عَامَّةِ النَّاسِ بِوَضْعِ عَلَامَةٍ خَاصَةٍ مِنْ شَرِيطٍ مِنَ الْقِمَاشِ فَوْقَ ثَوْبِ رِجْلِ الْأَمْنِ. (و مِنْ تَمَّ تَسْمِيَتُهُمْ بِرِجَالِ الشُّرْطَةِ لِوُجُودِ هَذَا الشَّرِيطِ مِنَ الْقِمَاشِ).

۲- «عقال» ریسمانی است که با آن ساقی شتر را می‌بندند. (زانوبند شتر) و همچنین نام رشته‌ای پشمی یا ابریشمی است که روی کوفیه (چپیه) بر سر می‌بندند و در عامیانه «عقال» می‌گویند.

۱۸ واژه «آمام» در گویش عامیانه اطراف خلیج فارس «گِدّام» یا «جِدّام» و در کشورهای حوزه مدیترانه «ئِدّام» گفته می‌شود که همان «قُدّام» در فصیح است.

۱۹ حرف لام در «خالی» با تفخیم گفته می‌شود؛ در غیر این صورت، به معنای «تُهی» می‌شود.

۲۰ در گویش عامیانه «عَمّ» را «عَمّو» می‌گویند.

۲۱ در عامیانه «نُصف» را «نُص» می‌گویند.

۲۲ قبرستان وادی السلام (تلفظ نادرست: وادی السّلام، تلفظ درست: وادی السّلام) قبرستانی در شهر نجف عراق است. گفته‌اند این قبرستان جای برگشتن تعدادی از پیامبران و امامان و مؤمنین در روز رجعت است. وادی السلام با مساحتی در حدود ۱۴۸۶ هکتار و با چند ده میلیون درگذشته بزرگترین قبرستان دنیا به‌شمار می‌آید. در روایات آمده است که ارواح مؤمنان در این قبرستان گرد هم می‌آیند و هر مؤمنی که از دنیا برود، در هر جای این قبرستان دفن شود عذاب قبر از او برداشته می‌شود.

وادی السلام از دو واژه «وادی» و «سلام» تشکیل شده است. «وادی» به معنای «درّه» و «سرزمین» و «سلام» از نام‌های خداست و معنای «سلامت» نیز دارد.

علاوه بر قبرهای اهل عراق، قبور مردمانی از ایران، هند، پاکستان، لبنان و دیگر کشورها نیز در وادی السلام دیده می‌شود. در این قبرستان بسیاری از نامداران دفن شده‌اند:

حضرت هود و حضرت صالح (علیهم‌السلام) در ورودی قبرستان قرار دارند.

آیت الله سید محمد باقر صدر، رئیس‌علی دلواری، بنا به روایاتی حضرت لوط و حضرت یحیی (علیهم‌السلام)

الْدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف درس

- ۱ بیان معنای ۲۸ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام متن درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت، استشهدا به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمه فعل مضارع سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب و مفرد مؤنث غایب) با توجه به قرائن در جمله
- ۶ شناخت و ترجمه فعل مضارع اول شخص جمع (متکلم مع‌الغیر) با توجه به قرائن در جمله

فرایند آموزش

نوجوانان داستان دوست دارند. پیام اخلاقی درس والاست و مزین به سخن گهربار پیامبر اسلام ﷺ شده است. متن درس را باید دانش‌آموز قرائت و ترجمه کند و دبیر راهنما باشد. می‌توان هفته پیش از شروع درس، از پنج دانش‌آموز خواست که برای هفته آینده متن درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند. نباید به دانش‌آموزان برای حفظ عبارات متن فشار آورد. هریک از آنان، نقش خود را روی کاغذی می‌نویسند و از روی آن می‌خوانند. یک نفر عهده‌دار نقش راوی داستان، یک نفر مادیان، یک نفر اسب کوچک، یک نفر گاو ماده و یک نفر سنجاب می‌شود. از آنجا که کلمه گاو می‌تواند توهین‌آمیز شود؛ باید معلم در این مورد تدبیری بیندیشد و به دانش‌آموزان تذکر توأم با تحکم دهد تا برای ایفاگر این نقش مشکلی ایجاد نشود.

هماهنگی در ترجمه متن درس

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

ساعتی (زمانی) اندیشیدن از عبادتِ هفتاد سال بهتر است.

(ذکر عدد «هفتاد» کنایه از بسیاری است.)

۱. پیام متن درس دعوت به تفکر است. اگر ما از کسانی راهنمایی بخواهیم، آنها نیز راهنمایی می‌کنند. درباره نظر دیگران نباید زود داوری کنیم. شاید هرکس از دید خودش و با توجه به شرایط خاص خودش نظری دهد و ما را در زندگی و در حل مشکلات راهنمایی کند. ما باید خودمان بیندیشیم. سخن دیگران را بشنویم و بهترین آن را که احتمالاً با شرایط ما نیز سازگار است، بپذیریم.

كَانَ فَرَسٌ صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ. قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ لَوْلَدِهَا:

اسبی کوچک (اسب کوچکی) همراه مادرش در روستایی بود. مادر اسب به پسرش (فرزندش) گفت:

«نَحْنُ نَعِيشُ مَعَ الْإِنْسَانِ وَ نَخْدِمُهُ؛ لِذَا أَطْلُبُ مِنْكَ حَمْلَ هَذِهِ الْحَقِيبَةِ إِلَى الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ.»

ما همراه انسان زندگی و به او خدمت می‌کنیم؛ بنابراین از تو می‌خواهم این خورجین (کیف) را به روستای همسایه (مجاور) ببری. (حمل کنی)

هُوَ يَحْمِلُ الْحَقِيبَةَ وَ يَذْهَبُ إِلَى الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ.

او کیف را برمی‌دارد و به سوی روستای مجاور می‌رود.

فِي طَرِيقِهِ يُشَاهِدُ نَهْرًا. يَخَافُ الْفَرَسُ وَ يَسْأَلُ بَقَرَةً وَاقِفَةً جُنْبَ النَّهْرِ:

در راهش رودی را می‌بیند. اسب می‌ترسد و از گاو ماده‌ای (گاو) ایستاده کنار رود می‌پرسد:

«هَلْ أَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ؟» الْبَقَرَةُ تَقُولُ: «نَعَمْ؛ لَيْسَ النَّهْرُ عَمِيقًا.»

آیا می‌توانم گذر کنم (عبور کنم، رد بشوم)؟» گاو می‌گوید: «آری؛ رود، ژرف (عمیق) نیست.»

يَسْمَعُ سَنَجَابٌ كَلَامَهُمَا وَ يَقُولُ: «لَا؛ أَيُّهَا الْفَرَسُ الصَّغِيرُ، أَنْتِ سَتَغْرُقُ فِي الْمَاءِ، هَذَا النَّهْرُ عَمِيقٌ جِدًّا. عَلَيْكَ بِالرُّجُوعِ. أ تَفْهَمُ؟»

سنجابی سخنشان را می‌شنود و می‌گوید: «نه؛ ای اسب کوچک، تو در آب غرق خواهی شد، این رود، بسیار ژرف (عمیق) است. باید برگردی. (بر تو برگشت لازم است) آیا می‌فهمی؟»

وَلَدُ الْفَرَسِ يَسْمَعُ كَلَامَ الْحَيَوَانِينَ وَ يَقُولُ فِي نَفْسِهِ:

فرزند اسب، سخن آن دو جانور (دو حیوان) را می‌شنود و با خودش می‌گوید:

«مَاذَا أَفْعَلُ يَا إِلَهِي؟!»

چه کنم ای خدای من؟!!

فَيَرْجِعُ إِلَى الْوَالِدَتِهِ وَ يَبْحَثُ عَنِ الْحَلِّ.

پس به سوی مادرش برمی‌گردد و دنبال راه حلی می‌گردد. (راه حلی را جست‌وجو می‌کند)

الْأُمُّ تَسْأَلُهُ: «لِمَاذَا رَجَعْتَ؟»!

مادر از او می‌پرسد: «چرا برگشتی؟»!

يَشْرَحُ الْفَرَسُ الْقِصَّةَ وَ تَسْمَعُ الْأُمُّ كَلَامَهُ. الْأُمُّ تَسْأَلُ وَلَدَهَا:

اسب، داستان را شرح می‌دهد و مادر سخنش (حرفش) را می‌شنود. (مادر به سخن او گوش می‌کند) مادر از فرزندش می‌پرسد:

«مَا هُوَ رَأْيُكَ؟ أ تَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ أَمْ لَا؟ مَنْ يَصْدُقُ؟ وَ مَنْ يَكْذِبُ؟»

«نظرت چیست؟ آیا می‌توانی عبور کنی یا نه؟ چه کسی راست می‌گوید؟ و چه کسی دروغ می‌گوید؟»

ما أَجَابَ الْفَرَسُ الصَّغِيرُ عَنْ سَوَالِهَا ... لَكِنَّهُ قَالَ بَعْدَ دَقِيقَتَيْنِ:

اسب کوچک به سؤالش پاسخ نداد. (جواب نداد) ... ولی پس از دو دقیقه گفت:
«الْبَقْرَةُ تَصَدُقُ وَ السَّنَجَابُ يَصَدُقُ أَيْضًا. الْبَقْرَةُ كَبِيرَةٌ وَالسَّنَجَابُ صَغِيرَةٌ. كُلُّ مِنْهُمَا يَقُولُ رَأْيَهُ.
فَهَمَّتِ الْمَوْضُوعَ».

«گاو راست می‌گوید و سنجاب هم راست می‌گوید. گاو بزرگ و سنجاب کوچک است. هریک از آن دو نظرش را می‌گوید. موضوع را فهمیدم».

يَفْهَمُ الْفَرَسُ الصَّغِيرُ كَلَامَ أُمِّهِ وَ يَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ وَ يُشَاهِدُ الْبَقْرَةَ وَ السَّنَجَابَ مَشْغُولَيْنِ بِالْجَدَلِ.

اسب کوچک، سخن مادرش را می‌فهمد و به‌سوی رود می‌رود و گاو و سنجاب را مشغول بحث می‌بیند.

الْبَقْرَةُ: «أَنَا أَصْدُقُ وَ أَنْتَ تَكْذِبُ».

گاو: «من راست می‌گویم و تو دروغ می‌گویی».

السَّنَجَابُ: «لَا؛ أَنَا أَصْدُقُ وَ أَنْتَ تَكْذِبِينَ».

سنجاب: «نه؛ من راست می‌گویم و تو دروغ می‌گویی».

يَعْبُرُ الْفَرَسُ ذَلِكَ النَّهْرَ بِسَهُولَةٍ ثُمَّ يَرْجِعُ وَ يَفْرَحُ لِلتَّجْرِبَةِ الْجَدِيدَةِ.

اسب، از آن رود به آسانی عبور می‌کند؛ سپس برمی‌گردد و برای تجربه جدید خوشحال می‌شود.

ترجمه این چند جمله برای دانش‌آموز سخت‌تر از بقیه جمله‌هاست:

كان فرس صغير مع أمه في قرية.

اسبی کوچک (اسب کوچکی) همراه مادرش در روستایی بود.

هو يحمل الحقيبة و يذهب إلى القرية المجاورة.

او خورجین (کیف) را برمی‌دارد و به روستای مجاور (همسایه) می‌رود.

يخاف الفرس و يسأل بقرة واقفة جنب النهر: هل أقدر على العبور؟

اسب می‌ترسد و از گاوی ایستاده کنار رودخانه می‌پرسد: آیا می‌توانم عبور کنم؟ (رد بشوم)

عليك بالرجوع.

باید برگردی. (بر تو لازم است برگشتن)

يقول في نفسه.

با خودش می‌گوید.

يبحث عن الحل.

دنبال راه حل می‌گردد.

الأم تسأل ولدّها.

مادر از فرزندش می‌پرسد.

آموزش تصویری قواعد

دانش‌آموز همانند درس پیشین جمله‌های مصوّر را می‌خواند و با توجّه به تصویر و زیر نظر معلّمش ترجمه می‌کند. معلّم قاعدهٔ درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های یفعل، تفعل، نفعل ارجاع می‌دهد. در اینجا روش اکتشافی مورد نظر است. دانش‌آموز عبارت را می‌خواند و معلّم از او می‌خواهد یافته‌های خود را در مورد صیغه‌های فعل توضیح دهد. هر آنچه را معلّم در نظر دارد، دربارهٔ ساخت‌های فعل توضیح دهد از دانش‌آموز می‌پرسد تا دانش‌آموز در این میان، فعّال باشد. از دانش‌آموز می‌خواهیم قبل و بعد از خواندن هر جمله حتماً به تصاویر توجّه کند.

بدانیم

معادل عربی صیغه‌های ماضی و مضارع سوم شخص مفرد و اوّل شخص جمع در این درس تدریس شده است. فعل ماضی فقط برای یادآوری آمده است. هدف این درس فعل مضارع است. از دانش‌آموز می‌خواهیم که به علائم رنگی در مثال‌ها توجّه کند. می‌توانیم از دانش‌آموز بخواهیم تا به صورتی شفاهی چنین فعل‌هایی را ترجمه کند. هو یخرج، هي تدخل، نحن نصبر/ هو يفهم، هي تقطع، نحن نشكر در چنین مواردی درست این است که از کلماتی مانند یعبد، یخرج، یعمل، یذکر و ... استفاده شود که حروف اصلی آنها در زبان فارسی نیز به کار می‌رود. اگر از دانش‌آموز بپرسیم: «يَخْرُجُ» یعنی چه؟ به سادگی پاسخ می‌دهد؛ یعنی «خارج می‌شود»؛ اما اگر بپرسیم: یاكُلُّ یعنی چه؟ سؤال سخت می‌شود و موجب کندی آموزش می‌گردد. این کار فقط در این درس قابلیت اجرا ندارد؛ بلکه در همهٔ کتاب مصداق دارد.

فَنّ ترجمه

دو صیغه مفرد مؤنث غایب (تَفَعَّلَ) و مفرد مذکر مخاطب (تَفَعَّلُ) مثل هم هستند. در اینجا برای اینکه فراگیر به این نکته توجه کند، دو مثال کنار هم آمده‌اند. دو جمله نیز برای تثبیت آموخته او طراح شده است.

خوب است که اجازه دهیم او خودش با روش اکتشافی بتواند نکته بخش «فَنّ ترجمه» را بیابد. تمرینات بخش «فَنّ ترجمه» در تثبیت نکته مذکور در این بخش مؤثرند.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در مهارت درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراح شده است. در اینجا هدف، فقط تشخیص درستی، یا نادرستی هر جمله است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. امکان دارد دانش‌آموزی جمله شماره پنج را نادرست بداند. در این صورت، از او دلیلش را می‌خواهیم. شاید پاسخ دهد: «بار نخست که کَرِه اسب از غرق شدن ترسید و برگشت.» در چنین حالتی پاسخ دانش‌آموز را درست می‌دانیم؛ اما برایش توضیح می‌دهیم که چرا بهتر است این جمله را درست بدانیم؛ زیرا آن کَرِه اسب، سرانجام از رودخانه به آسانی گذشت. مهم این است که قدرت استدلال دانش‌آموز را تقویت کنیم.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به‌خواننده کمک می‌کند، تا ترجمه درستی ارائه دهد. دبیر در تصویر اول و دوم می‌تواند اشاره‌ای به هشت سال جنگ تحمیلی داشته باشد، تا یاد و خاطره آن همواره زنده بماند. تصویر سوم اشاره‌ای به محیط زیست است. می‌توانیم از دانش‌آموز بپرسیم با دیدن این تصویر به یاد چه سخنی می‌افتید؟ (النظافة من الإيمان).

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز در ضمن قرائت باید بتواند فعل مضارع را در جمله تشخیص دهد. جمله دوم درباره قاعده‌ای است که در فنّ ترجمه تدریس شد.

تمرین چهارم: هدف، تقویت توان دانش‌آموز در ترجمه فعل‌های ماضی، مضارع و مستقبل است. در امتحان باید ترجمه فعل را در جمله خواست؛ مثلاً ترجمه «سوف نفتح» در جمله «سوف نفتح باب الحديقة غداً». خواسته شود. در اینجا دانش‌آموز به کمک قرائن ترجمه سوف نفتح را انجام می‌دهد. کلمات «باب» و «غداً» به او کمک می‌کند، تا «سوف نفتح» را درست ترجمه کند. در چنین جمله‌ای، یادگیری و آزمون، همزمان صورت می‌گیرد. هرچند دانش‌آموز باید امتحان دهد؛

اما غیرمستقیم مطالبی نیز می‌آموزد. در مدرسی که دانش‌آموزان براساس معدّل ثبت نام شده‌اند، می‌توان از چنین سوالاتی در امتحان استفاده کرد.

تمرین پنجم: هدف، تشخیص فعل درست است. هرچند از دانش‌آموز نمی‌خواهیم بتواند فعلی را از صیغه‌ای به صیغه‌ای دیگر تبدیل کند؛ اما باید بتواند فعل درست را تشخیص دهد.

تمرین ششم: هدف، تقویت مهارت سخن گفتن به زبان قرآن، یعنی عربی فصیح است. از آنجا که پاسخ‌گویی نیاز به سرعت عمل دارد؛ نباید از دانش‌آموز انتظار داشت، ظرافت‌های پیچیده صرفی و نحوی را که آموزش ندیده است رعایت کند. در این بخش، تا آخر کتاب باید با فراگیر مدارا کرد. دانش‌آموز نمی‌تواند بدون اشکال از عهده این مهارت برآید و این کاملاً طبیعی است.

سخت‌گیری در این تمرین، آسیب جدی به مکالمه وارد خواهد ساخت. شاید با مسامحه بشود دانش‌آموز این پایه را مانند کودکی دانست که دومین سالی است که زبان گشوده است؛ لذا نباید توقع زیادی از او داشت.

کَنْزُ الْحِكْمَةِ

دانش‌آموز احادیثی از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ درباره «آداب سخن» می‌خواند. در اینجا دو کار صورت می‌گیرد: هم مهارت زبانی آموزش داده می‌شود و هم اهداف برنامه درسی ملّی اجرا می‌شود.

ساختار درس

ساختار موضوع درس چهارم آشنایی با معادل دو صیغه سوم شخص مفرد و اول شخص جمع (مفرد مذکر غایب، مفرد مؤنث غایب و متکلم مع الغیر) است.

پژوهش

در هر دو پایه هفتم و هشتم، پژوهش مطابق با توانایی دانش‌آموز تنظیم شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول:

- ۱ طَلَبْتُ أُمَّ الْفَرَسِ مِنْ وَلَدِهَا حَمْلَ حَقِيْبَةٍ مَمْلُوْءَةٍ بِالذَّهَبِ. نادرست
مادر اسب از فرزندش درخواست کرد خورجینی (کیفی) پُر از طلا بردارد. (حمل کند)
- ۲ قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ: «الْبَقْرَةُ كَبِيْرَةٌ وَ السَّنْجَابُ صَغِيْرٌ». درست
مادر اسب گفت: «گاو بزرگ است و سنجاب کوچک».
- ۳ قَالَتْ الْبَقْرَةُ لِلْفَرَسِ: «أَنْتَ تَغْرَقُ فِي النَّهْرِ». نادرست
گاو به اسب گفت: «تو در رود غرق می‌شوی».
- ۴ السَّنْجَابُ وَ الْبَقْرَةُ صَادِقَانِ فِي كَلَامِهِمَا. درست
سنجاب و گاو در سخانشان راستگو هستند.
- ۵ عَبَّرَ الْفَرَسُ النَّهْرَ بِسَهْوَلَةٍ. درست
اسب، به آسانی از رود عبور کرد.

تمرین دوم:

- هَذَا الرَّجُلُ يَغْسِلُ قُبُوْرَ الشُّهَدَاءِ. هَذِهِ الْمَرْأَةُ تَغْسِلُ قُبُوْرَ الشُّهَدَاءِ.
این مرد قبرهای شهیدان را می‌شوید. این زن قبرهای شهیدان را می‌شوید.
- نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْجَبَلِ لِحِفْظِ نَظَافَةِ الطَّبِيْعَةِ.
ما برای حفظ پاکیزگی طبیعت به کوه می‌رویم.

تمرین سوم:

- ۱ و هرکس سپاسگزاری کند، تنها برای خودش سپاسگزاری می‌کند.
- ۲ آیا تو چوب‌ها را جمع می‌کنی یا خواهرت جمع می‌کند؟
- ۳ پدربزرگم از ما کمکی درخواست نکرد (نخواست) و مادربزرگم کمک درخواست می‌کند.
(کمک می‌خواهد)
- ۴ پدرمان در کارخانه کار می‌کند و مادرمان در کتابخانه کار می‌کند.

تمرین چهارم:

پاسخ: مَا قَدَرْتِ: نتوانستی / سَيَسَأَلُ: خواهد پرسید / سَوْفَ تَفْتَحُ: باز خواهیم کرد / تَطْرُقُ: می‌کوبد / سَأَفْهَمُ: خواهم فهمید / تَشْرَبُ: می‌نوشیم

تمرین پنجم:

- ۱ هَلْ تَعْرِفُ ذَلِكَ الْمُدْرَسَ، يَا أُخِي؟ آیا آن معلّم را می‌شناسی، ای برادرم؟
- ۲ أَنْتِ تَذَهَبِينَ إِلَى الْمُخْتَبَرِ وَحَدِّكَ، يَا أُخْتِي؟ آیا تو به تنهایی به آزمایشگاه می‌روی، ای خواهرم؟
- ۳ نَحْنُ ذَهَبْنَا إِلَى الْبُسْتَانِ قَبْلَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. ما سه روز قبل به باغ رفتیم.
- ۴ أَنَا سَوْفَ أَرْجِعُ إِلَى بِلَادِي فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ. من در هفته آینده به کشورم باز خواهم گشت.
- ۵ الْعَاقِلُ يَنْظُرُ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسَارِ؛ ثُمَّ يَعْبُرُ الشَّارِعَ. دانا به راست و چپ نگاه می‌کند؛ سپس از خیابان عبور می‌کند.

تمرین ششم:

- ۱ فِي طَهْرَانَ. يَا بَيْتِي فِي طَهْرَانَ. ۲ كِتَابٌ. يَا فِي يَدِي كِتَابٌ. ۳ عَشْرَةٌ (یا هر عددی دیگر)
- ۴ نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ. (مذکر) نَعَمْ؛ أَعْرِفُهَا. (مؤنث)

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

- ۱ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. ۱ پیامبر اسلام ﷺ هیچ خیری در سخن گفتن نیست، مگر اینکه همراه انجام دادن باشد.
- ۲ السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ. ۲ پیامبر اسلام ﷺ خاموشی طلا و سخن نقره است. سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.
- ۳ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ. ۳ بیشتر گناهان (خطاهای) آدمیزاد (فرزند آدم) در زبانش است.
- ۴ الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. ۴ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ سخن مانند داروست. اندکش سود می‌رساند و بسیارش کُشنده است.
- ۵ غَضَبُ الْجَاهِلِ فِي قَوْلِهِ وَ غَضَبُ الْعَاقِلِ فِي فِعْلِهِ. ۵ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خشم نادان در گفتارش و خشم دانا در کردارش (عملش) است.

۱- «لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ، وَلَا فِي الْمَنْظَرِ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ ... وَلَا فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعَ الصَّحَّةِ، وَلَا فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ؛ در گفتار بی‌کردار، و دیدن بی‌آزمودن ... و زندگی بدون تندرستی، و وطن بی‌امنیت و شادی، خیری نیست.» (مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، جلد ۴، صفحه ۳۶۹)

۲- میزان الحکمة، جلد ۱۰، صفحه ۲۰۱

۳- مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، جلد ۱، صفحه ۲۵۵ إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ وَ مَنْ كَفَّ لِسَانَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ.

بیشتر خطاهای آدمیزاد در زبانش است و هرکس زبانش را نگه دارد، خدا زشتی‌هایش را پنهان می‌کند.

۴- غَرَرُ الْحِكْمِ: ۲۱۸۲

۵- کنز الفوائد: ۱/۱۹۹

الأربعينيات

- جَوَارُ بَيْنَ زَائِرِينَ فِي طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ (گفت وگویی میانِ دو زائر در راهِ کربلا)
- أَنْتَ تَعْرِفُ مَتَى نَصِلُ إِلَى كَرْبَلَاءَ؟
- نَعَمْ؛ بَعْدَ سَاعَةٍ. أَنْتَ جِئْتَ مِنْ إِيْرَانِ؟
- آیا تو می‌دانی کی به کربلا می‌رسیم؟
- آری؛ یک ساعت دیگر. آیا تو از ایران آمده‌ای؟
- نَعَمْ؛ أَنَا مِنْ إِيْرَانِ.
- آری؛ من اهل ایرانم.
- مِنْ مَدِينَةِ قُومٍ. أَنْتَ جِئْتَ إِلَى إِيْرَانِ أَيْضًا؟
- نَعَمْ؛ جِئْتُ مَرَّتَيْنِ إِلَى إِيْرَانِ وَ شَاهَدْتُ الْمُدْنَ الْمُقَدَّسَةَ.
- من اهل قم هستم. آیا تو نیز به ایران آمده‌ای؟
- آری؛ دو بار به ایران آمده‌ام و شهرهای مقدس را دیده‌ام.
- كَيْفَ كَانَتْ سَفَرَتُكُمْ إِلَى إِيْرَانِ؟
- كَانَتْ طَيِّبَةً؛ لِأَنَّ الشَّعْبَ الْإِيْرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.
- سفرتان به ایران چگونه بود؟
- خوب بود؛ زیرا ملّت ایران ملّتی مهمان‌دوست است.
- وَ كَذَلِكَ الشَّعْبُ الْعِرَاقِيُّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.
- وَ هَمَجَنِينَ مَلَّتْ عِرَاقَ مَلَّتِي مَهْمَانِ دُوسْتِ اسْتِ.
- نَعَمْ؛ أَنَا أَمَشِي مِنَ النَّجَفِ إِلَى كَرْبَلَاءَ.
- آری؛ من از نجف به کربلا پیاده می‌روم.
- طُوبَى لِلشَّعْبِ الْعِرَاقِيِّ لِهَذِهِ المِضْيَافَةِ!
- تُو مَهْمَانِ عَزِيْزِمَانِ دُر مَوَكَبِ اِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَرْجِعَ.
- خوشا به حال ملّت عراق به خاطر این مهمانی!
- تو مهمانِ عزیزمان در موكبِ امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ هستی تا وقتی برگردی.
- نَحْنُ فِي خِدْمَةِ الْمُحِبِّينَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- مَادِر خِدْمَتِ دُوسْتِ دَارَانِ اِهْلِ بَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَسْتِيْمِ

ارزشیابی

در مورد ارزشیابی از این درس هرچه در دروس قبلی نوشته شد را در این درس نیز می‌توان اجرا کرد. دانش‌آموز در کلاس کارهایی را انجام می‌دهد و دانش‌آموزی دیگر کارهایش را به‌عربی توضیح

می‌دهد. لازم است قبلاً معلّم، این دو نفر را توجیه کند و کارهای نفر اوّل و جمله‌های نفر دوم را برایشان تعیین کند؛ مثلاً روی کاغذ بنویسد تا آنها با سرعت و دقت و نظم در کلاس پیاده کنند. مثال برای دانش‌آموز پسر. (در کلاس دخترانه مثال‌ها برای مؤنث می‌شود).

هو یفتح الباب. هو یرج من الصف. هو یدخل الصف. هو یجلس علی الكرسي. هو یدهب إلی اللوح. هو یکتب علی اللوح. هو ینظر إلی ساحة المدرسة. هو یسمع صوتاً. هو یقرأ الدرس. هو یلعب بالكرة. هو یرفع حقیبته. هو یشرب الماء. هو یضرب علی المنضدة.

دانش‌آموز هنرمند دارای استعداد هنرپیشگی، می‌تواند نقش پسر و دختر را همزمان اجرا کند؛ اما به دلیل مشکلات احتمالی انجام این کار توصیه نمی‌شود. همین کارها را دانش‌آموزان در گروه‌های دو و سه نفره را نیز می‌توانند اجرا کنند، تا سایر ساخت‌های فعل را نمایش دهند. طبیعی است در مدارس روستایی کم‌جمعیت می‌توان این روش را بدون مشکل اجرا کرد.

وسایل کمک آموزشی

هرچه در درس‌های پیشین دربارهٔ وسایل کمک آموزشی گفته شد، در اینجا نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «ابن آدم» در فارسی به صورت جمع «بنی آدم» به کار می‌رود. «آدم» نیز واژه‌ای عبری و غیرمنصرف است.
- ۲ «أسرة» و «عائلة» مترادف و جمع آنها «أسر» و «عوائل» است.
- ۳ در گویش عامیانه به جای «حَمَل - یَحْمِل» از «شَال - یُشِیل» استفاده می‌شود. هرچند «شال-یشیل» عامیانه است، ولی در فرهنگ لغت جزء کلمات فصیح آمده است؛ مثال: به جای «إِحْمِلِ الْحَقِیْبَةَ». در گویش حجازی گفته می‌شود: «شیل السَّنَطَةَ».
- ۴ در زبان فارسی «خطایا» به معنای «اشتباهات» است؛ ولی در فرهنگ لغت عربی «گناهان» معنا شده است.
- ۵ در گویش عامیانه به جای «شَاهِد - یشاهد» از «شاف - یشوف» استفاده می‌شود. هرچند «شاف - یشوف» عامیانه است، ولی در فرهنگ لغت آمده است؛ مثال: به جای «أَنْظُرُ مَاذَا یَفْعَلُ». در گویش حجازی گفته می‌شود: «شوفُ إیش یُسَوِّی».
- ۶ «طَعَام» و «غِذاء» هر دو به معنای «خوراک» هستند؛ ولی در زبان فارسی کلمه «غذاء» بیشتر به کار می‌رود که به صورت غَدَا خوانده و نوشته می‌شود.

- ۷ «فَرَس» به معنای اسب نر و ماده و جمع آن أَفْرَاس و فُرُوس است.
- ۸ «قَادِم»، «مُقْبِل»، «مُسْتَقْبِل» و «آتِي (آتٍ)» مترادف و به معنای آینده هستند؛ مثال:
الشهر القادم؛ یعنی ماه آینده.^۱
- ۹ «كَذَبَ» مفتوح العین است. اما در برخی از فرهنگ‌های لغت به صورت «كَذِبَ» به کار رفته است و اغلب نیز كَذِبَ به کار می‌رود. در کتاب درسی شکل درست آن به کار رفته است.
- ۱۰ جمع «نَفْس»، «أَنْفُس» و «نُفُوس» و جمع «نَفَس»، «أَنْفَاس» است.
- ۱۱ «نَهْر» به معنای «رودخانه» به صورت «نَهْر» نیز درست است. در قرآن آمده است:
﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾
- ۱۲ اغلب «بَقْرَة» را «گاو ماده» معنا می‌کنند؛ اما «البَقَر» مطلق گاو و جمع آن أَبْقَر و أَبْقَار و واحدش بَقْرَة است. جمع بقرة، بقرات است.
- ۱۳ «الشَّعْبُ الْإِيرَانِيُّ» ترکیب وصفی است، ولی در ترجمه به فارسی ترکیب اضافی می‌شود.
(مَلَّتْ إیران)
- ۱۴ جمع «دَوَاء» می‌شود «أَدْوِيَة»؛ اما «أَدْوِيَة» در فارسی به معنای «ادویه‌جات» است و با کاربرد عربی آن فرق دارد. در زبان عربی معادل «ادویه‌جات» واژه «بَهَارَات» است. در حقیقت، کلمات عربی بسیاری در زبان فارسی به کار می‌رود که در خود زبان عربی معنای دیگری دارند؛ مثال:
- أُخْت: خواهر (در فارسی صمیمی)، عُنُق: گردن (در فارسی اخمو)، مَلَّت: آیین (در فارسی معادل شَعْب)، نَبَات: گیاه (در فارسی گونه‌ای شیرینی)
- کلمات بسیاری نیز در فارسی ریشه عربی دارند؛ بی‌آنکه در عربی کاربردی داشته باشند؛ مثال:
- | | | |
|------------------------------|-----------------------------------|---------------------------------------|
| بین‌المللی: الدُّوَلِيّ | اطلاع ثانوی: إِشْعَارٌ آخَر | روابط عمومی: الْعِلَاقَاتُ الْعَامَّة |
| حیاط: سَاحَة | حیاط خلوت: الْفِنَاءُ الْخَلْفِيّ | عکاس: مُصَوِّر |
| عکس‌العمل: رَدُّ الْفَعْل | علاقه: هَوَايَة | نظامی: عَسْكَرِيّ |
| ظرف: وِعَاء، إِنَاء | شرایط: ظُرُوف | استخدام: تَوْظِيف |
| غیرقابل جبران: لَا يُعَوِّضُ | مصرف: اسْتِهْلَاك | عوارض واردات: رُسُومُ الْاِسْتِيرَاد |
| مستقیماً: مُبَاشَرَةً | مستقیم: عَلَي طُول | |

۱- در گویش عامیانه عربی «جای» به کار می‌رود؛ مثلاً در گویش حجازی «الشَّهْرُ الْجَائِي»؛ یعنی «الشَّهْرُ الْقَادِمُ». «جای» از «جاء» گرفته شده است.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۴ واژه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمه از عربی به فارسی متن درس
- ۳ درک پیام متن^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمه فعل مضارع سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب و مفرد مؤنث غایب) در جمله با توجه به قرائن
- ۶ شناخت و ترجمه فعل مضارع اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) در جمله با توجه به قرائن.

فرایند آموزش

بسیاری از افراد در طول دوره دانش‌آموزی خود خاطره‌ای مشابه داستان درس دارند. دانش‌آموزی به نام اسرین از شهر سنندج به تهران می‌آید. او دو هفته در مدرسه تنها می‌ماند. از شهری آرام به شهری شلوغ پای نهاده است. یکی از هم‌شاگردی‌های او به نام آیلار باب سخن را با او می‌گشاید. به بهانه متن درس گفت‌وگویی تنظیم شده است که در آن، بسیاری از آموخته‌های عربی پایه هفتم تکرار شده است. متن درس، نمونه بسیار خوبی برای آموزش مکالمه است. پرسش‌ها و پاسخ‌های متن درس دانش‌آموز را با گفت‌وگوی عربی آشنا می‌کند.

هماهنگی در ترجمه متن درس

«أَسْرِين» طَالِبَةٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمَتَوَسِّطِ. اسرین دانش‌آموزی در کلاس دوم متوسطه است. هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنَدَج» إِلَى «طهران». او از سنندج به تهران آمد.

۱. پیام متن درس درباره دوستی است. بسیاری از دانش‌آموزان با این امر مواجه‌اند. گاهی در آغاز مهر دانش‌آموزان جدیدی از سایر مدارس به مدرسه‌ای دیگر می‌روند که برخی اوقات از شهری دیگرند و مدتی تنها می‌مانند، تا اینکه به شرایط جدید خو بگیرند. پیام درس پیام دوستی و دوست‌یابی است که در انتهای آن با کلام گهربار حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام مزین شده است.

هِيَ طَالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ بَقِيَتْ مُدَّةَ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةً.

او دانش‌آموزی جدید در مدرسه است و مدت دو هفته تنها ماند.

فِي الْأُسْبُوعِ الثَّلَاثِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَتْ إِلَيْهَا إِحْدَى زَمِيلَاتِهَا بِاسْمِ «آيَلَار» وَ بَدَأَتْ بِالْحِوَارِ مَعَهَا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ.

در هفته سوم در روز شنبه یکی از هم‌کلاسی‌هایش به نام «آیلار» نزد او آمد و در حیاط مدرسه با وی شروع به گفت‌وگو کرد.

الْحِوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ «آيَلَار» وَ «أَسْرِين» (گفت‌وگو میان دو دانش‌آموز «آیلار» و «اسرین»)

- كَيْفَ حَالِكِ؟ - الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟

- حالت چطور است؟ - خدا را سپاس؛ خوبم و تو چطوری؟

- أَنَا يَخَيْرٍ. مَا اسْمُكَ؟ - اِسْمِي أُسْرِين.

- من خویم. نامت چیست؟ - نام من اسرین است.

- اِسْمٌ جَمِيلٌ. مَا مَعْنَاهُ؟ - «أَسْرِين» بِالْكَرْدِيَّةِ يَعْنِي الدَّمْعَ. وَ مَا اسْمُكَ؟

- نام زیبایی است. معنایش چیست؟ - «اسرین» به کردی یعنی «اشک» و نام تو چیست؟

- اِسْمِي آيَلَارُ. - مَا مَعْنَى اسْمِكَ؟

- نام من آیلار است. - معنای نام تو چیست؟

- آيَلَارُ بِالتُّرْكِيَّةِ يَعْنِي الْأَقْمَارَ. - اِسْمٌ جَمِيلٌ جِدًّا وَ مَعْنَاهُ جَمِيلٌ أَيْضًا.

- آیلار به ترکی یعنی «ماه‌ها». - نام بسیار زیبایی است و معنایش هم زیباست.

- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟ - أَنَا مِنْ سَنَدِجَ. أَأَنْتِ مِنْ طَهْرَانَ؟

- از اهل کدام شهری؟ - من اهل سنندج. آیا تو اهل تهرانی؟

- لَا؛ أَنَا مِنْ تَبْرِيْزٍ وَ سَاكِنَةٌ هُنَا. - فَأَنْتِ مِثْلِي أَيْضًا

- خیر؛ من اهل تبریزم و اینجا ساکنم. - پس تو هم مانند منی.

- لِمَاذَا جِئْتُمْ إِلَى طَهْرَانَ؟ - لِأَنَّ وَالِدِي فِي مُهِمَّةٍ إِدَارِيَّةٍ.

- چرا به تهران آمدید؟ - برای اینکه پدرم در مأموریت اداری است.

- كَمْ سَنَةً مُهِمَّةُ وَالِدِكَ؟ - سَنَتَيْنِ.

- مأموریت پدرت چند سال است؟ - دو سال.

- أَيْنَ بَيْتِكَ؟ - فِي سَاحَةِ خُرَّاسَانَ.

- خانه‌ات کجاست؟ - در میدان خراسان.

- عَجَبًا. بَيْتُنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ. - أَوْ تَصَدِّقِينَ؟!

- شگفتا (عجبا). خانه ما در همان مکان است.
 - نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟
 - آری؛ البتّه؛ کی آمدید (آمده‌اید)؟
 - فَتَحْنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ.
 - پس ما همسایه و همکلاسی هستیم.
 - عَجِيبٌ. مَا مِهْنَةُ أَبِيكَ؟
 - عجیب است. شغلِ پدرت چیست؟
 - هَلْ تَأْتِيْنَ إِلَى بَيْتِنَا؟
 - آیا به خانه ما می‌آیید؟
 - مَتَى؟
 - کی؟
 - وَ هَلْ يَأْتِي أَبُوكَ؟ وَ هَلْ تَأْتِي أُمُّكَ؟
 - و آیا پدرت می‌آید؟ و آیا مادرت می‌آید؟
 - آیا راست می‌گویی؟
 - جِئْنَا قَبْلَ شَهْرٍ.
 - ماه گذشته آمدیم.
 - فَكَيْفَ مَا رَأَيْتُكَ حَتَّى الْآنَ؟!
 - چگونه تاکنون تو را ندیده‌ام؟!
 - هُوَ مُهْنِدِسٌ.
 - او مهندس است.
 - بِكُلِّ سُورٍ.
 - با کمال خوشحالی.
 - بَعْدَمَا يَسْمَحُ لِي وَالِدِي وَ تَقْبَلُ
 وَالِدَتِي.
 - پس از اینکه پدرم به من اجازه دهد
 و مادرم بپذیرد. (قبول کند)
 - إِنْ شَاءَ اللَّهُ. سَأَسْأَلُهُمَا.
 - به‌خواستِ خدا (اگر خدا بخواهد،
 ان‌شاء‌الله). از آنها خواهم پرسید.

ترجمه این جملات برای دانش‌آموز از بقیه جمله‌های متن درس پنجم دشوارتر است. بدآت بالحوار معها. شروع کرد به سخن گفتن با او. (شروع به سخن گفتن با او کرد). لأنّ والدي في مهمة إدارية؛ زیرا پدرم در یک مأموریت اداری است. بیتنا في نفس المكان. خانه ما همان مکان است. فنحن جارتان و زميلتان. پس ما همسایه و همشاگردی هستیم. بعدما يسمح لي والدي. بعد از اینکه پدرم به من اجازه بدهد. الغريب من ليس له حبيب. غریب کسی است که دوستی (یاری) ندارد.

آموزش تصویری قواعد

دانش‌آموز جمله‌های مصور را قرائت و با توجه به تصویر و زیر نظر معلم ترجمه می‌کند. معلم قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های یفعل، تفعل، نفعل ارجاع می‌دهد. در حقیقت در این درس، قاعده جدیدی آموزش داده نمی‌شود؛ بلکه هرآنچه را دانش‌آموز در درس قبل آموخته است، دوباره تکرار می‌کند تا آموخته‌ها تثبیت شود. باید به دانش‌آموز تأکید کنیم که همزمان به جمله و تصویر مربوط به آن توجه کند.

فن ترجمه

تاکنون دانش‌آموزان حرف «ما» را در دو کاربرد مشاهده کرده‌اند و با معنای آنها نیز آشنا شده‌اند. در اینجا رسماً به این موضوع اشاره شده که حرف «ما» گاهی برای نفی و گاهی برای استفهام است. برای تثبیت آموخته‌ها نیز تمرین طراحی شده است. در کتاب به اندازه کافی عبارات دارای مای نفی و مای استفهام طراحی شده است.

تمرین‌ها

همه تمرین‌ها را دانش‌آموز قرائت و حل می‌کند.

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است. در اینجا فقط گزینه درست را معلوم می‌کند. از دانش‌آموز می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند تا درست ترجمه کند.

در اینجا تصویر افزون بر زیباسازی کتاب نقش آموزشی نیز دارد.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت کاربرد واژگان است. از دانش‌آموز می‌خواهیم که دلیل ناهماهنگی هر کلمه را در مقایسه با سه کلمه دیگر بیان کند. سؤال امتحان در این بخش، باید چهار گزینه داشته باشد.

تمرین چهارم: هدف، تقویت مهارت کاربرد واژگان است. شناخت کلمات مترادف و متضاد در یادگیری هر زبان نقش مهمی دارد. این کار موجب تقویت آموخته‌های دانش‌آموزان در بخش واژگان می‌شود.

تمرین پنجم: هدف، تکرار آموخته‌های پیشین در زمینه فعل ماضی و مضارع و نیز تثبیت آموخته‌های این درس است.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

دانش آموز، احادیثی از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ درباره علم می‌خواند. در اینجا هم مهارت زبانی آموزش داده می‌شود و هم اهداف «برنامه درسی ملی» اجرا می‌شود. دانش آموز آموزنده دانش است و در این حکمت‌ها جایگاه علم با استفاده از سخنان بزرگان دین تبیین شده است.

ساختار درس

ساختار موضوع درس چهارم و پنجم آشنایی با معادل دو صیغه سوم شخص مفرد و اول شخص جمع (مفرد مذکر غایب، مفرد مؤنث غایب و متکلم مع الغیر) است.

پژوهش و ارزشیابی

پژوهش مطابق با توانایی دانش آموز تنظیم شده است. روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس با درس قبلی یکسان است.

تمرین‌ها

تمرین اول:

- | | | |
|---|--|-------------------------------|
| ۱ | لِمَاذَا جَاءَتْ أُسْرَةُ أُسْرِينَ إِلَى طَهْرَانَ؟ | لِلْمُهَمَّةِ الْإِدَارِيَّةِ |
| ۲ | كَمْ أُسْبُوعًا بَقِيَتْ أُسْرِينَ وَحِيدَةً؟ | أُسْبُوعَيْنِ |
| ۳ | فِي أَيِّ صَفِّ كَانَتْ أُسْرِينَ؟ | فِي الصَّفِّ الثَّانِي |
| ۴ | أَيْنَ بَيْتُ أُسْرِينَ وَ آيَلَارْ؟ | فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ |
| ۵ | هَلْ أُسْرِينَ مِنْ تَبْرِيزْ؟ | لَا؛ هِيَ سَنَدَجِيَّةٌ. |

تمرین دوم:

نَحْنُ نَصْعَدُ الْجَبَلَ. نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى بُيُوتِنَا. ما از کوه بالا می‌رویم. ما به خانه‌هایمان می‌رویم.

تمرین سوم:

دست، چشم، صورت، همسایه	■	يَد	□	عَيْن	□	وَجْه	□	جَار	■
ماهی، میدان یا حیاط، خیابان، راه	□	سَمَكَةٌ	■	سَاحَة	□	شَارِع	□	طَرِيق	□
هفته، نان، ماه، سال	□	أُسْبُوع	□	حُبْز	■	شَهْر	□	سَنَة	□
گاو، اسب، شغل، کلاغ	□	بَقْرَة	□	فَرَس	□	مِهْنَة	■	عُرَاب	□
نَجَار، شیرینی فروش، راننده، ورزش	■	نَجَّار	□	حَلْوَانِي	□	سَائِق	□	رِيَاضَة	■
در، پنجره، نامه، دیوار	□	بَاب	□	نَافِذَة	□	رِسَالَة	■	جِدَار	□
سیب، لبخند، انگور، انار	□	تُفَّاح	□	إِيْتِسَام	■	عَنْب	□	زَمَان	□
نقره، شنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه	□	الْفِضَّة	■	السَّبْت	□	الثَّلَاثَاء	□	الْخَمِيس	□

تمرین چهارم:

مِهْنَة = شُغْل أَتَى = جَاء بَسَاتِين = حَدَائِق قَادِم ≠ مَاضِي بَيْع ≠ شِرَاء يَصْدُقُ ≠ يَكْذِبُ
شَاهِد = رَأَى لَيْل ≠ نَهَار طَيِّب = جَيِّد عَاقِل ≠ جَاهِل كَبِير ≠ صَغِير سَعْر = قِيمَة

تمرین پنجم:

۱ الجَاهِلُ يَكْذِبُ وَ الْعَاقِلُ يَصْدُقُ.

نادان دروغ می‌گوید و دانا راست می‌گوید.

۲ أَنَا ذَهَبْتُ أَمْسٍ وَ أَنْتَ سَوْفَ تَذْهَبُ غَدًا.

من دیروز رفتم و تو فردا خواهی رفت.

۳ يَا زَمِيلِي، مَا هَذَا الْمِصْبَاحُ؟ أَنَا مَا رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ.

ای همکلاسی من، این چراغ چیست؟ من قبلاً آن را ندیده‌ام.

۴ أَنْتِ رَجَعْتِ قَبْلَ سَاعَةٍ وَ نَحْنُ سَنَرْجِعُ بَعْدَ سَاعَةٍ.

تو یک ساعت قبل برگشتی و ما یک ساعت بعد بر خواهیم گشت.

۵ وَالِدَتِي سَتَطْبُخُ طَعَامًا لَذِيذًا وَ نَحْنُ سَوْفَ نَأْكُلُهُ.

مادرم غذایی خوشمزه خواهد پخت و ما آن را خواهیم خورد.

کَنْزُ الْحِكْمَةِ

۱. الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ. ۱ رسول الله ﷺ دانشمندان چراغ‌های زمین هستند.
۲. الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ. رسول الله ﷺ ۲ دانش، گنجینه (گنجینه‌ها) است و کلید آن پرسش است.
۳. إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نَوْرُ الْأَبْصَارِ. ۳ حضرت علی ؑ بی‌گمان دانش زندگی دل‌ها و روشنایی دیده‌هاست. یا قطعاً علم زندگی قلب‌ها و نور دیدگان است.
۴. أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. ۴ رسول الله ﷺ داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش بیفزاید.
۵. الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ. حضرت علی ؑ دانش، بهتر از دارایی (مال) است. دانش از تو نگهداری می‌کند و تو از دارایی نگهداری می‌کنی.

الْأَرْبَعِيَّاتُ

- أَسْعَارُ النَّقُودِ فِي الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ
(قیمت‌های پول در عتبات مقدسه)
- أَرِيدُ تَصْرِيفَ نُقُودِي إِلَى الدِّينَارِ. - أِهْلًا بِكَ، يَا زَائِرًا.
- می‌خواهم پولم (پول‌هایم) را به دینار تبدیل کنم. - خوش آمدی، ای زائر.
- كَيْفَ تَصْرِيفُ النُّقُودِ؟ - الْأَسْعَارُ مَكْتُوبَةٌ عَلَي هَذِهِ اللَّوْحَةِ.
- چگونه پول چگونگی است؟ - قیمت‌ها روی این تابلو نوشته شده است.
- هَلِ الْأَسْعَارُ فِي كُلِّ السُّوقِ وَاحِدَةٌ؟ - بِالتَّكْيِيدِ، الْأَسْعَارُ ثَابِتَةٌ.
- آیا قیمت‌ها در بازار یکی (یکسان) است؟ - البته، قیمت‌ها ثابت است.

۱- الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَخُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَوَرَثَتِي وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.

دانشمندان، چراغ‌های زمین، جانشینان پیامبران، وارثان من و وارثان پیامبران اند. نهج الفصاحة، حکمت ۲۰۱۴

۲- تُحْفُ الْعُقُولِ عَنِ آلِ الرَّسُولِ ﷺ، جلد ۲، صفحه ۴۱

۳- آمالی صدوق، صفحه ۴۹۳، حکمت ۱

۴- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، جلد ۴، صفحه ۳۹۵

۵- نهج البلاغه: حکمت ۱۴۷

- جَوْلَةٌ صَغِيرَةٌ فِي سَوْقِ الصَّرَافِينَ، ثُمَّ أَرْجِعُ. - لا بَأْسَ، أَنْتَ حُرٌّ. أَنَا فِي خِدْمَةِ الزُّوَارِ.

- یک گردش کوچک در بازار صرافان، (کنایه از اینکه در بازار چرخ می‌زنم). سپس بر می‌گردم. - اشکالی ندارد (عیبی ندارد)، تو آزادی. (شما آزادید). من در خدمت زائران هستم.

- بَعْدَ دَقَائِقَ - رَجَعْتُ عِنْدَكَ يَا أَحْيِي. - (پس از چند دقیقه) - أَنَا فِي خِدْمَتِكَ. مَاذَا عِنْدَكَ؟ يُوْرُو أَمْ تُوْمَان؟

- نزد (پیش) خودت برگشتم، ای برادر من. - من در خدمت (در خدمت شما) هستم. چه داری؟ یورو یا تومان؟ - عِنْدِي تُوْمَان. - سَأَقُولُ لَكَ مِقْدَارَ التَّصْرِيفِ. - تُوْمَان دَارِم.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «أتى - یأتی» و «جاء - یجیء» به یک معنا هستند.
- ۲ «إحدى» مؤنث «أحد» است.
- ۳ «أشدد» ادغام «أشدد» بر وزن «أفعل» به معنای «شدیدتر، شدیدترین» است.
- ۴ «جیران» جمع «جار» واژه‌ای عربی است و با نام دخترانه «جیران» فرق دارد. «جیران» ترکی و به معنای «آهو» است.
- ۵ «حبيب، خلیل و صديق» به معنای دوست هستند. امروزه واژه صديق به معنای دوست (رفیق) به کار می‌رود. واژه «حبيب» نیز جنبه عاطفی دارد. خلیل لقب حضرت ابراهیم عليه السلام است.
- ۶ «دمع» به معنای «اشک» و جمع آن «دموع» و «أدمع» است. هرچند «دمع» و «عبرة» مترادف‌اند؛ اما «عبرة» اشکی است که در چشم مانده و نریخته است. جمع «عبرة» نیز «عبرات» است.
- ۷ «زمیل» به این معنای به کار می‌رود: هم‌شاگردی، هم‌کار، هم‌دوره‌ای
- ۸ نام «صفورا» هم‌ریشه با «عصفور» به معنای «گنجشک» است. عصفور عربی و صفورا عبری است.

۹ مصباح و سراج مترادف‌اند.

۱۰ «زُرَافَة» در عربی بدون تشدید راء است، ولی در فارسی «زَرَّافَه» گفته می‌شود.

زُرَافَة به صورت زُرَافَة نیز صحیح است. نام پارسی آن شتر گاوپلنگ بوده است.

۱۱ یَمین، مَیْمَنَة و یُمَنی به معنای «راست» هستند.^۱

۱۲ «موسی» یا «موشی» ترکیب (مو: آب + شا: درخت) است.

آسیه همسر فرعون زمانی که چشمش به سید زیبای روی رود نیل افتاد فریاد زد: «مو شا مو شا»؛ یعنی «آب درخت آب درخت» و سربازان متوجه می‌شوند و سید زیبای شناور روی آب را که ظاهراً به شاخهٔ آویزان درختی گیر کرده بود، از آب در می‌آورند.

نام موسی برگرفته از فریاد آسیه (موشا) است.

۱۳ «عَصَا» به معنای «چوبدستی» مؤنث معنوی مجازی است؛ به همین دلیل در قرآن کریم آمده است:

﴿مَا تَلَكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾

و با اسم اشارهٔ مؤنث «تلك» اشاره شده است.

مثلاً آن «عَصَوَان»، جمع قَلَت «أَعْصِي» و جمع کثرت «عُصِي» است.

۱۴ «نُقُود» به معنای پول در گویش عراقی «فُلُوس» و در سوریه «مَصَارِي» گفته می‌شود.

«مَصَارِي» جمع «مَصْرِيَّة» واحد پول در گذشته بوده است.

۱۵ واژهٔ «آی» در نام «آیلار» در ترکی به معنای «ماه» و پسوند «لار» نشانهٔ جمع است.

واژهٔ «آی» در نام‌های دیگری مانند آیدین، آیناز، آيسان، آیگل، آيسودا نیز وجود دارد.

«آیلار»؛ یعنی آنکه زیباییش مانند چندین ماه است.

۱۶ واژهٔ «أَسْر» در کردی جنوبی به معنای «اشک» است.

در کردی شمالی «فَرْمِيسْک» بدین معناست.

«أَسْرين» کنایه است از «دخترِ زیبا و با عاطفه مانند اشک».

۱- نام بنیامین (بن+یامین) به معنای «پسر دست راست» دارای ریشهٔ عبری است. یامین در بنیامین همان یَمین در عربی است.

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف درس

- ۱ بیان معنای ۲۲ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمه متن درس
- ۳ به هنگام ضرورت استشهاد به احادیث درس
- ۴ شناخت و ترجمه معادل فعل مضارع دوم شخص جمع یعنی جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنای مذکر مخاطب و مثنای مؤنث مخاطب در جمله با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس ماجرای سفر به عتبات^۱ است. هر سال (در شرایط عادی) چند میلیون ایرانی رهسپار عتبات عالیات می‌شوند و همین نشان‌دهنده اهمیت این درس است. در سفر به عتبات اتفاقات بسیاری روی می‌دهد.

از آنجا که گفت‌وگو با پزشک یکی از موضوعات مناسب در مکالمات است؛ لذا در انتهای متن درس گفت‌وگویی با پزشک تنظیم شده است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

فِي السَّفَرِ

سَافَرْتُ أُسْرَةَ السَّيِّدِ فَتَاحِي مِنْ كِرْمَانَ إِلَى الْعِرَاقِ فِي قَافِلَةِ الزُّوَارِ لِزِيَارَةِ الْمُدْنِ الْمُقَدَّسَةِ:
النَّجَفِ الْأَشْرَفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ.

خانواده آقای فتاحی برای زیارت شهرهای مقدس نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرا در کاروان زائران از کرمان به عراق سفر کردند.

هُمْ سَافَرُوا فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى بِالطَّائِرَةِ وَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ بِالْحَافِلَةِ. السَّيِّدُ فَتَاحِي مَوْطَفٌ وَ زَوْجَتُهُ مُمْرَضَةٌ. لِهَذِهِ الْأُسْرَةِ سِتَّةُ أَوْلَادٍ.

آنها در بار نخست با هواپیما و در بار دوم با اتوبوس سفر کردند. آقای فتاحی کارمند و همسرش پرستار است. این خانواده شش فرزند دارد.

۱- عتبات جمع عتبه به معنای آستانه‌هاست. (عتبة: آستانه در)

توضیح اینکه واژه «أولاد» سه معنا دارد: فرزندان، پسران و بچه‌ها

حَوَارٍ بَيْنَ الْأُسْرَةِ (گفت وگویی میان خانواده)

السَّيِّدُ فَتَاحِي: أَيْنَ تَذْهَبُونَ يَا أَوْلَادِي؟

آقای فتاحی: کجا می‌روید، ای پسرانم؟

الأولاد: نَذْهَبُ لِيَزَارَةَ مَرْقَدِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فرزندان (پسران): برای زیارتِ امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌رویم.

السَّيِّدُ فَتَاحِي: أَيْنَ تَذْهَبْنَ يَا بَنَاتِي؟

- الْبَنَاتُ: نَذْهَبُ مَعَ إِخْوَتِنَا لِلزِّيَارَةِ.

آقای فتاحی: ای دخترانم، کجا می‌روید؟ - دخترها: همراه برادرانمان به زیارت می‌رویم.

أَحَدُ الْأَوْلَادِ: أَيْنَ تَذْهَبَانِ يَا أَبِي وَ يَا أُمِّي؟

- الْوَالِدُ: نَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

یکی از پسرها: ای پدر و ای مادرم، کجا می‌روید؟ - پدر: به درمانگاه می‌رویم.

- مِنَ الْمَرِيضِ؟

- أَمْكُمْ تَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ.

- چه کسی بیمار است؟ - مادرتان احساس سردرد می‌کند. (سرش درد می‌کند).

حَوَارٍ فِي الْمُسْتَوْصَفِ (گفت وگویی در درمانگاه)

الطَّبِيبُ: مَا اسْمُ الْمَرِيضِ؟ السَّيِّدُ فَتَاحِي: السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ.

پزشک: نام بیمار چیست؟ آقای فتاحی: خانم فاطمه. (فاطمه خانم)

الطَّبِيبُ: مَا بِكَ يَا سَيِّدَةُ فَاطِمَةُ؟ السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ: أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ.

پزشک: ای خانم فاطمه، تو را چه می‌شود؟ (یعنی ناراحتی شما چیست؟) خانم فاطمه: احساس

سردرد می‌کنم.

- كَمْ عُمْرُكَ؟

- أَرْبَعُونَ سَنَةً.

- چند سال داری؟ (چند ساله هستی؟)

- چهل سال

- أَوْ صَغُطَ الدِّمِّ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضَ السُّكَّرِ؟

- أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ فَقَطْ.

- آیا فشار خون داری یا بیماری قند (دیابت)؟ - فقط احساس سردرد می‌کنم. (سرم درد می‌کند).

- أَكْتَبُ لَكَ وَصْفَةً.

- مَاذَا تَكْتَبُ فِي الْوَصْفَةِ؟

- برایت نسخه (نسخه‌ای) می‌نویسم.

- در نسخه چه می‌نویسی؟

- الْحُبُوبَ الْمَسْكَنَةَ وَ الشَّرَابَ.

- كَيْفَ الْإِسْتِفَادَةَ مِنْهَا؟

- قرص مسکن (قرص‌های مسکن) و شربت. - استفاده از آنها چگونه است؟

- ثَلَاثَةَ حُبُوبٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ: صَبَاحًا وَ ظَهْرًا وَ مَسَاءً

- سه بار در هر روز: بامداد و نیمروز (صبح و ظهر) و بعد از ظهر

و الشَّرَابِ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

و شربت دو بار در هر روز.

ترجمه این جمله‌ها برای دانش آموز دشوارتر است:

ما بِكِ يَا سَيِّدَةَ فَاطِمَةَ؟ تو را چه می‌شود (تو را چه شده؟) خانم فاطمه؟^۱

كَمْ عُمْرُكَ؟: چند سالت است؟ چند سال داری؟ چند ساله هستی؟

كَيْفَ الِاسْتِفَادَةَ مِنْهَا؟: استفاده از آن چگونه است؟

این جمله عمده‌ا به این صورت آمده تا از جمله «كَيْفَ اسْتَفِيدُ مِنْهَا؟»، «كَيْفَ اسْتَعْمَلُهَا؟» پرهیز گردد.

در حقیقت آموزش قدری تسهیل شده است.

آموزش تصویری قواعد

دانش‌آموز جمله‌های مصور را می‌خواند و آنها را با توجه به تصویر و با راهنمایی معلم ترجمه می‌کند.

معلم همچون دروس قبل قاعده درس را با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های تفعّلون، تفعّلن و تفعّلان ارجاع می‌دهد.

دانش‌آموز با شیوه اکتشافی با معادل فعل مضارع دوم شخص جمع فارسی در زبان عربی آشنا می‌شود. فهمیدن مطالب این بخش بسیار آسان است، به‌ویژه اینکه در آموزش فعل مضارع بومی‌سازی شده است و سبک قدیمی یفعل، یفعلان، یفعلون، تفعّل، تفعّلان، یفعلن، تفعّلن ... پس از آموزش بومی‌سازی شده انجام می‌شود، تا یادگیری با دو شیوه تثبیت شود. این سبک بسیار آسان است. دانش‌آموز صرف فعل فارسی را می‌داند حالا به کمک آنچه می‌داند آنچه را نمی‌داند، می‌آموزد. اما با اینکه فهم مطالب آموزشی این بخش آسان است، اما نباید توقع داشته باشیم که فراگیر به سرعت مطلب را بیاموزد.

یادگیری در سایه تمرین و تکرار و تلاش به دست می‌آید.

۱- ما بِكِ؟ همان است که در عامیانه فارسی «چته؟» در عامیانه حجازی «ایش فیک؟» در عامیانه شامی «شو بک؟» و در عامیانه عراق «إش بیک؟» گفته می‌شود.

بدانیم

در یک جدول فعل‌های ماضی را که دانش‌آموز در پایه هفتم خوانده در کنار فعل‌های جدید مضارع می‌خواند. آموخته‌های قبلی در کنار آموزش جدید برای مقایسه قرار می‌گیرد. باز هم هدف آشنایی دانش‌آموز است. او باید فعل‌ها را بشناسد تا بتواند در جمله و به کمک قرائن درست ترجمه کند و هدف این نیست که دانش‌آموز بتواند فعلی را از ماضی مفرد مؤنث مخاطب به صیغه معادل آن در مضارع تبدیل کند.

فَنِّ تَرْجِمَهُ

پیش از این دانش‌آموز با کلمه پرسشی «لماذا» آشنا شده است. در اینجا رسماً آموزش پرسش و پاسخ با این کلمه آغاز شده است. او می‌آموزد برای پاسخ به «لماذا» با «لأنَّ» یا «لِ» شروع کند. این بخش در درک مطلب به دانش‌آموز کمک اساسی می‌کند. پرسش شفاهی از یک دانش‌آموز مستعد می‌تواند در تفهیم موضوع این بخش از درس تأثیرگذار باشد؛ مثال:

لِمَاذَا أَنْتَ هُنَا أَمَامَ الطَّلَابِ؟ لِلتَّمْرِينِ.
لِمَاذَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ لِفَهْمِ كَلَامِ اللَّهِ.
لِمَاذَا تَذْهَبُ إِلَى الْمَسْجِدِ؟ لِلْعِبَادَةِ.

توجه داشته باشیم فعل مضارع در متون معاصر با حرف لا منفی می‌شود؛ اما در قرآن با دو حرف «ما» و «لا» هر دو منفی شده است؛ مثال:

﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ بقره: ۹
﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ﴾ یس: ۶۹
﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ نجم: ۳

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم که هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند

تا درست ترجمه کند. این تمرین و تمرینات مشابه در عین حال که مهارت قرائت و ترجمه را تقویت می‌کند، غیرمستقیم مهارت نحوه سخن گفتن را آموزش می‌دهد.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت قرائت و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند ضمن ترجمه جملات، فعل مضارع را در جمله تشخیص دهد.

تمرین چهارم: هدف، تشخیص فعل مضارع درست است. هرچند تبدیل و ساختن صیغه‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مدّ نظر است.

تمرین پنجم: هدف، تقویت قدرت ترجمه افعال ماضی و مضارع است. همان‌گونه که قبلاً تذکر داده شد، در امتحان از طرح سؤال شبیه به این تمرین خودداری شود. این تمرین صرفاً برای تقویت دانش‌آموز است. ترجمه فعل باید در جمله و به کمک قرائن صورت گیرد.

تمرین ششم: هدف، تقویت مهارت سخن گفتن است. در درس قبلی نیز تذکر داده شد از آنجاکه پاسخ‌گویی شفاهی نیاز به سرعت عمل دارد؛ نباید از دانش‌آموز بخواهیم ظرایف صرفی و نحوی را رعایت کند.

در این بخش، تا پایان کتاب باید با فراگیر مدارا کرد. او کم کم و در سایه حمایت و تشویق معلّم می‌تواند این مهارت ارزشمند را حاصل کند.

ساختار درس

ساختار درس ششم، آشنایی با معادل فعل مضارع صیغه دوم شخص جمع است. برای اینکه دانش‌آموز تکلیف خود را بداند در جدول معلوم شده است که سایر ساخت‌ها در کدام درس‌ها آموزش داده می‌شود.

نورُ السَّمَاءِ

دانش‌آموز آیاتی چند از قرآن مجید را مطابق با ساختارهای خوانده شده تلاوت و ترجمه می‌کند. آیات نوشته شده در کتاب عربی هفتم و هشتم مطابق با ساختارها و کلمات خوانده شده است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

از دو یا سه دانش‌آموز انجام چند کار را درخواست می‌کنیم. دانش‌آموزی دیگر خطاب به آنان می‌گوید که در حال انجام چه کاری هستند؛ مثال:

دو دانش آموز میز معلم را جابه جا می کنند. دانش آموز سوم خطاب به آنها می گوید: أَنْتُمَا تَحْمِلَانِ الْمِنْصَدَةَ.

سه دانش آموز وارد کلاس می شوند و دانش آموز چهارم خطاب به آنها می گوید: أَنْتُمْ تَدْخُلُونَ الصَّفَّ. می توانیم برای این آموزش، پاورپوینت یا کلیپ های کوتاهی تهیه کنیم و مفاهیم مطلوب را به کمک آنها بهتر آموزش دهیم؛ مثلاً از چند دانش آموز فیلمی چند ثانیه ای گرفته می شود که در حال بازی فوتبال هستند و در پایان، به مدت دو ثانیه این جمله ظاهر می شود: أَنْتُمْ تَلْعَبُونَ كُرَّةَ الْقَدَمِ. وسایل کمک آموزشی این درس، همانند دروس قبلی است.

تمرین ها

تمرین اول:

- ۱ ما كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلسَيِّدَةِ فاطِمَةَ حُبُوباً فِي الوَصْفَةِ. غلط
- ۲ سافرتُ أُسْرَةَ السَّيِّدِ فَتَّاحِي إِلَى العِرَاقِ. صحيح
- ۳ السَّيِّدَةُ فاطِمَةُ فِي سِنِّ السَّبْعِينَ. غلط
- ۴ هَذِهِ الأُسْرَةُ مِنْ إِيْرانِشهر. غلط
- ۵ السَّيِّدُ فَتَّاحِي حَدَادٌ؟ غلط

تمرین دوم:

- كجا می روید؟ - بالای کوه می رویم.
- آينَ تَذْهَبُونَ؟ - نَذْهَبُ فَوْقَ الجَبَلِ.
- چه بازی می کنید؟ - پینگ پنگ (تنیس روی میز)
- ماذا تَلْعَبْنَ؟ - نَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْصَدَةِ.
- بازی می کنیم.
- يا بنتانِ، ماذا تَفْعَلانِ؟
- نَأْخُذُ كِتَابَيْنِ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.
- ای دو دختر (ای دخترها)، چه می کنید؟
- دو کتاب از کتابخانه بر می داریم. (می گیریم، می بریم)
- يا وَلدانِ، اِلَى اَيْنَ سَتَذْهَبانِ؟
- نَسْتَذْهَبُ اِلَى النَّهْرِ بَعْدَ الدَّقائِقِ.
- ای دو پسر (پسرها)، به کجا خواهید رفت؟
- چند دقیقه بعد به رودخانه خواهیم رفت.

تمرین سوم:

- ۱ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰) یا امر
بی گمان (قطعاً) خدا به دادگری (عدالت) و نیکی (نیکوکاری) فرمان می‌دهد.
- ۲ ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ (واقعه: ۶۹) تشربون
آیا آبی را که می‌نوشید دیدید؟ (دیده‌اید)
- ۳ ﴿أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ (واقعه: ۵۹) تخلقون
آیا شما آن را می‌آفرینید یا ما آفریننده‌ایم؟
- ۴ أَيُّهَا الْفَلَاحُونَ، أَلَا تَجْمَعُونَ الْفَوَاكِهِ لِلْبَيْعِ؟ تجمعون
ای کشاورزان، آیا میوه‌ها را برای فروش جمع نمی‌کنید؟
- ۵ يَا زَمِيلَاتِي، إِلَىٰ أَيْنَ تَذْهَبِينَ بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ؟ تذهبن
ای همکلاسی‌هایم، دو هفته بعد کجا می‌روید؟

تمرین چهارم:

عَسَلْتُمْ، تَطْبُخَانِ، أَبَحْتُمْ، نَفَهْتُمْ، نَذَهَبْ

تمرین پنجم:

دروغ نمی‌گویید، پشیمان نمی‌شوم، غمگین نمی‌شوی، شرح ندادید، خدمت نمی‌کنید، رحم می‌کنید، کار خواهیم کرد، شاد می‌شوی

تمرین ششم:

- ۱ مَرَّةً وَاحِدَةً، يَا مَرَّتَيْنِ. يَا سَافَرْتُ مَرَّةً وَاحِدَةً. يَا سَافَرْتُ مَرَّتَيْنِ. یا ما سَافَرْتُ.
- ۲ لِلزَّيَارَةِ. يَا لَزِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ. يَا أَذْهَبُ لِلزَّيَارَةِ. يَا أَذْهَبُ لَزِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ.
- ۳ نَعَمْ؛ أَعْرِفُ. يَا نَعَمْ؛ أَعْرِفُ قَلِيلاً.
- ۴ أَرْبَعَةَ. يَا عَدَدُ أَفْرَادِ أُسْرَتِي أَرْبَعَةَ.
- ۵ كُتُبٌ. يَا فِي حَقِيبَتِي كُتُبٌ. یا ...

نور السَّمَاءِ

- ۱ ﴿وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ الْغَيْبِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ﴾ (أنعام: ۵۰)
و نمی‌گویم گنجینه‌های غیب نزد من است و غیب نمی‌دانم.
- ۲ ﴿يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۳۵)
خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند و خدا به هر چیزی داناست.
- ۳ ﴿وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۱۶)
و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

الْقُرْآنِيَّاتِ

- ۱ مَن هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي جَاءَ اسْمُهَا فِي الْقُرْآنِ؟ وَ كَمَ مَرَّةً جَاءَ اسْمُهَا؟
- هِيَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، جَاءَ اسْمُهَا فِي الْقُرْآنِ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً.
- بانویی که نام او در قرآن آمده است کیست؟ و چند بار نامش آمده است؟
- او مریم دختر عمران است، نام او در قرآن سی و چهار بار آمده است.
- ۲ مَا هِيَ الْآيَاتُ الْأُولَى الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ؟
- الْآيَاتُ الْأُولَى مِنَ سُورَةِ الْعَلَقِ.
- آیات نخستینی که بر پیامبر فرود آمد (نازل شد) چیست؟
- آیات نخستین سوره علق.
- ۳ مَن هُوَ أَوَّلُ نَبِيٍّ كَتَبَ بِالْقَلَمِ؟
- هُوَ النَّبِيُّ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- نخستین پیامبری که با قلم نوشت کیست؟ - او پیامبر ادريس عليه السلام است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «أَرْبَعُونَ» در حالت رفع و «أَرْبَعِينَ» در حالت نصب یا جر قرار دارد.^۱
- ۲ «الْحَافِلَةُ» در گویش عامیانه حجازی «الْبَاصُ» و در گویش مصری «أَتُوبِيسُ» گفته می‌شود.
- ۳ «الْحَبَّ» قرص است و خود واژه «الْقُرْصُ» به معنای «لوح فشرده» یا همان «سی‌دی» است.
- ۴ «الضُّدَاعُ» سردرد است. اَمَّا «سرم درد می‌کند». می‌شود: «رَأْسِي يُؤَلِّمُنِي». یا «أَشْعُرُ بِالضُّدَاعِ».

۱- در محاورات عامیانه به این قاعده توجه نمی‌شود و فقط «أَرْبَعِينَ» گفته می‌شود.

در عربی عامیانه «راسی یوجعنی»^۱ گفته می‌شود که در عربی فصیح نیز فعل وَجَعَ یوجَع کاربرد دارد.

- ۵ «عِنْدَكَ»، «لَكَ» و «لَدَيْكَ» هر سه به معنای «داری» اند.
در زبان عربی با وجود این همه وسعت مصادر، مصدری معادل «داشتن» وجود ندارد.
«ما عِنْدَكَ»، «لَيْسَ لَدَيْكَ» به معنای «نداری» است.
«كَانَ عِنْدَكَ»؛ یعنی «داشتی».
- در گویش حجازی و چند کشور دیگر «فی» تقریباً به همین معنا به کار می‌رود.
مثلاً «فی فُلوس؟»؛ یعنی «هَلْ عِنْدَكَ نُقُودٌ؟» پول داری؟
- ۶ «السُّكَّر» در عربی به معنای «قند» و «شکر» است.^۲
- ۷ «الْمَسَاء» زمان میان ظهر تا مغرب (بعد از ظهر)؛ غروب؛ شبانگاه.
أَتَيْتُهُ مَسَاءً أَمْسٍ: دیروز غروب نزد او آمدم.
- ۸ «وَصَفَّ» علاوه بر معنای «وصف کرد» به معنای «تجویز کرد، نسخه نوشت» می‌باشد و
واژه‌های «وَصَفَّة» و «مُسْتَوْصَف» از همین ریشه‌اند.
- ۹ «الْقَافِلَة» در زبان عامیانه «الْحَمَلَة» گفته می‌شود.
همچنین «مدیر القافلة» را «الْحَمَلْدَار» می‌گویند که اصطلاحی عربی - فارسی است.
(حملة: دارای ریشه عربی + دار: بن مضارع داشتن، دارای ریشه فارسی)
- ۱۰ «إِمْرَأَة» در گویش عراقی «إِمْرِيَة» و در عربستان «حُرْمَة» گفته می‌شود.
حرف «ال» از ابتدای «إِمْرَأَة» در حالت معرفه حذف می‌شود و به این صورت می‌آید:
«الْمَرَأَة». (أَلْ + إِمْرَأَة = الْمَرَأَة)

۱- در گویش جنوب عراق و در گویش هم‌میهنان عرب خوزستان و نیز کویت یوجعنی را یویعنی تلفظ می‌کنند. در بسیاری از کلمات، حرف جیم تبدیل به «ی» می‌شود. شبیه این دگرگونی حتی در زبان‌های اروپایی نیز مشاهده شده است؛ مانند: یوسف و جوزف و یوزیپ و جوزف/ بنیامین و بنجامین/ جان و یان و یوهان/ جاکوب و یاکوب (یعقوب)

۲- پزشک از بیمار به عامیانه عربستان سؤال می‌کند: «فی سُّكَّر؟» یعنی «بیماری قند داری؟»

سُّكَّر در عربی و sugar در انگلیسی، Şeker در ترکی استانبولی، zucchero (زُکُرو) در ایتالیایی، Сахар (ساخر) در روسی، Шکر (شوگا) در ژاپنی، socker (سُ کِر) در سوئدی، sucre (سُوپُکُغ) در فرانسه، sokeri (سُ کِری) در فنلاندی، cukier (سُ کِرا) در لهستانی، sucker (سُکُر) در نروژی، suiker (سا کِغ) در هلندی، Zucker (سُ ک) در آلمانی، ζάχαρη (زاخاری) در یونانی، sheqer (ش کی یر) در آلبانیایی و ... همگی برگرفته از واژه فارسی شکرند.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۴ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمه معادل فعل مضارع «دوم شخص جمع»؛ یعنی صیغه‌های جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنی مذکر مخاطب، مثنی مؤنث مخاطب در جمله با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس داستان زیبایی است که مناسب سن دانش آموزان است.
در دل داستان گفت‌وگوهایی رد و بدل می‌شود که می‌توانیم در مکالمه از آنها الهام بگیریم.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ...﴾ (نساء: ۹۷) زمین خدا پهناور (وسیع) است.
كَانَتْ مَجْمُوعَةً مِنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.
گروهی (مجموعه‌ای) از آهوان در جنگلی میان کوه‌ها و رودها بودند.
فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ خَمْسَةٌ ذِنَابٍ عَلَى الْغِزْلَانِ.
در روزی از روزها پنج گرگ به آهوها حمله کردند.
الْغَزَالُ الْأَوَّلُ: إِلَهِي، مَاذَا نَفَعَلُ؟
آهوی نخست: ای خدای من، چه کنیم؟
الْغَزَالُ الثَّانِي: لَا نَقْدِرُ عَلَى الدَّفَاعِ.
آهوی دوم: نمی‌توانیم دفاع کنیم. (قادر به دفاع نیستیم).

۱- پیام درس همان تبتیر درس است که برگرفته از آیه قرآن است: ﴿أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا؟﴾ یعنی دعوت به مهاجرت.
پیام‌های دیگری نیز در داستان نهفته است که دانش‌آموزان می‌توانند از داستان نتیجه بگیرند.

قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا: «مَا هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ. سَأَنْجَحُ».

آهویی کوچک با خودش گفت: «راه حل چیست؟ باید فکر کنم. موفق خواهم شد».

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عُصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ:

آهوی کوچک، گنجشکی را دید و از او پرسید:

«هَلْ خَلَفَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرُ؟»

«آیا پشت آن کوهها جهانی دیگر هست؟»

أَجَابَ الْعُصْفُورُ: «لَا».

گنجشک پاسخ داد: «نه».

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا يَعْسَتْ فَشَاهَدَتْ حَمَامَةً وَ سَأَلَتْهَا:

آهوی کوچک ناامید نشد (مأیوس نشد) و کبوتری را دید و از او پرسید:

«يَا أُمَّ الْفَرَّخِينَ، هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

«ای مادرِ دو جوجه، (ای مادرِ جوجهها) آیا پشت آن کوهها جهانی به جز جهان ما هست؟»

سَمِعَتْ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ.

همان پاسخ (جواب) را از او شنید.

الْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هُدْهُدًا وَ سَأَلَتْهُ: «هَلْ خَلَفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

آهو، شانهبه‌سری (هدهدی) را دید و از او پرسید: «آیا پشت کوهها جهانی به جز جهان ما هست؟»

أَجَابَ الْهُدْهُدُ: «نَعَمْ».

شانهبه‌سر پاسخ داد: «آری».

فَصَعِدَتْ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ غَابَةً وَاسِعَةً؛

پس آهو از کوه بلند بالا رفت و به بلایش رسید و جنگلی پهناور (وسیع) را دید؛

ثُمَّ رَجَعَتْ وَ قَالَتْ لِأَبَائِ الْغِزْلَانِ: «أُتَعْرِفُونَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

سپس برگشت و به پدران آهوها گفت: «آیا می‌دانید که پشت کوهها جهانی دیگر است؟!»

وَ قَالَتْ لِأُمَّهَاتِ الْغِزْلَانِ: «أُتَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

و به مادران آهوها گفت: «آیا می‌دانید که پشت کوهها جهانی دیگر است؟!»

فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بِغَضَبٍ: كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟!

آهوی نخست با خشم گفت: چگونه این سخن را می‌گوی؟!

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي: كَأَنَّكَ مَجْنُونَةٌ.

و آهوی دوم گفت: گویی تو دیوانه‌ای.

وَ قَالَ الْعَزَالُ الثَّالِثُ: هِيَ تَكْذِبٌ.

و آهوی سوم گفت: او دروغ می‌گوید.

وَ قَالَتِ الْعَزَالَةُ الرَّابِعَةُ: أَنْتِ تَكْذِيبِينَ.

و آهوی چهارم گفت: تو دروغ می‌گویی.

قَطَعَ رَيْسُ الْعِزْلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ:

رئیس آهوها سخنان را قطع کرد و گفت:

«هِيَ صَادِقَةٌ. هِيَ لَا تَكْذِبُ؛ عِنْدَمَا كُنْتُ صَغِيرًا؛ قَالَ لِي طَائِرٌ عَاقِلٌ:

«او راستگوست. او دروغ نمی‌گوید؛ وقتی که کوچک بودم؛ پرنده‌ای دانا به من گفت:

خَلَفَ الْجِبَالِ عَالِمٌ آخَرَ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِرَبِّيسِنَا؛

پشت کوه‌ها جهانی دیگر هست و آن را (این سخن را) به رئیسمان گفتم؛

لِكِنَّهُ مَا قَبِلَ كَلَامِي وَ ضَحِكَ.

ولی او سختم را نپذیرفت (قبول نکرد) و خندید.

كَمَا تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صَلَاحَكُمْ دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ».

همانگونه که می‌دانید من همواره صلاح شما را می‌خواهم؛ پس باید کوچ کنیم. (مهاجرت کنیم)».

صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلِ وَ وَجَدُوا عَالِمًا جَدِيدًا وَ فَرِحُوا كَثِيرًا.

همگی از کوه بالا رفتند و جهانی دیگر را یافتند و بسیار شاد شدند.

ترجمه این جمله‌ها در متن برای برخی از دانش‌آموزان دشوار است.

لَا تَقْدِرُ عَلَى الدِّفَاعِ. نَمِي تَوَانِمِ دِفَاعِ كَنِمِ. قَادِرٌ بَه دِفَاعِ نَيْسْتِمِ.

ما هو الحل؟: راه حل چیست؟ عَلِيٌّ بَالْتَفَكْرِ: باید فکر کنم. فَسَأَلْتُهُ: پس از او پرسید.

آموزش تصویری قواعد

دانش‌آموز جمله‌های مصور را می‌خواند و مانند درس پیشین با توجه به تصویر و با راهنمایی

معلم ترجمه می‌کند. معلم قاعده درس را با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان

را به حروف رنگی در افعال تفعّلون، تفعّلن و تفعّلان ارجاع می‌دهد.

معلم با روش اکتشافی تلاش می‌کند تا دانش‌آموز خودش بتواند نکات درس را کشف کند.

برای سادگی کار حروف مضارع و شناسه‌ها رنگی شده‌اند. فهمیدن ساختار برای دانش‌آموز آسان

است؛ اما حفظ و به خاطر سپردن کاری دشوار است و نیازمند تکرار و تمرین است.

یادگیری در خلال تمرین بسیار به دست می‌آید.

بدانیم

دانش آموز با کلمهٔ پرسشی «مَتَى» به عنوان یک واژهٔ جدید قبلاً آشنا شده است و کلماتی را نیز که معنای زمان دارند شناخته است؛ در اینجا فقط مطالب پراکنده کنار هم چیده شده است و مطالب این بخش جدید نیست. معلّم می‌تواند برای اینکه این مطلب در ذهن دانش آموز تثبیت شود برای تفهیم بهتر کلمهٔ پرسشی «مَتَى» را با یک دانش آموز در قالب سؤال و جواب شفاهی تمرین کند و از او بپرسد و دانش آموز پاسخ دهد؛ مثال:

■ متى ترجع إلى البيت؟

■ في الساعة الثانية. (بعد الظهر، في المساء...)

فَن تَرْجَمَهُ

در جمله‌های فعلیّه که فاعل اسم ظاهر است؛ فعل به صورت مفرد می‌آید؛ مثال:

رَجَعَ الْوَالِدُ إِلَى صُفُوفِهِمْ.

در جملهٔ بالا «رَجَعَ» فعل مفرد است و الأولاد فاعل اسم ظاهر؛ لذا فعل به صورت «رَجَعُوا» به کار نرفته است.

تَمْرِينِهَا

حلّ تمرینات در کلّ کتاب، بر عهدهٔ دانش آموز است و معلّم نقش مصحّح و راهنما دارد.
تمرین اوّل: هدف، تقویت توانایی دانش آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. معلّم بر قرائت و ترجمهٔ وی نظارت و او را ارشاد می‌کند.

درک مطلب در یادگیری هر زبانی، نقشی مهم را ایفا می‌کند.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. هر چهار تمرین از قرآن کریم، برگزیده شده تا دانش آموز بتواند آموخته‌هایش را عملاً در ترجمهٔ آیات قرآن به کار ببرد.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت روخوانی و ترجمه است. دانش آموز باید بتواند فعل مضارع را نیز در جمله تشخیص دهد. در این تمرین، دانش آموز با ساختارهایی که تاکنون آموزش داده شده است، بار دیگر آشنا می‌شود.

تمرین چهارم: هدف، تقویت قدرت ترجمهٔ افعال ماضی و مضارع است. در امتحان از طرح سؤال شبیه به این تمرین خودداری شود مگر اینکه دانش آموزان شما با شرط معدّل ثبت نام شده باشند؛

زیرا پاسخ‌دهی به این سبک طرح سؤال دشوار است. این تمرین صرفاً برای تقویت دانش‌آموز است. ترجمه فعل باید در جمله و به کمک قرائن صورت گیرد. پس این تمرین فقط برای کار در کلاس طراحی شده است.

ساختار درس

ساختار درس هفتم آشنایی با معادل فعل مضارع صیغه دوم شخص جمع است. در حقیقت درس ششم و هفتم در زمینه آموزش ساختار یک هدف دارند و درس هفتم موجب تثبیت آموخته‌های درس ششم می‌شود.

کنز الحکمة

سخنان حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی رضی الله عنه زینت بخش درس می‌باشد. سعی شده است احادیث به کار رفته، در عین حال که از نظر ساختاری مطابق با اهداف آموزشی کتاب‌اند، از نظر مفهومی به روز و قابل فهم برای دانش‌آموز باشد.

ارزشیابی

روش نمایشی شیوه‌ای مناسب برای آموزش ساختار این درس است. دو یا سه دانش‌آموز کاری را انجام می‌دهند و دانش‌آموز گوینده جمله مربوط به عمل آنها را بیان می‌کند؛ مثال:
دو دانش‌آموز از کلاس خارج می‌شوند.

معلم خطاب به آنها می‌گوید: أنتما تخرجان من الصف.

همین دو دانش‌آموز بر می‌گردند و معلم می‌گوید: أنتما تدخلان الصف.

می‌توان این کار را با فعل‌های گوناگونی انجام داد به شرط اینکه مقدمات آن از قبل فراهم شود؛ مثلاً:

أنتم تصنعون سيارة جميلة.

اما لازم است یک خودرو ساخته شده در کارگاه مدرسه را سر کلاس بیاورند و چند نفر در حالت

نمادین وانمود کنند که در حال ساختن این وسیله‌اند.

مثال‌های دیگر: أنتم تضحكون، أنتم تجلسون، أنتم تکتبون ...

تمرینات

تمرین اول:

- ۱ الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ حَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ. غلط
- ۲ قَبِلَ رَيْسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ. صحیح
- ۳ الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ: عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ. صحیح
- ۴ سَأَلَتِ الْغَزَالَةُ الْهُدْهَدَ أَوَّلَ مَرَّةٍ. غلط
- ۵ كَانَ عَدَدُ الذُّنَابِ خَمْسَةً. صحیح

تمرین دوم:

- ۱ ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۹)
برایتان در آن میوه‌هایی بسیار هست و از آن می‌خورید.
- ۲ ﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (یوسف: ۳۷)
ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.
- ۳ ﴿قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا﴾ (انبیاء: ۵۹)
گفتند: چه کسی این [کار] را با خدایانمان کرد؟!
- ۴ ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ (یوسف: ۳۷)
و پروردگارت به کسی ستم نمی‌کند.
- ۵ ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (زخرف: ۳)
بی‌گمان ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم. یا قطعاً ما آن را قرائتی عربی قرار دادیم.

تمرین سوم:

- ۱ أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أَخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ. (تعرف و لا تعرف)
تو زبان عربی را خوب می‌دانی و خواهرت آن را مانند تو نمی‌داند.
- ۲ زَمَيْكَ لَيْسَ مَلْبَسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذَا أَنْتَ لَا تَلْبَسُ؟ (لا تلبس)
همکلاسی تو لباس‌های پاییزی پوشید؛ پس تو چرا نمی‌پوشی؟
- ۳ أَنْتِ شَعَرْتِ بِالْحُزْنِ أَمْسٍ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ. (تشرین)
تو دیروز احساس اندوه کردی و امروز احساس شادی می‌کنی.

۴ اَنَا أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصِفِ. (أذهب) من احساس سردرد می‌کنم، به درمانگاه خواهم رفت.

تمرین چهارم:

می‌خندم، می‌اندازی، نمی‌برد، پوشیدید، نمی‌پذیرید (قبول نمی‌کنید)، یاری نمی‌کنی، نزدیک می‌شود، فرمانروایی می‌کنیم، خواهید شست، خواهد فهمید

کَنْزُ الْحِكْمَةِ

۱ اِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ؛ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. ۱ رسولُ اللهِ ﷺ

بی‌گمان رَشک و رزیدن (حسادت) خوبی‌ها را می‌خورد؛ همان‌گونه که آتش هیزم را می‌خورد.

۲ اِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ اِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللهِ. ۲ حضرت علیؑ

بی‌گمان نیازهای مردم به شما نعمتی از سوی خدا هستند.

۳ الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ الْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. ۳ رسولُ اللهِ ﷺ

امانت روزی می‌آورد و خیانت فقر می‌آورد.

۴ اِنَّ اللهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. ۴ رسولُ اللهِ ﷺ

بی‌گمان خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.

۵ اِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. ۵ حضرت علیؑ

از دست دادن فرصت، اندوه است. از دست دادن فرصت اندوه به دنبال می‌آورد.

۱- المحجة البيضاء، جلد ۵، صفحه ۳۲۵

۲- غرر الحكم، جلد ۲، صفحه ۵۳۷

۳- به جای الرزق، الغناء نیز آمده است.

۴- الأمانة تجلب الغناء والخيانة تجلب الفقر. امانت‌داری ثروت را و خیانت فقر را جلب می‌کند.

(میزان الحکمة، جلد ۳، صفحه ۲۴۴۸).

۴- کنز العمال، ۱۷۱۶۶

۵- نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴

الأربعينيات

أين المُستشفى؟ بیمارستان کجاست؟

- أين مُستشفى الإمام الحسن عليه السلام؟

- بیمارستان امام حسن عليه السلام کجاست؟

- وَ هَلْ هُنَاكَ صَيْدَلِيَّةٌ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَشْفَى؟

- و آیا [آنجا] داروخانه‌ای نزدیک به بیمارستان هست؟

- فِي ذَلِكَ الشَّارِعِ.

- در آن خیابان است.

- نَعَمْ، الصَّيْدَلِيَّةُ فِي نَفْسِ الْمُسْتَشْفَى.

- آری؛ داروخانه در همان بیمارستان هست.

- لَا، قَرِيبٌ. بَعْدَ كِيلُومِتْرَيْنِ تَقْرِيْبًا.

- نه؛ نزدیک است. بعد از تقریباً دو کیلومتر است.

- لَا؛ لَيْسَتْ زَحْمَةً، بَلْ رَحْمَةٌ.

- نه؛ زحمتی نیست. رحمت است.

- وَ وَالِدَيْكَ!

- و همچنین پدر و مادر خودت را!

- هَلِ الْمُسْتَشْفَى بَعِيدٌ؟

- آیا بیمارستان دور است؟

- صَارَتْ عَلَيْكُمْ زَحْمَةٌ.

- برایتان زحمت شد.

- رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْكَ!

- خدا پدر و مادرت را بیامرزد!

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱ «إِضَاعَةٌ» مصدر باب إفعال است. أَضَاعَ - يُضِيعُ - إِضَاعَةٌ.

۲ «جَلَبَ» یعنی «آورد» و با «أَحْضَرَ» و «جَاءَ بِ» مترادف است.^۱

۳ «حَمَامَةٌ» واحد «حَمَامٍ» برای مذکر و مؤنث و جمع آن حَمَائِمٌ است.

۴ «رَزٌّ» و «أَرْزٌ» هر دو به معنای «برنج» اند.^۲

۵ «صَحِكَ»؛ یعنی «خندید» و «صَحِكَ بِهِ وَ مِنْهُ وَ عَلَيْهِ»؛ یعنی او را ریشخند کرد.

۶ جمع «طَائِرٍ» می شود «طَيْرٌ» و «طُيُورٌ»

۷ «كُرَّةُ الْمِنْصَدَةِ» به صورت «كُرَّةُ الطَّائِلَةِ» نیز گفته می شود.

۱- در گویش عامیانه عربی «جاب» به کار می رود. (جاب: آورد - چیبُ یا ایچیبُ: می آورد) مثال از گویش حجازی: جیبُ لی مویه. یعنی برایم آب بیاور.

۲- در گویش محلی عراق «تَمَّن» گفته می شود.

- ۸ جمع «مجنون»، «مجانین» است. عرب تصوّر می‌کرده کسی که دیوانه است، جن در بدن او رفته است؛ لذا او را «مجنون»؛ یعنی «جن‌زده» نامیده است. ایرانیان نیز فرد روانی را به گمان اینکه «دیو» در پیکر او جای گرفته است، «دیوانه» نام نهاده‌اند.
- ۹ مضارع «يَيْئِسُ» می‌شود «يَيْئِسُ» و «يَيْئَسُ».
- ۱۰ «ما هو الحَلُّ؟» یا «مَا الحَلُّ؟» به یک معناست.^۱

۱- در محاورات عامیانه به جای «ما هو الحَلُّ؟» گفته می‌شود:

«ایش نُسُو؟ (حجازی)؛ شُنْسُو؟ (عراق)»، شو منساوی؟»

الدُّرُسُ الثَّامِنُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۱۲ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام درس
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمه معادل فعل مضارع سوم شخص جمع یعنی جمع مذکر غایب، جمع مؤنث غایب، مثنی مذکر غایب، مثنی مؤنث غایب، در جمله و با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس داستان زیبایی است. همانند متن درس قبل در دل داستان گفت‌وگوهایی ردّ و بدل می‌شود که می‌توان در اینجا نیز در مکالمه از آنها استفاده کرد.

معمولاً این داستان به نقل از بلدرچین نقل می‌شود. سلوی واحد آن سلواة واژه‌ای کم کاربرد است و بیشتر دانش‌آموزان بلدرچین را نمی‌شناسند، ولی گنجشک شناخته شده است.

شاید گفته شود گنجشک بالای درخت لانه می‌کند و در میان مزرعه زندگی نمی‌کند؛ اما گنجشک انواع مختلفی دارد که شیوه‌های مختلفی برای زندگی دارند و اصولاً در داستان تخیلی که حیوانات و پرندگان سخن می‌گویند نباید مته به خشخاش نهاد.

متن داستان به گونه‌ای است که شاید هیچ داستان دیگری چنین قابلیت‌ی برای آموزش ساختار فعل مضارع سوم شخص جمع یعنی جمع مذکر غایب، جمع مؤنث غایب، مثنی مذکر غایب و مثنی مؤنث غایب را نداشته باشد. گفت‌وگوهایی که کار رفته به اندازه کافی صیغه‌های معادل سوم شخص جمع دارد.

هماهنگی در ترجمه متن درس

الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ (تکیه به خود)
تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشِّهَا فِي مَرْعَةٍ كَبِيرَةٍ وَ تَقُولُ لِفِرَاخِهَا:

گنجشکی از لانه اش در کشتزاری (مزرعه ای) بزرگ بیرون می رود (خارج می شود) و به جوجه هایش می گوید.

«یا فراخی، عَلَيَّكَ بِمُرَاقَبَةِ حَرَكَاتِ صَاحِبِ الْمَرْعَةِ. مَاذَا يَقُولُ وَ يَفْعَلُ؟»

«ای جوجه هایم، باید مراقب حرکت های صاحب مزرعه باشید. چه می گوید و چه می کند؟»

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: صَاحِبُ الْمَرْعَةِ مَعَ جَارِهِ يَذْهَبَانِ إِلَى شَجَرَتَيْنِ وَ يَجْلِسَانِ بَيْنَهُمَا.

جوجه نخست: صاحب مزرعه همراه همسایه اش به سوی دو درخت می روند و میان آن دو می نشینند.

الْفَرْخُ الثَّانِي: زَوْجَةُ صَاحِبِ الْمَرْعَةِ وَ جَارَتُهَا تَذْهَبَانِ إِلَى نَفْسِ الشَّجَرَتَيْنِ.

جوجه دوم: همسر صاحب مزرعه و همسایه اش به سوی همان دو درخت می روند.

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: الْجِيرَانُ يَجْلِسُونَ عَلَى الْيَمِينِ.

جوجه سوم: مردان همسایه سمت راست می نشینند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الْجَارَاتُ يَجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.

جوجه نخست: بانوان همسایه سمت چپ می نشینند.

الْفَرْخُ الثَّانِي: مَا الْخَبْرُ؟ مَاذَا يَفْعَلُونَ؟ أ هَذِهِ ضِائِقَةٌ؟

جوجه دوم: چه خبر است؟ چه می کنند؟ آیا این مهمانی است؟

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: النِّسَاءُ يَجْلِسْنَ الطَّعَامَ وَ الْخُبْزَ وَ يَجْلِسْنَ جَنْبَ الْمَائِدَةِ.

جوجه سوم: خانم ها خوراکی (غذا) و نان و پنیر می آورند و کنار سفره می نشینند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الرَّجَالُ يَجْمَعُونَ الْحَطَبَ وَ يَجْلِبُونَ الْمَاءَ وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَلْعَبُونَ.

جوجه اول: مردان هیزم جمع می کنند و آب می آورند و پس از آن بازی می کنند.

تَرْجِعُ الْأُمُّ وَ تَسْأَلُ فِرَاحَهَا: «مَاذَا حَدَّثَ؟»

مادر بر می گردد و از جوجه هایش می پرسد: «چه شده است؟»

الْفَرْخُ الثَّانِي: صَاحِبُ الْمَرْعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جِيرَانِهِ لَجَمْعِ الْقَمْحِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.

جوجه دوم: صاحب مزرعه از همسایگانیش برای جمع کردن گندم کمک خواست. (درخواست

کمک کرد) باید بگیریم. (فرار کنیم)

أُمُّ الْفِرَاحِ: لَا؛ نَحْنُ فِي أَمَانٍ فِي عَشْنَا.

مادر جوجه ها: نه؛ ما در لانه مان در امنییم.

فِي الْيَوْمِ الثَّانِي تَخْرُجُ الْعُصْفُورَةُ مِنَ الْعُشِّ وَ تَقُولُ لِفِرَاحِهَا:

در روز دوم، گنجشک از لانه بیرون می رود (خارج می شود) و به جوجه هایش می گوید:

«عَلَيْكَنَّ بِالْمُرَاقَبَةِ؛ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ».

«باید مراقب باشید؛ از دست دادن فرصت اندوه است».

بَعْدَ رُجُوعِ الْأُمِّ قَالَ الْفَرُخُ الثَّلَاثُ:

پس از برگشتن مادر، جوجه سوم گفت:

«صَاحِبُ الْمَرْعَةِ طَلَّبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ لِجَمْعِ الْمَحْصُولِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ».

صاحب مزرعه از نزدیکانش برای جمع‌آوری محصول درخواست کمک کرد. باید بگریزیم (فرار کنیم).

أُمُّ الْفِرَاخِ: نَحْنُ فِي أَمَانٍ.

مادر جوجه‌ها: ما در امانیم.

فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ:

در روز سوم:

الْفِرَاخُ: سَمِعْنَا أَنَّ صَاحِبَ الْمَرْعَةِ يَقُولُ: «سَأَبْدَأُ بِجَمْعِ الْقَمَحِ بِنَفْسِي غَدًا».

جوجه‌ها: شنیدیم که صاحب مزرعه می‌گوید: «فردا خودم شروع به جمع‌آوری گندم خواهم کرد».

خَافَتْ أُمُّ الْفِرَاخِ وَ قَالَتْ: «الآن عَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ».

مادر جوجه‌ها ترسید و گفت: «اکنون باید کوچ کنیم». (مهاجرت کنیم)

الْفِرَاخُ يَسْأَلُنْ أُمَّهُنَّ: «لِمَاذَا عَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ؟! هُوَ وَحِيدٌ وَ بِلَا صَدِيقٍ».

جوجه‌ها از مادرشان می‌پرسند: «چرا باید کوچ کنیم؟! او تنها و بی‌دوست است».

الْأُمُّ: عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ؛ لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مُهِمًّا؛

مادر: هنگامی که انسان بر دیگری تکیه می‌کند؛ چیز مهمی (کار مهمی) انجام نمی‌دهد؛

وَ عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ؛ يَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ».

و هنگامی که به خودش تکیه می‌کند؛ هر چیزی را (کاری را) می‌تواند. (قادر می‌شود هر کاری انجام دهد).

ترجمه این چند جمله برای دانش‌آموزان، دشوارتر از بقیه جمله‌هاست.

طَلَّبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جِيرَانِهِ لِجَمْعِ الْقَمَحِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.

از همسایگانش خواست برای جمع‌کردن گندم به او کمک کنند؛ باید فرار کنیم.

علیکن بالمراقبة. إضاعة الفرصة غصة. باید مراقب باشید. از دست دادن فرصت غصه را به دنبال

می‌آورد. (از دست دادن فرصت اندوه است. (موجب غصه است.) از آنجا که در جمله «إضاعة

الفرصة غصة» نوعی سجع وجود دارد قطعاً در ترجمه فارسی این سجع از بین می‌رود و در ترجمه ناچاریم کلمه یا کلماتی را اضافه کنیم.
سأبدأ بجمع القمح بنفسي غداً. فردا خودم شروع به جمع‌آوری گندم خواهم کرد.

آموزش تصویری قواعد

مانند روال دروس قبل دانش‌آموز جمله‌های مصور را می‌خواند و با توجه به تصویر و با راهنمایی معلم ترجمه می‌کند. معلم قاعده درس را با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های یفعلون، یفعلن، یفعلان و تفعلان ارجاع می‌دهد. معلم همچنان با روش اکتشافی تلاش می‌کند، تا دانش‌آموز خودش بتواند نکات درس را کشف کند. نقش معلم در اینجا نقش راهنما و اصلاح‌کننده است.

بدانیم

در جدول درس هشتم در کنار فعل مضارع، فعل ماضی نیز برای تثبیت آموخته‌ها و یادآوری تکرار شده است. توجه به حرف رنگی در یادگیری فعل ماضی و مضارع نقش ارزنده‌ای دارد.

فن ترجمه

صیغه مثنی مذکر مخاطب و مثنی مؤنث مخاطب با صیغه مثنی مؤنث غایب یکسان است. در این بخش از درس نحوه تشخیص این دو فعل از یکدیگر توضیح داده شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف این تمرین، تقویت توانایی درک مطلب است. از دانش‌آموز می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. حل همه تمرینات بر عهده دانش‌آموز است و معلم تنها نظارت می‌کند.
تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است.
 دانش‌آموز باید بتواند فعل مضارع را نیز در جمله تشخیص دهد.
تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت روخوانی و ترجمه است. تصویر علاوه بر تلطیف کتاب یاری‌رسان دانش‌آموز در ترجمه عبارت‌هاست.

تمرین چهارم: هدف، تقویت قدرت ترجمهٔ افعال ماضی و مضارع است. این تمرین برای تقویت شناخت و ترجمهٔ فعل طرّاحی شده است.

تمرین پنجم: هدف، تشخیص فعل مضارع درست است. تبدیل و ساخت صیغه‌های گوناگون فعل مطلوب نیست؛ اما توانایی تشخیص فعل درست در جمله و با توجه به قرائن مدّ نظر است.

تمرین ششم: هدف، تقویت مهارت سخن گفتن است. این تمرین، کلاس درس را شاداب و پر تحرّک می‌کند. دانش‌آموزان برای شرکت در این فعالیت داوطلب می‌شوند.

ساختار درس

ساختار موضوع درس هشتم آشنایی با معادل فعل مضارع صیغهٔ دوم شخص جمع است. مجدداً در درس نهم ساختار درس هشتم آموزش داده می‌شود.

نور السماء

آیات برگزیده، مطابق با واژگان و ساختار خوانده شده است. دانش‌آموز با ترجمهٔ آیات قرآن به تدریج حس می‌کند با خواندن درس عربی می‌تواند با قرآن و متون دینی انس بگیرد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

توصیه‌هایی که در دروس پیشین گفته شد، در این درس نیز مصداق دارد.

تمرینات

تمرین اول:

۱. لِمَاذَا طَلَبَ صَاحِبُ الْمَرْعَةِ الْمُسَاعَدَةَ؟

لِجَمْعِ مَحْصُولِ الْقَمْحِ لِلضِّيَافَةِ تَحْتَ الشَّجَرَةِ (گزینهٔ اول درست است).

۲. مَتَى يَفْقِدُ الْإِنْسَانُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ؟

عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى الْآخَرِينَ. عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ. (گزینهٔ دوم درست است).

۳. فِي أَيِّ يَوْمٍ خَافَتْ أُمُّ الْفِرَاحِ مِنْ صَاحِبِ الْمَرْعَةِ ؟ - عِنْدَمَا...

بَدَأَ بِجَمْعِ الْمَحْصُولِ بِنَفْسِهِ. طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ. (گزینهٔ اول درست است).

۴ كَمْ عَدَدُ الْفِرَاحِ؟

ثَلَاثَةٌ سِتَّةٌ (گزینه اول درست است.)

۵ هَلْ كَانَتْ الْمَرْعَةُ صَغِيرَةً؟

نَعَمْ؛ كَانَتْ صَغِيرَةً. لا؛ كَانَتْ كَبِيرَةً. (گزینه دوم درست است.)

تمرین دوم:

۱ ﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ یونس: ۵۵

آگاه باش (هان)! بی‌گمان وعده خدا حق است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

۲ هَذَانِ الْفَلَاحَانِ يَزْرَعَانِ الرُّزَّ فِي الرَّبِيعِ.

این دو کشاورز (این کشاورزان) در بهار برنج می‌کارند.

۳ أَوْلَيْكَ الْجَارَاتُ يَرْجِعْنَ مِنَ الضِّيَافَةِ.

آن خانم‌های همسایه از مهمانی بر می‌گردند.

۴ هَاتَانِ الطُّفْلَتَانِ تَلْعَبَانِ بَيْنَ الْأَشْجَارِ.

این دو دختر بچه میان درختان بازی می‌کنند.

۵ هَاتَانِ الْجَارَتَانِ تَذْهَبَانِ إِلَى الضِّيَافَةِ.

این دو بانوی همسایه به مهمانی می‌روند.

۶ إِلَى أَيِّ تَذْهَبَانِ، أَيَّتَهُمَا الْجَارَتَانِ؟

ای دو بانوی همسایه، کجا می‌روید؟

تمرین سوم:

يَكْتُبُ أَوْلَيْكَ الْمُجَاهِدُونَ رَسَائِلَ. آن رزمندگان (مجاهدان) نامه‌هایی می‌نویسند.

تَخْدِمُ هَؤُلَاءِ الْمُجَاهِدَاتُ لِنَصْرِ وَطَنِهِنَّ. این بانوان رزمنده (مجاهد) برای یاری میهنشان خدمت

می‌کنند.

مَاذَا يَزْرَعُونَ؟ يَزْرَعُونَ الْقَمْحَ. چه می‌کارند؟ گندم می‌کارند.

مَاذَا يَجْمَعَانِ؟ يَجْمَعَانِ الْبُرْتُقَالَ. چه چیزی جمع می‌کنند؟ پرتقال جمع می‌کنند.

تمرین چهارم:

پاسخ‌ها: برنمی‌گردند، می‌توانند، راست می‌گویند، دستور می‌دهند، نگاه نمی‌کنید.

تمرین پنجم:

- ۱ هاتانِ الْبِنْتَانِ الْعَافِلَتَانِ تَكْتَبَانِ وَاجِبَهُمَا.
- ۲ الطُّلَابُ سَيَرْجِعُونَ إِلَى الصُّفُوفِ عَدَاً.
- ۳ الْمُسَافِرَانِ ذَهَبَا إِلَى الْمُنْدُقِ أَمْسِ.
- ۴ الطُّالِبَاتُ يَسْأَلْنَ حَوْلَ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ.

تمرین ششم:

- ۱ هَلْ عَشُّ عُصْفُورٍ فِي مَدْرَسَتِكُمْ (مَدْرَسَتِكُنَّ)؟
نعم؛ عَشُّ عُصْفُورٍ فِي مَدْرَسَتِنَا. يَا لَيْسَ عَشُّ عُصْفُورٍ فِي مَدْرَسَتِنَا.
 - ۲ كَمْ مُعَلِّمًا عِنْدَكَ؟ (كَمْ مُعَلِّمَةً عِنْدِكَ؟) عَشْرَةٌ. يَا عَشْرَةٌ مُعَلِّمِينَ. يَا هَرِ عِدَدِ دِيغَرِي ...
 - ۳ لِمَاذَا تَحْضُرُ (تَحْضُرِينَ) فِي الْمَدْرَسَةِ؟ لِكَسْبِ الْعِلْمِ. يَا أَحْضُرُ لِكَسْبِ الْعِلْمِ.
 - ۴ مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى الْبَيْتِ؟ بَعْدَ الظُّهْرِ، فِي الْمَسَاءِ، فِي السَّاعَةِ الثَّلَاثَةِ. يَا أَرْجِعُ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ ...
 - ۵ أَيْنَ تَأْكُلُ (تَأْكُلِينَ) الطَّعَامَ؟ فِي الْبَيْتِ. يَا فِي الْمَطْعَمِ. يَا ...
- اول شخص مفرد (متكلم وحده) در پاسخ به فعل تَأْكُلُ (تَأْكُلِينَ) یعنی فعلِ «آكلُ» از اهداف کتاب نیست.

نور السماء

- ۱ ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (يوسف: ۴)
بی‌گمان من یازده ستاره و خورشید و ماه را در برابرم سجده‌کنان دیدم.
- ۲ ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون: ۸)
ارجمندی (عزت) از آن خدا و فرستاده‌اش و از آن مؤمنان است، ولی دورویان (منافقان) نمی‌دانند.
- ۳ ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نمل: ۶۵)
کسی در آسمان‌ها و زمین جز خدا غیب نمی‌داند.
- ۴ ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰)
جز این نیست که مؤمنان برادرند.

- ۱ ما هُوَ أَوَّلُ مَكَانٍ نَزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ؟ غَارُ حِرَاءٍ فِي مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.
 نخستین جایی که در آن قرآن کریم فرود آمد چیست؟ (کجاست؟) غار حرا در مکه بزرگوار (مکرمه)
- ۲ أَيُّ سُورَةٍ مَعْرُوفَةٌ بِأَمِّ الْقُرْآنِ؟ سُورَةُ الْحَمْدِ.
 کدام سوره به مادر قرآن (امّ القرآن) شناخته شده (معروف) است؟ سوره حمد.
- ۳ مَنْ هُوَ أَوَّلُ مَقْتُولٍ فِي الْأَرْضِ وَ لِمَاذَا؟ إِنَّهُ هَابِيلُ، وَ هُوَ مَقْتُولٌ بِسَبَبِ حَسَدِ أَخِيهِ قَابِيلِ.
 چه کسی نخستین کشته شده در زمین است و چرا؟ بی گمان او هابیل است و به دلیل حسادت برادرش قابیل کشته شده است.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱ جمع «عُشٌّ» می شود: أعشاش؛ اما وزن های غیر معروف عُشُوش، عِشاش و عِشَشَة نیز به کار رفته است. اگر لانه پرنندگان در کوه، شکاف دیوار و مانند آن باشد؛ وَكْرٌ و وَكْنٌ و اگر در میان زمین باشد أُفْحُوصٌ و أُدْحِيٌّ نامیده می شود.
- ۲ «فَرُخٌ» و «صُوصٌ» جمع آن «صیصان» مترادف اند. جمع قَرُخٌ غیر از فِرَاحٌ به صورت أفرَاحٌ، أفرُخٌ و فُرُوخٌ نیز به کار رفته است.
- ۳ «قَمَحٌ»، «جِنَطَةٌ» و «بُرٌّ» مترادف اند.
- ۴ «نَهَارٌ» به معنای «روز هنگام» است؛ اَمَّا «يَوْمٌ» مطلق روز است؛ مانند: يَوْمُ السَّبْتِ.
 کلمه «ناهار» ربطی به «نهار» ندارد و فارسی است و نباید بدون الف نوشته شود.
- ۵ جمع «مَائِدَةٌ» می شود «مَوَائِدٌ». مائِدَةٌ به معنای سفره ای است که غذا رویش وجود دارد؛ اَمَّا «سُفْرَةٌ» شاید غذا رویش نباشد.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۲۴ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ معادل فعل مضارع سوم شخص جمع یعنی جمع مذکر غایب، جمع مؤنث غایب، مثنی مذکر غایب، مثنی مؤنث غایب، در جمله و با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس، ماجرای سفر دانش‌آموزان یک مدرسه است. در کتاب تلاش شده است، تا تعادل جنسیتی برقرار شود. در درس «مهنتك في المستقبل» شخصیت‌ها پسر بودند. در این درس، شخصیت‌ها دخترند.

یکی از دلایلی که در تألیف از متون مکالمه استفاده شده این است که افزون بر اینکه معلم و دانش‌آموز آن را می‌پسندند، دست مؤلف در این قسمت باز است و می‌تواند با تغییر عبارات به راحتی اهداف آموزشی کتاب را پوشش دهد. کم و زیاد کردن پرسش‌ها لطمه‌ای به مفهوم نمی‌زند؛ زیرا تقریباً هر پرسش و پاسخ مستقل است؛ اما در داستان چنین امتیازی برای مؤلف کمتر وجود دارد.

هماهنگی در ترجمه متن

السَّفَرَةُ الْعِلْمِيَّةُ (گردش علمی، سفر علمی)
 طَالِبَاتُ الْمَدْرَسَةِ مَسْرُورَاتٌ؛ لِأَنَّهِنَّ سَوَّفَ يَذْهَبْنَ لِسَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ مِنْ شِيرَازَ إِلَى يَاسُوجَ.
 دانش‌آموزان مدرسه شادند؛ زیرا از شیراز به یاسوج برای گردش علمی سفر خواهند کرد.
 الْمُدِيرَةُ: سَنَذْهَبُ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ يَوْمَ الْخَمِيسِ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ.
 خانم مدیر: روز پنجشنبه در هفته آینده به گردش علمی خواهیم رفت.

۱. پیام درس را می‌توان آیه ﴿سَيُرَوُّ فِي الْأَرْضِ﴾ دانست.

عَلَيْكُنَّ بِمُرَاعَاةِ بَعْضِ الْأُمُورِ:

باید برخی کارها را رعایت کنید:

- تَهْيِئَةُ الْمَلَابِسِ الْمُنَاسِبَةِ؛ لِأَنَّ الْجَوَّ فِي يَاسُوجٍ بَارِدٌ.

تهیه لباس‌های مناسب؛ زیرا در یاسوج هوا سرد است.

- تَهْيِئَةُ مِنْشَقَّةٍ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ وَ فُرْشَاةٍ وَ مَعْجُونِ أَسْنَانٍ.

تهیه حوله کوچک و بزرگ و مسواک و خمیر دندان.

- الْحُضُورُ فِي سَاعَةِ الْمَدْرَسَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا.

حضور در حیاط مدرسه در ساعت هفت بامداد. (صبح)

الطَّالِبَاتُ يَسْأَلْنَ الْمُدِيرَةَ:

دختران دانش‌آموز از خانم مدیر می‌پرسند:

الأولى: يَا سَيِّدَتِي، إِلَى أَيِّ نَدْهَبُ؟

نفر اول: خانم، (ای خانم من)، کجا می‌رویم؟

الْمُدِيرَةُ: إِلَى يَاسُوجٍ وَ حَوْلِهَا. فِي هَذِهِ الْمُحَافِظَةِ غَابَاتٌ وَ أَنْهَارٌ وَ أَزْهَارٌ وَ بَسَاتِينٌ وَ عُيُونٌ وَ شَلَالَاتٌ جَمِيلَةٌ.

خانم مدیر: به یاسوج و اطراف آن. در این استان جنگل‌ها، رودها، شکوفه‌ها (گل‌ها)، باغ‌ها، چشمه‌ها و آبشارهایی زیبا هست.

الثانية: كَمْ يَوْمًا نَبْقَى؟ الْمُدِيرَةُ: ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنَ الْخَمِيسِ إِلَى السَّبْتِ.

نفر دوم: چند روز می‌مانیم؟ خانم مدیر: سه روز از پنجشنبه تا شنبه.

الثالثة: مَتَى نَرْجِعُ؟ الْمُدِيرَةُ: صَبَاحَ يَوْمِ الْأَحَدِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ.

نفر سوم: کی بر می‌گردیم؟ خانم مدیر: بامداد (صبح) روز یکشنبه در ساعت هفت.

الرابعة: بِمَ نَدْهَبُ إِلَى هُنَاكَ؟ الْمُدِيرَةُ: بِالْحَافِلَةِ.

نفر چهارم: با چه وسیله‌ای به آنجا می‌رویم؟ خانم مدیر: به وسیله اتوبوس.

الخامسة: أَيَّنْ نَأْكُلُ الْفُطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ؟ الْمُدِيرَةُ: فِي مَطْعَمٍ نَظِيفٍ وَ جَيِّدٍ.

نفر پنجم: کجا صبحانه، ناهار و شام می‌خوریم؟ خانم مدیر: در رستورانی (غذاخوری) تمیز و خوب.

السادسة: هَلِ الْجَوَالُ مَسْمُوحٌ لَنَا؟ الْمُدِيرَةُ: نَعَمْ.

نفر ششم: آیا موبایل برای ما مجاز است؟ خانم مدیر: آری.

السابعة: أَيَّنْ نَبْقَى لِإِسْتِرَاحَةٍ؟ الْمُدِيرَةُ: فِي فُنْدُقِ الْمُعَلِّمِينَ.

نفر هفتم: برای استراحت کجا می‌مانیم؟ خانم مدیر: در خانه معلم (هتل معلمان).

الثَّامِنَةُ: هَلْ هُنَاكَ مَلْعَبٌ؟ الْمُدِيرَةُ: نَعَمْ؛ ثَلَاثَةٌ مَلْعَبٍ.

نفر هشتم: آیا در آنجا زمین بازی هست؟ خانم مدیر: آری؛ سه زمین بازی هست.

فَرِحَ الْجَمِيعُ لِهَذِهِ السَّفَرَةِ الْجَمِيلَةِ.

همگی به خاطر این سفر خوشحال شدند.

ترجمه این دو جمله از بقیه جملات درس برای دانش آموز دشوارتر است.

عليكُ بمراعاة بعض الأمور. باید چند نکته را رعایت کنید.

فَرِحَ الْجَمِيعُ لِهَذِهِ السَّفَرَةِ. همه به خاطر این سفر خوشحال شدند.

آموزش تصویری قواعد

معلم قاعده درس را پس از قرائت و ترجمه جمله‌های مصور توسط دانش‌آموزان با استفاده از کادر رنگی شرح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های یفعلون، یفعلن، یفعلان و تفعلان ارجاع می‌دهد. معلم همچنان با روش اکتشافی تلاش می‌کند، تا دانش‌آموز خودش بتواند نکات درس را کشف کند.

اگر در برخی موارد دانش‌آموز نتواند حق مطلب را ادا کند، معلم سؤال می‌کند، تا روش اکتشافی اجرا شود و در صورتی که به مقصود نرسد، توضیحات لازم را به اطلاع دانش‌آموزانش خواهد رساند.

بدانیم

دانش‌آموز با کلمه پرسشی «کیف» پیش از این آشنا شده بود. در این قسمت، فقط یک جمع‌بندی صورت گرفته است و در حقیقت مطلب جدیدی آموزش داده نمی‌شود. هدف آموزش «حال» یا همان «قید حالت» فارسی نیست.

فن ترجمه

دانش‌آموز تاکنون چند بار با کلماتی مانند عنده و له آشنا شده است. در اینجا نیز مانند مطلب بالا نکته جدیدی آموزش داده نمی‌شود و باری به آموزش کتاب تحمیل نشده است. چنین کلماتی پرکاربردند و در اینجا یک دسته‌بندی مرتب برای فهم بهتر صورت گرفته است.

معادل فعل «دارم» در عربی می‌شود: «عندي، لي، لَدَيَّ»^۱
 نظر به پرکاربرد بودن این ساختار، آشنایی رسمی با بحث آن برای دانش‌آموز لازم است.

تمرین‌ها

قرائت، ترجمه و حلّ تمرین‌های درس‌های کتاب بر عهده دانش‌آموز است و معلّم نقش راهنمایی و نظارت را بر عهده دارد.

تمرین اول: هدف این تمرین، همچنان تقویت توانایی درک مطلب است. از دانش‌آموز می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این بار خواسته شده تا دانش‌آموز پاسخ کوتاه دهد. این شیوه طراح قدری دشوار است و پیشنهاد می‌شود به تشخیص معلّم اگر طرح چنین سؤالی در امتحان موجب می‌شود دانش‌آموز دچار مشکل شود از آن صرف‌نظر شود و سؤالات صحیح و غلط یا چند گزینه‌ای طراح گردد.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت روخوانی و ترجمه است. تصویر افزون بر زیبایی، نقش آسان‌سازی نیز دارد.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند فعل مضارع را نیز در جمله تشخیص دهد.

تمرین چهارم: هدف، تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است. این تمرین باید شفاهاً در کلاس ترجمه شود، تا دانش‌آموز به بهانه آن با کلمات بیشتری آشنا شود. اصولاً تکرار در ترجمه جمله‌ها موجب می‌شود، تا فراگیر بهتر بیاموزد.

تمرین پنجم: هدف، تقویت مهارت سخن گفتن است. این تمرین، کلاس درس را شاداب و پر تحرک می‌کند. دانش‌آموزان برای شرکت در این فعالیت داوطلب می‌شوند.

تمرین ششم: مانند تمرین چهارم، هدف این تمرین نیز تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است؛ اما شیوه کار فرق دارد. این بار از تصاویر استفاده شده است. این کار هرچند حجم درس را زیاد نشان می‌دهد؛ اما کتاب را بسیار زیبا می‌کند و دانش‌آموزان به حلّ چنین تمرینی علاقه‌مندند.

تمرین هفتم: هدف این تمرین، نیز مانند تمرین چهارم و ششم مجدداً تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است. از آنجا که ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست؛ لذا ۱۶ پاسخ روبه‌روی دانش‌آموز قرار دارد. رمز جدول «حسن الخلق نصف الدین». از حضرت محمد ﷺ است. این تمرین، دست مؤلف را باز می‌گذارد، تا کلماتی را که در تمرینات کمتر به کار رفته است، در آن بگنجاند.

۱- در گویش حجازی به جای «هل عندك خُبْرٌ؟» گفته می‌شود: «في خُبْرٌ؟» در اینجا حرف «في» معادل داشتن است. «مافي» نیز «نداشتن» است.

ساختار درس

ساختار درس هشتم و نهم آشنایی با معادل فعل مضارع صیغۀ دوم شخص جمع است.

نور السَّمَاء

آیات برگزیده مطابق با واژگان و ساختار کتاب است. در عربی هفتم کمتر از آیات قرآن استفاده شده است؛ ولی در عربی هشتم تعداد آیات قرآن بسیار بیشتر است. دلیل این امر نیز واضح است؛ زیرا در پایه هشتم دانش آموز یک سال درس عربی داشته است و با کلمات بسیار و چند ساختار آشنا شده است.

در این درس، آشنایی با فعل مضارع تکمیل می‌شود. به همین دلیل، بخش «نظرة إلى الفعل المضارع» بعد از درس نهم طرّاحی شده است. شایسته است معلّم از چند دانش آموز بخواهد جمله‌های این بخش را بخوانند و قواعد فعل مضارع را جهت یادآوری تکرار کنند. مصوّر بودن این قسمت در فهم مطلب، بسیار مؤثر است و جنبه زیبایی کار هدف ثانویه است. طرّاحی نخستین جدول افعال و ضمائر بومی‌سازی شده است. دانش آموزان بر اساس ساختار زبان فارسی با زبان عربی آشنا می‌شوند. در ادامه صرف افعال و ضمائر به شیوه سنتی نیز نهاده شده است، تا تمرین بیشتری صورت بگیرد.

پژوهش

کار پژوهش یافتن نام حیواناتی که در قرآن آمده است موجب می‌شود حس کنجکاوی دانش آموز تحریک شود و به بهانه این پژوهش به سراغ قرآن می‌رود و از بزرگ‌ترها سؤال می‌کند. از طرفی تهیه این پژوهش دشوار نیست و از عهده دانش آموز متوسط برمی‌آید.

تمرینات

تمرین اول:

۱ في يَوْمِ الْخَمِيْسِ فِي الْاَسْبُوْعِ الْقَادِمِ.

۲ نَعَمْ؛ الْجَوَالُ مَسْمُوْحٌ.

۳ مِنْ مُحَافَظَةِ فَارَسِ.

۴ إِلَى يَاسُوجٍ. يَا تَذَهَبُ الطَّالِبَاتُ إِلَى يَاسُوجٍ.

۵ يَذَهَبْنَ بِالْحَافِلَةِ.

۶ الْجُوُّ بَارِدٌ.

۷ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ.

تمرین دوم:

آن پسرانِ دانش‌آموز، به سفری می‌روند. آن دخترانِ دانش‌آموز به سفری می‌روند. این دو پسر دانش‌آموز، از کلاسشان خارج می‌شوند. این دو دختر دانش‌آموز، از کلاسشان خارج می‌شوند.

تمرین سوم:

۱ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (یونس: ۴۴)

بی‌گمان خدا به مردم هیچ چیزی ستم نمی‌کند؛ ولی مردم به خودشان ستم می‌کنند.

۲ ﴿... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ...﴾ (نصر: ۲)

و مردم را دیدی وارد دینِ خدا می‌شوند.

۳ الْمُؤْمِنُونَ يَصْدُقُونَ وَ لَا يَكْذِبُونَ فِي الْحَيَاةِ.

مؤمنان راست می‌گویند و در زندگی دروغ نمی‌گویند.

۴ الْأَخْتَانِ سَمِعَتَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَ تَعَمَّلَانِ بِهِ.

دو خواهر (خواهرها) سخن معلم را شنیدند و به آن عمل می‌کنند.

۵ عِنْدَنَا طَعَامٌ كَثِيرٌ لِلْعِشَاءِ عَلَى الْمَائِدَةِ؛ نَأْكُلُهُ مَعًا.

برای شام، خوراکی (غذای) بسیاری سر سفره داریم؛ آن را با هم می‌خوریم.

تمرین چهارم:

۱ شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ: «الْفُرْشَاءُ»

۲ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمُدُنِ: «الْمُحَافَظَةُ»

۳ سَبَبُ جَمَالِ الرَّبِّيعِ: «الْأَزْهَارُ»

۴ طَعَامُ الصَّبَاحِ: «الْفُطُورُ»

۵ بَيْتُ الطَّائِرِ: «الْعُشُّ»

تمرین پنجم:

- ۱ کَيْفَ حَالِ الْوَالِدَيْنِ؟ هُمَا بِخَيْرٍ. يَا بَخَيْرِ.
- ۲ لِمَاذَا أَنْتَ (أَنْتِ) هُنَا؟ لَتَعْلَمَ الْعَرَبِيَّةَ. يَا ...
- ۳ أَمَدِيْنَةُ كَرَجَ بَعِيْدَةً عَن طَهْرَانَ؟ لَا؛ قَرِيْبَةً عَن طَهْرَانَ. يَا لَا؛ قَرِيْبَةً. يَا لَا؛ بَلْ قَرِيْبَةً. يَا ...
- ۴ هَلْ عِنْدَكَ (عِنْدِكَ) مُعْجَمُ الْعَرَبِيَّةِ؟ نَعَمْ؛ عِنْدِي. يَا لَا؛ مَا عِنْدِي.
- ۵ إِلَى أَيْنَ ذَهَبْتَ (ذَهَبْتِ) فِي أَيَّامِ نُوْرُوْز؟ مَا ذَهَبْتُ إِلَى السَّفَرِ. يَا مَا سَافَرْتُ. يَا مَا سَافَرْتُ وَ بَقِيْتُ فِي مَدِيْنَتِي. يَا ذَهَبْتُ إِلَى مَدِيْنَتِي مِيَانْرَاهَانَ.

تمرین ششم:

شَلَالُ / فِرَاحُ / حَافِلَةٌ / أَزْهَارُ / عُشُّ / شَايُ / فُرْشَاةٌ / مِِنْشَقَّةٌ / خَاتَمٌ / قَرَسٌ / حَمَامَةٌ / عُصْفُوْرٌ

تمرین هفتم:

حَدَّثَ / مَسْمُوْحٌ / عِنْدَهُمْ / غَدَاءٌ / ثَالِثٌ / خَائِفٌ / مَلَاعِبٌ / أَقْدَامٌ / هُنَاكَ / يَصْدُقُ / عُصْفُوْرٌ / مُحَافِظَةٌ / شَلَالٌ / سَادِسٌ / شَايٌ / مِِنْشَقَّةٌ

نور السَّمَاءِ

۱ ﴿يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ﴾
(آل عمران: ۱۳۵)

هرکس در آسمان‌ها و زمین است و خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها و درختان برایش سجده می‌کنند.

۲ ﴿الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۵۶)

کسانی که خدایی دیگر را همراه خدا قرار می‌دهند، خواهند دانست.

۳ ﴿إِنَّا أَنْوَالِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (يونس: ۶۲)

آگاه باش، بی‌گمان دوستان خدا هیچ ترسی بر آنان نیست و آنان غمگین نمی‌شوند.

۴ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...﴾ (هود: ۷)

بی‌گمان خدا همه گناهان را می‌آمرزد.

۵ ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (توبه: ۴۰)

بی‌گمان خدا با ماست.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «بِمَ» کوتاه شده «بِما» است. کلماتی مانند عَمَّ، لِمَ، مِمَّ در اصل عَنُ ما، لِمَا، مِمَّا بوده‌اند که حرف الف در «ما» حذف شده است. هرگاه حرف جر بر سر مای استفهامیه وارد شود؛ الفِ آن وجوباً حذف می‌شود؛ مثال: ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾
- ۲ «زَهْر» به معنای «شکوفه» و «كُلُّ» اما «وَرْد» به معنای «كُلُّ» است.
- ۳ «وَلِي» معانی مختلفی دارد: دوست، یار، هم‌پیمان، مرشد، سرپرست یتیم، باران پس از باران
- ۴ «شای» در عربی برگرفته از واژه فارسی «چای» است.^۱
- ۵ «عِشاء» شام و «عِشاء» شب است.
- از این واژه «تَعَشَّى: شام خورد، يَتَعَشَّى، تَعَشَّى» ساخته شده است.
- ۶ از کلمه «عَدَاء» مانند «عِشاء» فعل ساخته شده است: «تَعَدَّى: ناهار خورد، يَتَعَدَّى، تَعَدَّى». در مثل عربی «تَعَدَّ تَمَدُّ: تَعَشَّ تَمَشَّ». یعنی: «ناهار بخور لم بده؛ شام بخور قدم بزن.» این کلمات به کار رفته است.
- ۷ «فُرْشاة» علاوه بر «مسواک» به معنای «فرچه» نیز هست.
- در عامیانه و در تداول «فِرْشاة» گفته می‌شود.
- ۸ «فَطُور» و «إِفْطار» به معنای «صبحانه» اند. در عامیانه عراق «رُبُوق» با تبدیل قاف به گاف و در لبنان «تَرْوِيقَة» با تبدیل قاف به همزه به جای «فَطُور» گفته می‌شود. معمولاً در محاورات روزمره فَطُور را فُطُور به ضمّ فاء تَلْفُظ می‌کنند؛ اما فُطُور به معنای صبحانه خوردن است.
- ۹ «مِنْشَقَّة» و «فوطَة» به معنای حوله (هوله) هستند.^۲
- ۱۰ «مَلایِس»، «أَلْبِسة»، «ثياب، أثواب» و «أزياء» تقریباً مترادف‌اند.
- ۱۱ «نَعَم» در عربی عامیانه حجازی «أیوه» گفته می‌شود که برخی مخفّف «أَي واللّه» و برخی از ترکی استانبولی «اوت» می‌دانند.
- در عراق نیز «إي» یا «أَي» به همین معناست.
- نَعَم، أَجَل و بَلَى مترادف‌اند.

۱- «چای» نیز از لفظ چینی 茶 (چا) گرفته شده است. واژه tea (تی) نیز در آغاز (تای) بوده که به (تی) تبدیل شده است.
 ۲- در عراق «خاُولی» و «بَشکیر» نیز گفته می‌شود. خاُولی در اصل ترکی است. «خاو: پُرز+ لی: پسوند دارندگی و اِتّصاف: پُرزدار» در ترکی استانبولی حرف خ را ه تَلْفُظ می‌کنند و خاُولی، هاُولی و هَوَله گفته شده است. پس هوله کلمه‌ای ترکی است و بی‌جهت با ح نوشته می‌شود. کلمات دارای حرف ح ریشه عربی دارند و حتّی اگر ریشه آنها زبانی مانند عبری هم باشد، از راه زبان عربی وارد زبان فارسی شده است. «بَشکیر» نیز ریشه فارسی دارد. (پیش‌گیر)

۱۲ «جَمِيل» در محاورات «حَلَو» گفته می‌شود که تَلَفُظ فصیح آن «حُلُو» است.

۱۳ «كَيْفَ» برای پرسش از حالت و چگونگی به کار می‌رود. کاربردهای کیف عبارت است از:

کیف برای شرط به کار می‌رود؛ مثال: کیف تفعلُ أفعلُ. هرچه انجام دهی انجام می‌دهم.

کیف برای استفهام حقیقی است؛ مثال: کیف مصطفی؟ یعنی مصطفی چطور است؟

کیف برای استفهام غیر حقیقی و برای تعجب به کار می‌رود؛ مثال: ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ﴾ چگونه

به خدا کافر می‌شوید؟

﴿كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ﴾، کیف جاء أخوك؟ کیف حال است که برخی مفعول مطلق هم گفته‌اند.^۱

۱۴ «ذَهَبَ» در محاورات «راح» گفته می‌شود که در لغتنامه جزء کلمات فصیح به شمار آمده

است.

۱۵ «سَمَاء» مذکر و مؤنث است. هرچند طبق قاعده ظاهراً مذکر باید باشد؛ چون همزه ریشه

کلمه است. (سَمَاو = سَمَاء)

سَمَاء به معنای سقف مذکر است؛ مانند: ﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرٌ بِهِ﴾

سَمَاء به معنای آسمان مؤنث است؛ مانند: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ (معجم المذكر و المؤنث، دکتر

محمد أحمد قاسم، دار العلم للملايين)

«إله» بدون الف نوشته می‌شود. در ابتدای نزول قرآن رسم الخطّ عربی دارای حروف کشیده

(ا، و، ی) نبود؛ لذا کلماتی مانند رحمن، إسمعیل بی الف کشیده بودند. بعدها که برای

آسان‌سازی خواندن، الف کشیده اضافه شد؛ بسیاری از کلمات اصلاح شد؛ اما کلمات معروفی مانند:

هَذَا، ذَلِكَ، إله و رحمن در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ همچنان با رسم الخطّ قدیم نوشته شد.

۱- در لهجه عراقی «إشلون، شُلون» و در حجازی «كَيْفَ» (kif) گفته می‌شود؛ مثال:

كَيْفَ حَالُكَ؟ در عراق: إِشْلَوْنِكَ؟ (مذکر) و إِشْلَوْنِجْ؟ (مؤنث)

در عربستان: كَيْفَكَ؟ (مذکر) و كَيْفِكَ؟ (مؤنث)

در مصر: إِزْيِكَ؟ (مذکر) و إِزْيِكَ؟ (مؤنث)

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۵ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روانخوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک معنویت متن درس
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمه عددهای ترتیبی یکم تا دوازدهم از عربی به فارسی. (تشخیص کاربرد مذکر و مؤنث به ویژه در اَوَّل و اَوَّلَى از اهداف کتاب نیست.)

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ مראقد دینی امامان علیهم‌السلام است. از آنجا که موضوع پایانی کتاب، عددهای ترتیبی است؛ لذا این متن از متون مناسب برای آموزش اعداد ترتیبی می‌باشد.

هماهنگی در ترجمه متن

المَرَاقِدُ الدِّينِيَّةُ (مراقد دینی، آرامگاه‌های دینی)

مَرَقَدُ الْإِمَامِ الْأَوَّلِ عليه السلام فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ؛

آرامگاه امام اول علیه السلام در نجف اشرف است.

وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّانِي وَ الرَّابِعِ وَ الْخَامِسِ وَ السَّادِسِ عليهم السلام فِي الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ؛

و آرامگاه امام دوم، چهارم، پنجم و ششم علیهم السلام در بقیع شریف است.

وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّلَاثِ عليه السلام فِي كَرْبَلَاءَ؛

آرامگاه امام سوم در کربلاست.

وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ السَّابِعِ وَ التَّاسِعِ عليهم السلام فِي الْكَاطِمِيَّةِ؛

و آرامگاه امام هفتم و نهم علیهم السلام در کاظمین است.

وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّمَانِ عليه السلام فِي مَشْهَدَ فِي مُحَافَظَةِ خِرَاسَانَ الرَّضَوِيَّةِ؛

و آرامگاه امام هشتم علیه السلام در مشهد در استان خراسان رضوی است.

وَمَرَقْدُ الْإِمَامِ الْعَاشِرِ وَالْأَحَادِي عَشَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَامِرَاءَ؛
و آرامگاه امام دهم و یازدهم عليه السلام در سامراست.
و الْإِمَامُ الثَّانِي عَشَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيٌّ غَائِبٌ عَنِ النَّظَرِ.
و امام دوازدهم عليه السلام زنده و پنهان از دیده است.

بدانیم

در اینجا عددهای ترتیبی یکم تا دوازدهم آموزش داده شده است. دانش آموز قبلاً بیشترِ عددهای ترتیبی را در درس‌های دیگر مشاهده کرده است. در این درس، بقیهٔ عددهای ترتیبی را می‌آموزد. زمان مناسبی است که در این درس عددهای ترتیبی یکم تا دوازدهم را یک جا ببیند. در اینجا هدف این نیست که چنین سؤالی طرح شود. در جای خالی کلمهٔ مناسبی بنویسید.

جاءت الفائزَةُ ... لِأَخَذِ الْجَائِزَةِ. الْأَوَّلُ □ الْأُولَى □

سخت‌گیری قاعده‌نویسان در تدوین قواعد، زبان را که برای تفهیم و تفهم به وجود آمده است، پیچیده و دشوار ساخت. امروزه در برخی کشورهای عربی «حرکة التسهيل» برای ساده‌سازی قواعد ایجاد شده است.

در آموزش عمومی، پیچیدگی‌های صرفی و نحوی مدّ نظر نیست. برای اینکه دانش‌آموز مبحث عددهای ترتیبی را خوب یاد بگیرد، پس از طرح آن دو مجموعه تمرین طراحی شده است. در تمرین اول، سؤال دو گزینه‌ای و در تمرین دوم، سؤال ترجمه‌ای مصور نوشته شده است. با حلّ این دو مجموعه تمرینات عددهای ترتیبی ملکهٔ ذهن دانش‌آموز می‌شود.

تمرین‌ها

قرائت، ترجمه و حلّ تمرینات در کلّ کتاب بر عهدهٔ دانش‌آموز است و دانش‌آموز راهنما و مصحّح است.

تمرین اول: هدف، تقویت کاربرد واژگان است. این تمرین باید هنگام حل شدن ترجمه نیز بشود.
تمرین دوم: هدف، تثبیت و تعمیق آموختهٔ دانش‌آموز در مبحث اعداد ترتیبی است.

تمرین سوم: هدف، تقویت کاربرد واژگان است. این تمرین باید هنگام حل شدن ترجمه نیز بشود، تا مطمئن شویم دانش‌آموز تصادفاً به پاسخ نرسیده است.

تمرین چهارم: اوج زیبایی در این تمرین، به منصفهٔ ظهور رسیده است. مطابق قوانین بالادستی

یکی از اهداف آموزش عربی کمک به درس زبان و ادبیات فارسی است. این تمرین، پیوندی هنرمندانه میان ادبیات فارسی و عربی برقرار می‌کند؛ اما همین تمرین بسیار زیبا می‌تواند به تمرین و سؤالی منفور دانش‌آموزان تبدیل شود و این در صورتی است که سؤالات عجیب به تقلید از قرابت معنایی در کنکور طراحی گردد. کاری که مؤسسات خصوصی برای اینکه بازارشان گرم شود انجام می‌دهند و طراحان سؤالات غیر استاندارد نیز به آتش آن دامن می‌زنند.

تمرین پنجم: هدف، تمهید برای ورود به بحث «ساعت‌شماری» است که در آینده تدریس خواهد شد. در اینجا دانش‌آموز فقط ساعت کامل را می‌خواند نه «مانده» و «گذشته» را. به عبارت دیگر «الخامسة إلاً ربعاً» و «الخامسة و الربع» و موارد مشابه جزء اهداف آموزشی کتاب نیست و نباید اشاره‌ای به آنها کرد. در حقیقت این تمرین گونه‌ای تمرین بر عددهای ترتیبی است. احتمال دارد دانش‌آموز بپرسد: «اگر به جای «الخامسة» بگوییم «خمسة» چه اشکالی دارد؟» در اینجا پاسخ می‌دهیم: «الخامسة شکل نوشتاری و «خمسة» شکل گفتاری زبان است.»

تمرین‌ها

تمرین اول:

- ۱ لِفَائِزِ «الأول» جَائِزَةٌ دَهَبِيَّةٌ.
- ۲ الشَّهْرُ «الأحدى عشر» فِي السَّنَةِ شَهْرٌ بِهِمَن.
- ۳ الفَصْلُ «الثالث» فِي السَّنَةِ فَصْلُ الخَرِيفِ.
- ۴ اليَوْمُ «السادس» فِي الأُسْبُوعِ يَوْمُ الخَمِيسِ.
- ۵ نَحْنُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ فِي الصَّفِّ «الثامن».

تمرین دوم:

الْفَاكِهَةُ الأُولَى رَمَانَ وَالثَّانِيَةَ عِنَبَ وَالثَّالِثَةَ تَفَّاحَ وَالرَّابِعَةَ مَوْزَ وَالخَامِسَةَ بُرْتُقَالَ وَالسَّادِسَةَ تَمْرٌ.
میوه نخست انار، میوه دوم انگور، میوه سوم سیب، میوه چهارم موز، میوه پنجم پرتقال و میوه ششم خرماسه.

تمرین سوم:

- ۱ لَعْنَةُ عَالَمِيَّةٌ فِي مُنْطَمَةِ الأُمَّمِ المُتَّحِدَةِ: العَرَبِيَّةُ
- ۲ فَصْلُ الأَزْهَارِ وَ بَدَايَةُ فُصُولِ السَّنَةِ: الرَّبِيعُ

- ۳ كِتَابُ يَشْرَحُ مَعَانِي الْكَلِمَاتِ: الْمُعْجَم
 ۴ قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْتَيْنِ: الدُّمُوعُ
 ۵ مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ: الْمَسْجِدُ
 ۶ طَعَامٌ تَأْكُلُهُ فِي الصَّبَاحِ: الْفَطُورُ
 ۷ مَكَانٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى: الْمُسْتَوْصَفُ
 ۸ إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا: السَّنَةُ

تمرین چهارم:

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا؛ اندازه ننگه دار که اندازه نکوست / هم لایق دشمن است و هم لایق دوست
 زَيْتَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زَيْتَةِ الظَّاهِرِ؛ تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست
 نشان آدمیت

سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ؛ زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد.
 الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ؛ عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی غسل.
 مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ؛ درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد / نهال دشمنی برکن
 که رنج بی شمار آرد

تمرین پنجم:

ساعت پنج / ساعت چهار / ساعت ده / ساعت یک / ساعت دو / ساعت یازده / ساعت شش / ساعت
 هفت / ساعت نه

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس همان است که در درس قبل نیز به آنها اشاره شده است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «تَمْر» و «رُطْب» هر دو به معنای «خرما» هستند. در زبان عربی خرما انواع مختلفی دارد که در کشورهای مختلف نام‌های گوناگون دارد.
- ۲ جزء اول و دوم «الْحَادِي عَشْرَ»، «الْحَادِيَّة عَشْرَةَ»، «الثَّانِي عَشْرَ» و «الثَّانِيَّة عَشْرَةَ» مبنی بر فتح هستند.
- ۳ «مَلَأَ» یعنی «پُر کرد» و «إِمْتَلَأَ» یعنی «پُر شد».
- ۴ «ساعت‌خوانی» در عربی فصیح با عددهای ترتیبی است؛ ولی در عربی عامیانه چنین نیست؛ مثال: «الخامسةُ و النصفُ» در زبان عامیانه می‌شود: «خَمْسَةٌ وَ نِصْفٌ»
- ۵ برخی اسم‌ها در عربی ریشهٔ عبری دارند. به چند اسم غیر عربی (عبری) دقت کنید:
 - إسماعیل (اسماع + إیل: سَمِعَ اللهُ): آنکه خدا صدایش را شنید؛ إبراهيم (إب + راهیم: أب رحیم): پدر مهربان؛ زكريّا (زكر + يهوه: ذَكَرَهُ اللهُ): خدا او را یاد کرد؛ حواء (حياة): زندگی، آدم: خاکی؛ بنيامين (بن + يمين): فرزند دست راست؛ سارا: شاهزاده‌ام؛ سالمه: آشتی؛ يونس: کبوتر؛ إسحاق (يَصْحَقُ: يَضْحَكُ): می‌خندد؛ إسرافيل (إسراف+ئيل): درخشیدن چو آتش؛ أيوب: مراجعه‌کننده به خدا؛ جبرائيل (جبرا + ئيل): مرد خدا؛ دانيال (داني + ئيل): خدا داور من است؛ داوود: محبوب؛ سليمان: آشتی؛ ميكائيل (مي + كا + إيل = مَن كَالِه): کسی که شبیه خداست، چه کسی مثل خداست؛ يعقوب: گیرندهٔ پاشنه (چون هنگام تولد پاشنهٔ پای برادر دوقلویش در دست او بود)؛ يوسف (يُضِيْفُ): می‌افزاید؛ عزرائيل: یاور خدا؛ يوحنا (يحيى): زنده می‌ماند؛ صفورا (عصفور): گنجشک^۱
- ۶ نام «کاظمین» در عراق «الکاظمیة» گفته می‌شود.

أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ، وَصَلْنَا إِلَى نِهَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ. فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّقَاءِ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اللَّهُ يَحْفَظُكُمْ.

مَعَ السَّلَامَةِ.

ای دوستان، به پایان سال تحصیلی رسیدیم. خداحافظ و به امید دیدار در کلاس نهم. خداحفظتان کند.

به سلامت.

۱- کتاب در دست چاپ انتشارات مدرسه برهان به نام «دانشنامهٔ نام‌ها و واژه‌ها» اطلاعات مناسبی در این باره به شما ارائه می‌دهد.

معلمان محترم و صاحب نظران کرامی می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی عمومی متوسطه نظری

